مطالب و اطلاعات عمومی شهرسازی

گامی در جهت پیشرفت و ارتقای شهرسازی ایران عزیزمان

دوستان عزیز جهت عضویت در کانال تخصصی شهرسازی نوین

کلیک کنید



NovinShahrsaz

سيماي شهري

دكتر رحمت الله فرهودي

دكتر ايرج تيموري

مريم جعفري مهرآبادي

سازمان شهرداري‌ها و دهياري‌هاي كشور

۱۳۸۷

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

سيماي شهري

مولف : دکتر رحمت اله فرهودي ، ايرج تيموري و مريم جعفري مهرآبادي

کارفرما: دفتر آموزش و مطالعات کاربردی سازمان شهرداری ها و دهیاریهای کشور

مجری : شرکت راهبران مدیریت امین

ناظر اجرایی: سید عارف موسوی

مدیر اجرایی : تهمینه فتح اللهی

shahrsazi novin

NovinShahrsaz



shahrsazi novin

NovinShahrsaz

دیباچه

امروزه آموزش نیروی انسانی بعنوان گامی موثر در جهت بهسازی و نوسازی توانمندی کارکنان مورد تایید سازمان ها خصوصا" سازمان های یادگیرنده و پویاست. آموزش به عنوان فعالیتی حرفه ای به منظور افزایش کارایی و اثر بخشی سازمان ها و ارتقاء کیفیت کار نیروی انسانی و کسب مهارت های تخصصی به حساب می آید و از قلمرو هزینه ، به سرمایه گذاری برای توسعه سازمانی وارد شده است. با توجه به اینکه ما در عصری زندگی می کنیم که تغییرات و تحولات سریع و روزافزون در حوزه های گوناگون اقتصادی ،اجتماعی ، فرهنگی و سیاسی، دائما" وضع موجود را در هم می نوردند و موقعیتی جدید را به منصه ظهور می نشانند. آموزش جوابگوی این تغییرات بوده و نیاز سازمان ها را مرتفع خواهد ساخت.

بدون شک سرمایه گذاری های آموزشی، هم سبب ایجاد سرمایه انسانی می‌گردد و هم شرایط بهبود کیفیت این سرمایه‌ها را فراهم می‌آورد. از اینجاست که کشورهای جهان به ویژه کشورهای در حال توسعه مقادیر متنابهی از بودجه خود را به امور آموزشی نیروی انسانی خود اختصاص می‌دهند.

در این راستا ***دفتر آموزش و مطالعات کاربردی سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور*** بر اساس بند ۱۲ و ۱۶ شرح وظایف خود که برنامه ریزی برای ارتقاء دانش شهرداری ها و دهیار یها برای رسیدن به شاخص های مدیریتی و انتشار یافته های علمی و پژوهشی می باشد اقدام به تهیه، تدوین و انتخاب کتب آموزشی شهرداری ها و دهیاری ها بر اساس نیاز آموزشی ایشان نموده است که اکنون تعداد ۸۰ کتاب و جزوه آموزشی به صورت فایل دیجیتال قابل جستجو با همکاری دانشگاه علم و صنعت ایران تهیه گردیده است،

امید است کتب دیجیتال حاضر بتواند گامی موثر درجهت افزایش بهره وری کارکنان شهرداری ها و دهیاریها و سایر پژوهشگران علوم شهری و روستایی داشته باشد. در پایان لازم است از تلاش صمیمانه همکاران دست اندر کار تهیه کتب دیجیتال خصوصا" جناب آقای دکتر مزینی و مهندس سید عارف موسوی تقدیر و تشکر به عمل آید.

حسین رجب صلاحي

مدیر کل دفتر آموزش و مطالعات کاربردي

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

فهرست موضوعي

پیشگفتار ۷

سخن مولف ۹

فصل اول : اصول، مفاهیم و تعاریف ۱۱

تصویر ذهنی یا سیمای شهر ۱۱

منظر شهر ۱٤

الف. نما ۱٦

۱. طرح نما ۱۸

۲. شیوه ساخت و ساز ۲۰

۳. سازه ساختمان ۲۱

٤. مصالح ساختمان ۲۲

۵. رنگ و نسج ۲٤

٦. تبحر ساخت ۲۵

ب. فضا ۲٦

فضای نیمه عمومی ۲۷

اثاثیه و مبلمان شهری ۲۸

شکل شهر ۳۸

فضای شهر و عوامل تاثیر گذار بر آن ٤۰

ویژگی‌های اصلی فضای شهری ٤۰

فصل دوم : دیدگاه‌های نظری در ارتباط با شهر و سیمای شهر ۴۸

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

۲-۱. دیدگاه‌های موجود در ارتباط با پیدایش شهرها ٤٨

۲-۱-۱. انقلاب شهری ٤٨

۲-۱-۲ . نظریه آب و سکونت‌گاه‌ها ٤٨

۲-۲. نظریه های مربوط به رشد و تکامل شهرها ٥٠

۲-۲-۱. نظریه رشد شهر بصورت دوایر متحدالمرکز ٥٠

۲-۲-۲. توسعه قطاعی شهر ٥١

۲-۲-۳. مدل توسعه چند هسته ای شهرها ٥١

۲-۲-۳. ساخت طبیعی شهرها ٥١

اصول علمی زیبایی شناختی ٥٢

معیارهای زیبایی ٥٣

تعابیری نو از الگوهای ترقی گرا و فرهنگ گرا ٧٧

مقایسه شهرسازی مدرن و پست مدرن ٨١

فصل سوم : ضرورت و اهمیت زیباسازی ٨٥

نقش زیبا سازی در پیشرفت و توسعه شهر ٨٩

زیبا سازی ٩١

طراحی فضای سبز بر اساس اصول زیبا سازی ٩١

تنظیف معابر و گذرگاه‌ها ٩٦

ایمن سازی پیکر خیابان با فضای سبز ٩٨

سیمای شهر ١٠٠

عناصر تصویر ذهنی ١٠٣

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

مشارکت مردم در زیبا سازی سیمای شهر ۱۰۷

اشکال و روش‌های مشارکت در شهرسازی.....۱۰۹

نقش نهادها و ارگان‌ها در سیمای شهر ۱۱۰

چند پیشنهاد مهم در ارتباط با شهر برای شهرداران ۱۱۱

فصل چهارم : سیمای شهر در فرهنگ سنتی اسلامی ۱۱۳

دیدگاه‌ها و نظریات موجود در ارتباط با شهرهای اسلامی ۱۱٦

برادران مارسی و دیدگاه آنها نسبت به شهر اسلامی ۱۱٦

روبرت برونشویگ و دیدگاه او نسبت به شهر اسلامی ۱۱۷

دیدگاه ژاک برگ نسبت به شهر اسلامی.....۱۱۷

دیدگاه لوقد نسبت به شهر اسلامی.....۱۱۷

دیدگاه ویرث نسبت به شهر اسلامی.....۱۱۸

ویژگی‌های اصلی مدل شهر اسلامی از نظر اکارت اهلرز.....۱۱۸

فصل پنجم : عوامل تاثیر گذار بر شکل‌گیری فضاهای شهری در ایران ۱۲۳

ویژگی‌های کالبدی فضاهای شهری ایرانی ۱۲۵

پایان سخن.....۱۲۸

فهرست منابع ۱۳٤

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

پیشگفتار

امروزه آموزش نیروی انسانی بعنوان گامی موثر در جهت بهسازی و نوسازی توانمندی کارکنان مورد تایید سازمان ها خصوصا" سازمان های یادگیرنده و پویاست. آموزش به عنوان فعالیتی حرفه ای به منظور افزایش کارایی و اثر بخشی سازمان ها و ارتقاء کیفیت کار نیروی انسانی و کسب مهارت های تخصصی به حساب می آید و از قلمرو هزینه ، به سرمایه گذاری برای توسعه سازمانی وارد شده است. با توجه به اینکه ما در عصری زندگی می کنیم که تغییرات و تحولات سریع و روزافزون در حوزه های گوناگون اقتصادی ،اجتماعی ، فرهنگی و سیاسی، دائما" وضع موجود را در هم می نوردند و موقعیتی جدید را به منصه ظهور می نشانند آموزش ، جوابگوی این تغییرات بوده و نیاز سازمان ها را مرتفع خواهد ساخت.

تامین سرمایه انسانی مستلزم انجام فعالیت های آموزشی است، بنابراین انجام هرگونه سرمایه گذاری آموزشی، سرمایه گذاری برای تامین سرمایه انسانی تلقی می‌شود. بدون شک سرمایه گذاری های آموزشی، هم سبب ایجاد سرمایه انسانی می‌گردد و هم شرایط بهبود کیفیت این سرمایه‌ها را فراهم می‌آورد. از اینجاست که کشورهای جهان به ویژه کشورهای در حال توسعه مقادیر متنابهی از بودجه خود را به سرمایه گذاری آموزشی اختصاص می‌دهند. هزینه در زمینه آموزش فقط مصرف نیست، بلکه سرمایه گذاری زیربنایی و اساسی است. کوشش های انجام شده برای سنجش تاثیر آموزش بر رشد اقتصادی نشان می‌دهد که سهم قابل توجهی از رشد درآمد ملی در کشورهای در حال توسعه ناشی از آموزش پایدار است.

در این راستا دفتر آموزش و مطالعات کاربردی سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور بر اساس بند ۱۲ و ۱۶ شرح وظایف خود که برنامه ریزی برای ارتقاء دانش مدیران محلی برای رسیدن به شاخص های مدیریتی و انتشار یافته های علمی و پژوهشی می باشد اقدام به تهیه و تدوین کتب آموزشی برای شهرداری ها و دهیاری ها نموده است. بر همین اساس امید است مطالعه مطالب این کتاب برای پژوهشگران علوم شهری و روستایی بخصوص پرسنل شهرداری ها و دهیاری ها مثمر ثمر واقع گردد.

حسین رجب صلاحی

مدیر کل دفتر آموزش و مطالعات کاربردی

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

سخن مولف

خانه ها پيكره ي شهر را مي سازند اما شهروندان، روح آن را. (ژان ژاک روسو)

تنها در صورتي مي توان براي مردم، شهر ساخت كه فهميد مردم، خود چگونه شهرها را مي سازند. (مانوئل كاستلز)

زماني كه شهري را زشت يافتيد، به خيابان‌هاي آن نظر نكنيد، به مردمي كه آن را اين چنين ساخته اند، بنگريد و درون روح، ذهن و قلب آنان را جستجو كنيد. (راسكين)

طراحی شهری را می‌توان جزئی از هنرهای تجسمی به حساب آورد ، لکن این هنر ، صرفا طرح یا تابلویی نیست که هنرمند بر اساس روحیات و ذوق و سلیقه شخصی آنرا ترسیم کند . در ترسیم این هنر ، خواست مردم همان شهر ، نوع نگرش آنها ، تصور آنها از شهر محل سکونت ، فرهنگ شهروندان و ...تاثیر دارند و طراح فقط به ترسیم آنچه که مردم می خواهند کمک می کند . این هنر تجسمی ، هنری است که طرح آنرا مردم ساکن در شهر ترسیم می کنند .

بی گمان سیمای شهر یکی از ابعاد مهم در شهرها می باشد که متاسفانه در کشور ما بدست فراموشی سپرده شده است . سیمای شهر به تصویر ذهنی شهروندان از شهر دلالت دارد. این تصویر ذهنی تحت تاثیر باورها ، اعتقادات ، عوامل سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی شکل می‌گیرد . فرم ها و کالبد بصری شهر که به عنوان منظر شهر یاد می شود، جزئی از عواملی است که در شکل گیری سیمای شهر تاثیر می گذارد. بنابراین منظور از سیمای شهر ، تنها منظر شهری نمی باشد؛ بلکه تمام جنبه‌های بصری و غیر بصری را نیز در بر می‌گیرد. جنبه‌های غیر بصری سیمای شهر ، ویژگی‌های اقتصادی ، فرهنگی ، اجتماعی و سیاسی مردم ساکن در آن شهر می باشد . ویژگی‌های غیر بصری شهر به همان اندازه ویژگی‌های بصری و شاید هم بیشتر بر شکل‌گیری تصویر ذهنی شهروندان تاثیر دارد. بنابراین لازم است تا مدیران شهری علاوه بر ساماندهی جنبه های بصری شهر به ترمیم و التیام جنبه های غیر بصری مانند رفتار ، فرهنگ ، اقتصاد و ...نیز بپردازند . از طرف دیگر مدیران شهری با بررسی سیمای شهر در نزد شهروندان کمک می‌کنند تا شهر بر مبنای تعریف شهروندان از شهر محل سکونت خود ساخته شود . در حقیقت مدیریت سیمای شهر از جمله راه‌هایی است برای ساختن شهر مطلوب و مورد نیاز شهروندان . امید که این نوشتار بتواند انگیزه و راهکارهای مناسب برای مدیریت بهتر سیمای شهرفراهم سازد.

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

در خاتمه از سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌ها کشور و همچنین شرکت راهبران مدیریت امین که زمینه چاپ این کتاب را فراهم نمودند، تشکر و قدردانی می نمایم. از استادان، محققان و دست اندرکاران سیمای شهری تقاضا می شود، نکات اصلاحی خود را ارائه نمایند تا در تجدید نظر و چاپ بعدی کتاب استفاده گردد.

دکتر رحمت اله فرهودی

تابستان ۱۳۸۷

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

فصل اول : اصول، مفاهیم و تعاریف

تصویر ذهنی یا سیمای شهر[1]

اهمیت موضوع مورد بررسی ایجاب می‌کند تا به تعریف سیمای شهر و تفاوت آن با منظر شهر پرداخته شود . ابهام آمیز بودن معنا باعث شده است که این دو اصطلاح به جای یکدیگر به کار گرفته شوند . برای رفع این ابهام بررسی این دو واژه از نظرگاه بزرگان شهرسازی لازم می نماید.

کوین لینچ برای اولین بار واژه سیما (image) را وارد ادبیات طراحی کرد . بزرگترین دستاورد لینچ برای طراحی شهری ، خارج کردن این حرفه از جنبش های زیبا سازانه و منظر شهری است.

وی و همکار ارشدش کپس سعی نمودند تا وجهه و تصویر ذهنی شهروندان را از شهرهایشان کشف کرده و نتایج حاصل از این نظر سنجی را به عنوان راه حلی کاراتر و دموکراتیک تر در طراحی و برنامه ریزی شهر پیش پای تصمیم سازان و تصمیم گیران قرار دهند .

به گفته‌ی لینچ منظور از تصویر ذهنی یا سیما کلیه ی برداشت ها ، باورها ، حدس ها و انتظاراتی است که فرد از محیط پیرامون دارد و ارزش ، کیفیات و عملکرد و اولویت‌های متفاوت را در وی ایجاد می کند. این ذهنیات تابعی است از کلیه اطلاعاتی که فرد تا آن برهه از زمان دریافت کرده و در ذهن خود انباشته است. عوامل متعدد اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی ، اجتماعی، فردی ، اعتقادی و ارزشی در ایجاد سیما و تصویر ذهنی نقش مهمی ایفا می کنند .

لازم به ذکر است که سیما یا تصویر ذهنی ایجاد شده در ذهن ، تصور شهروند از محیط بوده و به همین دلیل با واقعیت موجود انطباق کامل و دقیق ندارد و جالب آنکه شهروند بر اساس این تصویر ذهنی رفتار می کند ، نه بر اساس واقعیت های موجود . در حقیقت سیمای شهری یک نوع برچسب زنی به حقایق پیرامون بر اساس عوامل اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی ، اعتقادی و ...می باشد.

بنابراین سیمای شهر آن تصویر ذهنی ای است که انسان در چارچوب ساختار شخصیتی اش ، آگاهانه و یا نا آگاهانه از جنبه های خاصی از واقعیت فیزیکی موجود ، تجربه کرده است .اما این تصویر ذهنی برای فرد فقط مربوط به زمان حال نبوده ؛ بلکه با تصورات ذهنی او از گذشته و آینده

---

[1] Image of City

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

ترکیب شده ایجاد خاطراتی از گذشته و توقعاتی از آینده می کند (پاکزاد ، 1385،۲۳).

علاوه بر مظاهر جسمی و رویت پذیر شهر عوامل دیگری مانند معنی اجتماعی یک قسمت از شهر ، نقش و وظیفه‌ی آن ، سابقه‌ی تاریخی و یا حتی نام آن بر نمایانی شهر تاثیر می‌گذارد . به نظر لینچ سیمای شهر را بر مبنای عوامل فیزیکی شهر می توان بر اساس پنج عامل راه ، لبه ، محله ، گره و نشانه شناخت (مزینی ، 1374 ، ۹۰).

راپاپورت، سیمای شهر را کلیتی می‌داند که حتی پس از ترک محیط در خاطر انسان می‌ماند . چرا که انسان را در مجموعه اجزا به شمار آورده و آن را با کلیت شهر درگیر می نماید. در واقع تصویر ذهنی حاصل تعامل میان ناظر و محیط اوست : ارتباط متقابل میان شخص و مکان . بر این اساس منظر شهری که مجموعه ای از گشتالت هاست، وقتی کلیتی ذهنی می شود که به آن معنای استوار که از ظرفیت فرهنگی یا منطقه ای اقتباس شده است، داده شود .تصویر ذهنی شهر ، در واقع کلیت به هم پیوسته‌ای از نمادها و نشانه هاست که به مفاهیم ، ارزش ها ، معانی و چیزهای شبیه به آن واقعیت می بخشد (پاکزاد ، 1385، 21) .

به نظر مولفان ، آنچه که سیمای شهر نامیده می شود ، برداشت‌های ذهنی شهروندان و بینندگان شهر از واقعیت‌های موجود می‌باشد این برداشت‌ها و تصورات ذهنی در بینندگان و شهروندان ، بر اثر عوامل مختلف اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی ، باورها و اعتقادات و ...شکل می‌گیرد . با بررسی سیمای شهر در نزد شهروندان به این نکته خواهیم رسید که شهروندان و ناظران با پایگاه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی، چگونه شهر و محل زندگی خود را می بینند و اینکه کدام عناصر کالبدی و بصری و غیر بصری برای این افراد مهم و تاثیر گذار می باشد، تا آن موارد در طراحی های شهری مد نظر قرار گرفته شود .یعنی بررسی سیمای شهر حرکتی مشارکت جویانه از طرف مردم برای طراحی شهر محل زندگی خود می باشد.

بنابراین ما پدیده‌ها و عناصر کالبدی و بصری در شهر و محیط اطراف خود را به همان صورت واقعی خود نمی بینیم"؛ بلکه بر اساس آگاهی ها و دانسته هایی که البته می تواند درست و یا غلط باشد، به مشاهده پدیده‌ها و عناصر بصری و کالبدی پیرامون می پردازیم . بر این اساس می توان اینچنین نتیجه گرفت که آنچه به عنوان سیمای شهر نامیده می شود، زاده‌ی سطح آگاهی های مردم ساکن و یا غیر ساکن در یک شهر می باشد .حال بحث در نحوه شکل گیری این آگاهی‌ها در بین مردمانی می باشد که از سیمای یک شهر صبحت می کنند .آگاهی ها و تلقی ها و باورها می تواند به خاطر یکسری منفعت ها برای گروه و اقشار خاصی شکل بگیرد. در این صورت می‌توان گفت که آنچه به عنوان سیمای شهر گفته می شود، تحت تاثیر یکسری آگاهی‌های کاذبی صورت

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

می‌گیرد که تطابقی با نیازهای واقعی و فرهنگ اصیل مردم ساکن در آن شهر ندارد . این امر سبب می شود تا در بررسی سیمای یک شهر، دقت و تفکر بیشتری در مورد شکل گیری آگاهی ها و تطابق این آگاهی ها با نیازهای واقعی صورت بگیرد .در کشورهای جهان سوم که تحت تاثیر تهاجم و ترویج فرهنگی غربی ها و آگاه سازی های کاذب از طرف آنان قرار دارند ، دست یافتن به سیمای شهری در بین ساکنان شهری این کشورها اگرچه ممکن می باشد؛ ولی به دلیل تهاجم فرهنگی غربی ها، ارزش طرح‌هایی که از مشارکت مردم در ارائه سیمای شهر تهیه می شود، برای دوره‌ی کوتاهی خواهد بود و با تغییر فرهنگ جامعه، محیط‌هایی که توسط طرح‌های مشارکت جویانه که در دوره های قبل شکل گرفته اند، اکنون به محیط‌های نا آشنا و غریب تبدیل خواهند شد .

از طرف دیگر آنچه که دست یابی به سیمای شهر را دربین ساکنان شهری کشور ایران مشکل می نماید ، رشد شتابان شهرها است .این رشد شتابان که در درجه‌ی اول به دلیل عدم وجود عدالت فضائی بوده است ، سبب شده که شهرنشینی یک فرایند طبیعی را طی نکرده و در شرایط غیر ایده ال شکل بگیرد و درنتیجه ساکنان آن، نه تنها احساس تعلق خاطر به شهر محل زندگی خود ندارند، بلکه به دلیل شرایط اضطرار در آن شهرها ساکن هستند. چنین افرادی چگونه می توانند از سیمای شهر خود حرف بزنند؟

درست است که بحث در ارتباط با سیمای شهر در جوامع غربی نتیجه بخش بوده است، ولی به نظر می‌رسد، نسخه مشابه آن در شهرهای کشور ما تا زمانی که پایگاه اقتصادی و اجتماعی شهروندان در وضعیت متعادلی قرار نگرفته باشد، راه به جائی نبرد.

اهم مسائلی که در بحث سیمای شهر مطرح گردید، می توان بدین شرح خلاصه نمود :

۱-سیمای شهر اولین بار توسط کوین لینچ و همکارش کپس وارد ادبیات شهرسازی شده است.

۲-منظور از سیمای شهر تصور ذهنی مردمان و شهروندان ساکن در شهر نسبت به شهر محل سکونت آنها می باشد.

۳-سیمای شهر را بر اساس این پنج عامل فیزیکی ؛ راه (مسیر) ، لبه ، گره ، محله ، نشانه ، شناخت.

۴-در شکل گیری سیمای شهر ، باورها ، اعتقادات ، سطح فرهنگی ، وضعیت اقتصادی ، طبقه اجتماعی ، عوامل سیاسی و... تاثیر دارند.

۵-لازم است در کشورهای جهان سوم مطالعه سیمای شهر با احتیاط صورت پذیرد که مبلغ سیمای شهرهای غربی نباشد.

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

منظر شهر

منظر یعنی محل نظر یا مکان نگریستن. پس منظر یعنی هر چیزی که آنرا می نگرند، خواه خوشایند باشد و خواه بدنما (دهخدا: منظر چیزی است عینی) (پاکزاد ، 1385، ۲۱).

اساسا منظر شهری سطح تماس انسان و پدیده شهر است و از این‌رو بخش قابل توجهی از دانش و عواطف محیطی شهروندان تحت تاثیر آن شکل می‌گیرد. منظر شهری وسیله ای است که شهر را پدیدار می کند. به عبارت دیگر ترسیمات تجریدی طراحان و معماران تنها در قالب منظر شهری است که به تجربه واقعی و انسانی بدل می شود . محیط شهری هندسه و ویژگی های ملموس خود نظیر ویژگی های بصری ، صوتی ، بو و ...را در معرض حواس پنجگانه انسان قرار می دهد .این ویژگی ها که توسط ناظر مورد ادراک قرار می‌گیرد. محصول تعامل منظر شهر می باشد (گلکار ، 1385، 38) .

در حقیقت منظر شهر به تمام جنبه های کالبدی و فضائی شهر و محیط پیرامون آن در مقیاس های مختلف گفته می شود که به عینیت فرد در می آید .شکل ظاهری و عینی ای که کالبد شهر دارا می باشد جزو منظر شهر است . منظر شهر یعنی حقیقتی که موجود هست و بدون هر گونه ذهینی دیده می شود .

ابعاد و اندازه مناظر متفاوت و می توانند به کوچکی یک باغچه و به بزرگی یک سیاره باشند . برای یک فرد باغچه ای به مثابه یک منظر است و برای افراد یک ملت و برای جوامع انسانی یک سیاره یک منظر به حساب می آید (طبیبیان ، 1382، 38) .

در شکل‌گیری منظر شهری افراد ساکن در آن جامعه ، ایدئولوژی حاکم ، ویژگی‌های فرهنگی ، اقتصادی ، سیاسی و ...تاثیر گذار هستند (تاکید از مولف) و به قول یوجینی راسکین » زمانی که شهری را زشت یافتید به خیابان های آن نظر نکنید، به مردمی که آن را اینچنین ساخته اند، بنگرید و درون روح ، ذهن و قلب آنان را جستجو کنید. هنگامی که روح، ذهن و قلب آنان زیبایی و پاکی خود را باز یافت ، منظر شهری نیز زیبائی و پاکی خود را باز خواهد یافت .«(گلکار ، همان).

منظر شهر عینیت قابل ادراک و فضای مورد ادراک ما از واقعیت (حقیقت ، واژه بهتری می باشد) موجود شهر پیرامونمان است (فرح ، 1385، 48) .

منظر بخش متجلی و ملموس فرم است که در آن تبلور بصری ، کارکردی و معنایی چیزهایی که فضا را شکل می دهند دیده می شود . این لغت بر بازتاب معنی دار ترکیب عناصر و عواملی دلالت می کند که خارج از تاثیرات ذهنی ناظر وجود دارند(محمودی ، 1385، 55) .

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

عناصر تشکیل دهنده منظر شهری عناصر عینی می باشند. از این‌رو می توان ادعا نمود منظر شهری واقعیتی است عینی که در مشاهده هر فرد به دیده می آید ؛ به عبارت دیگر منظر شهری توصیفی است از واقعیت موجود کالبد یک شهر که این توصیف ، فارغ از تصویری است که به واسطه تجربیات فرد مشاهده کننده در ذهن او نقش می بندد. با این تعریف منظر شهر توصیف کننده کالبد سه بعدی شهر است که عناصر آن را حجم ، سطح ، خط و نقطه و نحوه چیدمان این عناصر در فضا (بستر طبیعی) تشکیل می دهند .لازم به ذکر است که اگر چه منظر شهری واقعیتی سه بعدی است ، اما در موقعیت های خاص منظر شهری ویژگی دو بعدی پیدا می کند (مانند خط آسمان) که در این حالت عوامل سازنده منظر ، سطح و صفحه ، خط و نقطه خواهد بود(محمودی ، 1385، 58).

اهم مسائل مطروحه در باب منظر شهری به شرح زیر است :

۱- منظر یعنی محل نظر، هر چیزی که آنرا می نگرند.

۲- جنبه های بصری و کالبدی شهر، منظر شهری را شکل می دهد.

۳- در بوجود آمدن مناظر مختلف شهری ویژگی‌های مختلف اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی تاثیر گذار هستند.

۴- ابعاد بررسی منظر شهری از وسعت یک باغچه شروع شده و به منظر کلی شهر ختم می گردد.



منظره هوائی بندر عباس از ماهواره لندست در سال ۲۰۰۱

shahrsazi novin

NovinShahrsaz



ابیانه و چشم انداز پیرامون آن – پاییز ۱۳۸۶ – عکس از ایرج تیموری

موثرترین و نخستین عاملی که بر ناظر و بیننده شهر تاثیر می گذارد ، چهره و منظر شهر است. همین که فرد در شهر قدم بگذارد با چهره شهر روبرو خواهد شد .سه عامل کالبدی زیر را می توان به عنوان عوامل اصلی پدید آورنده و سازنده منظر شهر نامید که عبارتند از :

الف (نما

ب (فضا

ج (مبلمان شهر

تشریح این مبحث می پردازیم :

الف. نما

عوامل انسان ساخت و طبیعی مانند ساختمان‌ها ، ردیف درختان ، یا گیاهان تزئینی (مانند ردیف شمشادها) نما را پدید می آورند ، اصلی ترین عامل شکل دهنده نما همان ساختمان ها می باشد .هدف ما از نما ، همان نیست که در ترسیم های معماری به اصطلاح فاساد[۲] خوانده می شود(مزینی ، 77، 45).

فاساد ، به زبان هندسه ، تصویر ساختمان بر صفحه ای عمودی است و فقط سطح یا سطوح قد بر افراشته ساختمان و فرافکنده (Projected)بر صفحه ای قائم را نشان میدهد. نمایی که از آن

[2]Facade

shahrsazi novin

صحبت می‌کنیم نیز همین فاساد معمول در ترسیم های معماری را شامل می شود. این موارد دیگر ، شامل حجم های پر و حجم های خالی می باشد. البته تاثیر سایه روشن یا در واقع بازتاب نور ، هم چنین جنس ، نسج ، رنگ ، مصالح و عواملی د یگر نیز بر این حجم ها و در نما تاثیر دارند (همان).



عواملی انسان ساخت و طبیعی مانند ردیف درختان و شمشاد ها یا گیاهان تزئینی نما را شکل می دهند. در شکل ردیف درختان چنار این نما را در روستای ابیانه بوجود آورده اند.

عدم ترکیب و رابطه و بازی حجم ها در نما از مهم ترین عواملی است که به دیده ناظر می آید . در رسم فاساد به خاطر یکسری از دلائل این رابطه و بازی حجم ها نشان داده نمی‌شود . البته نشان دادن سایه‌ها در بعضی از انواع ترسیم های معماری که اصطلاحا نمای **راندو** شده نامیده می شود تا اندازه ای نقص کار را جبران می کند و فاساد **راندو** شده نیز همه واقعیات را نشان نمی دهد .علت آن است که در چنین ترسیم هایی نگاه ناظر کاملا عمود بر قائم فرض می شود و حال آنکه در واقعیت نگاه ناظر به ندرت درست عمود بر ساختمان است ، هم به علت حرکت دیدگان وی و هم به علت آن که ناظر معمولا و عموما مگر به قصدی خاص و معین ، در حالت حرکت ساختمان ها یا نمایی از شهر را می بیند .پس در مقابل دیدگان وی مدام تصویرهایی چند از ساختمان خود را می گشایند که هر تصویر با تصویرهای ماقبل و ما بعد خود اندکی متفاوت است .ناظر از طریق این تصویرها به تعبیری از ساختمان یا نما ، دیدن می کند و در این دید که بی شباهت به فیلم های سینمائی نیست ، ناظر بیشتر متوجه حجم های ساختمان می شود . این حجم ها در نما ، البته به اندازه حجم ها در فضای آزاد آشکار نیستند ، زیرا در نما احساس حجم ممکن است به علت پس

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

رفتگی ها و پیش آمدگی های برخی از بخش ها یا عوامل ساختمان پدید آید . در هر حال هنگامی که حجم های ساختمان یکی پس از دیگری در تسلسلی از تصویرها به دیده ناظر آیند، عامل زمان نیز وارد تجربه بصری ناظر از نما می شود ، زیرا تجلی پشت سر هم تصویرها (عکس‌هایی که به دیده ناظر یکی پس از دیگری می آید) ، در طی زمان – گاه حتی بسیار کوتاه یک یا دو ثانیه – صورت می گیرد .

اما نکته مهم اینجاست که اگر تاثیر زمان را در تاثیر بصری ناظر از نما در نظر نگیریم و حجم ها و رابطه آنها را نبینیم ، نما را به صورت مقوایی در نظر گرفته ایم که نه تنها دور از واقعیت است ، بلکه آن را مصنوعی و سبک می سازد (مزینی ، 77، 45) .

غیر از حجم ها و رابطه آنها در نما ، می توان شش عامل دیگر در نما یا تاثیر آن بر ناظر که نقش اساسی دارند، بر شمرد .این موارد عبارتند از :

۱. طرح نما

طرح نما در ایجاد تاثیر بصری در منظر شهر نقش موثری دارد .بهترین مثال برای مورد اخیر ، طرح‌های مختلف نما در سبک‌های مختلف معماری مانند ، کلاسیک ، گوتیک ، باروک و مدرن می باشد.



نما در سبک گوتیک

shahrsazi novin

NovinShahrsaz



معماری به سبک گوتیک



کاخ ورسای ، نمونه ای از معماری در سبک باروک



معماری خانه بروجردی‌ها – نمونه ای از یک معماری اسلامی

معمولا طرح خوب با سایر عواملی که تاثیر بصری نما را بر ناظر پدید می آورند، همراه است، اما در موارد بسیار تاثیر طرح چندان است که ممکن است ساختمانی را زیبا یا زشت گرداند .

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

دو نکته در ایجاد تاثیر بصری نما در منظر شهری نقش بسزائی دارند که این موارد عبارت از مقیاس و تناسب است.

منظور از مقیاس نسبت ابعاد مختلف معماری مانند در ، پنجره و نیز فضای معماری به اندازه های بدن آدمی است. از همین رو ، هر گاه سخن دقیق تر باشد هم در معماری و هم در شهرسازی اصطلاح مقیاس انسانی به کار گرفته می شود .

همچنین منظور از تناسبات، رابطه ابعاد اجزای مختلف معماری نسبت به یکدیگر است. مثلا ابعاد پنجره نسبت به ابعاد در ، یا نسبت به بلندی ساختمان و جز آنها (مزینی ، 1377، 47).

۲. شیوه ساخت و ساز

منظور از شیوه ساخت و ساز، طرز احداث و ساخت یک ساختمان ، یا آن چیزی است که از طرز ساخت بنا در نما به چشم می آید .نحوه ساخت بنا، چگونگی پیوند اجزای ساختمان را به یکدیگر مشخص می کند. برای مثال طرز اتصال در و پنجره به دیوار ، شیوه به کارگیری آجر یا بتن یا هر ماده دیگری است که نمای اصلی ساختمانی را به وجود می آورد . روشن است ساختمانی که با نمای دیوار پرده ای باشد یا ساختمان هایی که با نمایی از سیمان ، آجر و گچ و یا آهن و یا بتن باشند، با هم متفاوتند. در واقع این تفاوت در طرز ساخت نما ، تاثیر بصری متفاوتی را بر بینندگان خواهد گذاشت (همان ، 48) .



معماری ساختمان به سبک پست مدرن

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

۳. سازه ساختمان

اساس ایستایی ساختمان را سازه آن تامین می کند . به تعبیری ساختمان و معماری با سازه آغاز می شود . از دوره های گذشته ، سازه نقش معمارانه و هنرمندانه نیز داشته است . در گذشته در ساختمان های کلاسیک یونان تیر و ستون(که آشکارا درمعرض دید قرار می گرفت) و در معماری گوتیک پا پیل های عریان در ایجاد زیبائی این دو سبک معماری خیلی موثر بوده اند .

در معماری ایرانی گنبد و تاق و جزئیات آنها نه تنها نقش سازه ای دارند ، بلکه بخشی از زیبایی این معماری مدیون این عوامل است .



گنبد در معماری اسلامی نه تنها نقش سازه ای دارند؛ بلکه بخشی از زیبائی این معماری را هم شکل می دهند.

در حال حاضر نیز که سازه های پیشرفته مانند خرپاهای فضایی ، سازه های کششی ، سازه های پوسته ای و صفحات تا خورده و جز آنها معمول شده است. این انواع سازه نه تنها وظایف عملکردی خود را حفظ کرده اند بلکه بخش عمده ای از زیبایی معمارانه ساختمان را به وجود می آوردند و از این رو بازتاب آنها در نما در ایجاد تاثیر بصری آن به دیده ناظر بسیار اهمیت دارد (همان ، 49).

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

۴. مصالح ساختمان

مصالحی مانند شیشه ، آجر ، سنگ ، سیمان ، گچ ، بتن و یا آهن ممکن است در نمای ساختمان بکار رود. هر یک از این مصالح ساختمانی به حکم ماهیت خود ، به نما کیفیتی مشخص و ویژه‌ای می‌دهد و تاثیر بصری مخصوص به خود را در ناظر پدید می آورد .ماهیت مصالح ساختمان از نظر احساسی که در ناظر بر می انگیزاند متفاوت است . می‌توان گفت آجر به حکم ماهیت خود گرم است و به علاوه کیفیت ساختمانی بنا را می رساند و احتمالا به همین دلیل است که از دیر باز در ساختمان ها به کار رفته است. بر عکس ، برخی از انواع موزاییک که در نما به کار گرفته می شود، ممکن است سرد و حتی لیز به نظر رسد و یاد آور مکان های نامناسب باشد. همچنین ممکن است کیفیتی پارچه ای و مقوایی(به جای ساختمانی) به نما دهد. چوب نیز ، به ویژه برخی از انواع آن هنگامی که به صورت طبیعی (بدون رنگ) در نما به کار گرفته شود، احساسی گرم پدید می آورد. بر عکس ، بتن به حکم ماهیت خود سرد و بی تحرک به نظر می رسد. بی جهت نیست که در برخی از ساختمان ها با نمای بتنی ، نقش الیاف ، قالب های چوبی در بتن باقی نگاه داشته می شود تا از سردی بتن کاسته و بدان تحرک بخشد . در مورد نماهای سنگی نیز کیفیت سردی و عدم تحرک صادق است . البته سنگ انواع مختلف دارد. تراش های خشن که به برخی از انواع سنگ مانند سنگ مرمر و یا نوعی از آن ،آنکیس خوب صیقل می‌پذیرد و احساسی از شیکی و گران قیمتی به دیده ناظر می آورد. همچنین به علاوه فضای درون و برون ساختمان را به یکدیگر پیوند می دهد(مزینی ، 77، 50).

نماهای مختلف با مصالح گوناگون ، تاثیر بصری مختلفی را ایجاد می کنند.



shahrsazi novin







NovinShahrsaz



نماهای مختلف از مصالح متفاوت تاثیر بصری گوناگونی را ایجاد می نمایند.

۵. رنگ و نسج

پاره ای از کیفیاتی که به مصالح ساختمانی استناد می شود، به سبب رنگ و نسج آنها پدید می آید .

گرمی آجر ، مثلا به سبب زبری نسج آن و در برخی از انواع آن آجر به سبب رنگ آن پدیدار می‌شود و به احساس می‌آید. طبیعی است ، هر چه رنگ آجر تندتر و بیشتر متمایل به قرمز باشد، گرمی آن بیشتر است. سردی موزاییک به سبب صافی و نرمی یا فقدان نسج در آن پدید می آید. به علاوه رنگ آن که معمولا سبز ، آبی ، سفید و یا تن هایی از این رنگ ها هستند در پدید آوردن کیفیت سرد آن موثر است. البته موزاییک به رنگ های گرم مانند بنفش ، ارغوانی و حتی قرمز موجود است، ولی به کار گرفتن موزاییکی بدین رنگ ها در نما نادر است و در هر حال برق موزاییک احساس اطلسی بودن نما را ممکن است به ذهن القاء کند .

به علاوه نمای ساختمان را می توان رنگ کرد ، یعنی می‌توان بر مصالح ساختمانی بنا انواع رنگ های طبیعی و شیمیایی را به کار گرفت .اگر چه این کار چندان معمول نیست ولی در عصر مدرن ، برخی از معماران طراز اول از جمله لوکوربوزیه در نمای ساختمان های خود رنگ به کار گرفته اند. **میس وندۀر** معمار طراز اول دیگر معماری مدرن نیز جز رنگ سیاه و یا سپید برای ساختمان های خود انتخاب نمی کرد، ظاهرا برای این که این دو رنگ در انطباق با وقار و متانت ساختمان های وی باشند . می‌توان پاره ای از مصالح ساختمانی را در نمای ساختمان(البته در بخش های دیگر ساختمان) به صورت طبیعی به کار برد تا طبیعت ماده ساختمانی خود را بنمایاند و بر اصالت ساختمان بیفزاید. به کاربردن چوب به صورت طبیعی در نمای ساختمان ها معمول است؛ ولی

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

میس وندۀر در برخی از ساختمان های آخر خود، پولاد را به صورت طبیعی در نما باقی گذاشت تا گذشت زمان و ورقه ای نازک که از زنگ زدن پولاد بر سطح آن پدید می آید، بدان کیفیتی خاص دهد .

بهر حال هر یک از رنگ های مختلف و البته نسج مصالح ساختمانی برای نما کیفیتی خاص پدید می آورند که بر تاثیر نما بر ناظر موثرند . هر چه رنگ نما با رنگ طبیعت پیرامون در تطابق باشد به همان نسبت تاثیر بصری زیادی را بر روی ناظر خواهد داشت.



اثر رنگ در نما – همخوانی رنگ نما با طبیعت پیرامون – ابیانه ، عکاس ؛ ایرج تیموری

۶. تبحر ساخت

از دیگر عواملی که در ایجاد تاثیری بصری نما نقش مهمی دارد، مهارت و استادی است که نما را ساخته است.

تفاوت یک بنای استاد کار و بنای تازه کار در این است که اولی تبحر و مهارت در ساختن دارد و دیگری هنوز باید راه درازی را بپیماید . تبحر ساخت، خود را در ساختمان نشان می دهد . برای مثال ، در آجر کاری ، هر گاه درز آجرها کاملا مساوی و یکنواخت باشند، ملات در آنها تمیز و به دقت فاصله ها را پر کرده باشد ، دیوار از یک سو به سوی دیگر کاملا تراز باشد ، آجرها خوب و منظم به یکدیگر قفل و بست شده باشند و نکاتی از این قبیل ، تبحر ساخت خود را نشان می دهد.

نظیر همین کیفیات را می‌توان به انواع نماهای دیگر تعمیم داد . در دیوارهای برخی ساختمان های بتنی ، پس از بر داشتن قالب ها ، دیوار زخمی است ، گوشه ها زده دارند و سطح دیوار ، چنان

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

که باید هموار نمی باشد . هم چنین در ساختمان های آهنی جوشکاری دقیق نیست ، بلکه از نظر بصری نیز زشت و زننده است . در نمایی که با تبحر ساخته شده باشد، اغلب می‌توان اساس ساختمان و سازه را عریان و آشکار باقی گذاشت ، زیرا ظرافت و دقت کار می‌تواند عاملی در پدید آوردن زیبایی ساختمان باشد یا بر غنای آن بیفزاید (مزینی ، 77، 53) .

مهارت و استادی که معماران ایرانی در ساخت بناها بکار می‌گرفتند، هر بیننده‌ای را به خود جلب می کرد. عکس صفحه بعد موید این مطلب می باشد.



تبحر در ساخت ، شیراز ؛ باغ ارم

دومین عامل کالبدی که به عنوان عامل اصلی پدید آورنده و سازنده منظر شهری محسوب می شود ، فضا است . اینک به تشریح این مبحث می پردازیم :

ب. فضا

بحث از فضا در بخش های آتی بصورت مفصل آمده است، به همین دلیل در این بخش به تقسیم فضای شهر به فضای عمومی و نیمه عمومی اکتفا می کنیم.

فضای شهری را می توان به گونه های مختلف دسته بندی کرد . به عنوان مثال فضای عمومی و فضای نیمه عمومی .فضای خصوصی و نیمه خصوصی نیز در عرصه ساختمان و معماری کاربرد دارد .

فضای عمومی آن است که مورد استفاده عامه مردم قرار می گیرد یا معمولا مقاصد عمومی بر آن مترتب است .انواع عملکردها چون اجتماع مردم ، خرید و فروش ، نواختن موسیقی و حتی شعبده

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

بازی ها در آن صورت می گیرد و ممکن است در آن کافه یا رستوران نیز دایر باشد .فضای عمومی از سایر فضاهای شهری ، وسیع‌تر می باشد، به همین دلیل در چهره شهر به سبب ویژگی‌های بصری و کالبدی و در روحیه شهر به سبب عملکردهایش و فعالیت‌هایی که در آن صورت می گیرد، اهمیت دارد .میدان‌های شهر معمولا در این شمارند . میدان های شهر تهران به خاطر حجم زیاد ترافیک ، آلودگی و سایر عوامل واجد خصوصیات و کیفیانی که میدان باید داشته باشد ، نیستند و صرفا نقش جعبه تقسیم ترافیک به جهات مختلف را دارا می باشند (مزینی ، ۷۷، ۵۶) . البته اصطلاح میدان با فلکه به جای همدیگر بکار گرفته می شود . فلکه نقش تعدیل ترافیک و روان سازی آن را به عهده دارد و به اشتباه در اکثر موارد فلکه های شهری را میدان می نامند.

فضای نیمه عمومی

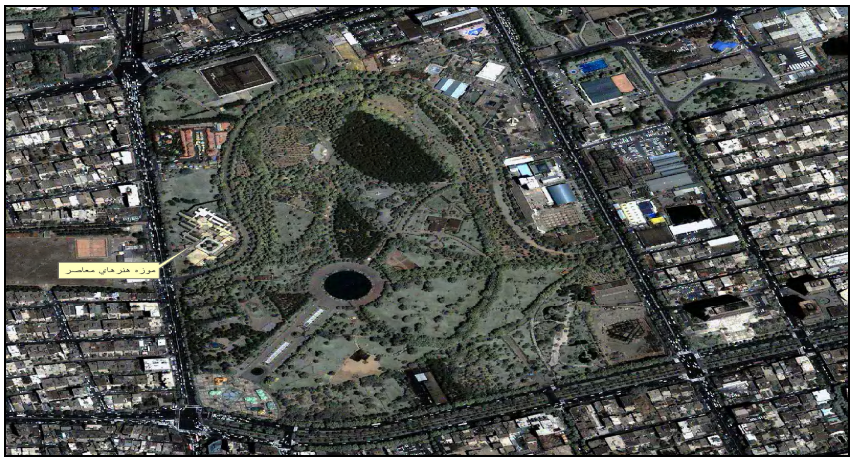
فضاهای نیمه عمومی ، فضاهائی هستند که مورد استفاده جمع محدودتری از شهروندان قرار می گیرد(مزینی ، 77، 56) . علت اینکه این فضاها جزو فضاهای نیمه عمومی طبقه بندی می‌شوند، بخاطر محدویت در هدف استفاده و کاربری مورد استفاده می باشد. فضاهایی مانند مجتمع‌های مسکونی ، محوطه‌های آنان ورزشگاه‌ها و نمایشگاه‌ها جزو فضاهای نیمه عمومی محسوب می‌شوند (پاکزاد ، 1386، 77).

درگذشته و حال در شهرهای ایران از این فضاهای نیمه عمومی برای گردهم آیی محله‌ای ، مراسم عزاداری ، تفریح و ورزش استفاده می شود. فضای سبز و پارک‌های شهری جزو فضاهای عمومی بحساب می آیند .

همانطور که ذکر آن رفت، دومین عامل کالبدی پدید آورنده و سازنده منظر شهری، فضا می باشد. فضا به دو دسته فضای عمومی و فضای نیمه عمومی تقسیم می شود. فضای عمومی به آندسته از فضاها گفته می‌شود که مورد استفاده عموم شهروندان قرار می‌گیرد. در این مورد می توان از پارک‌ها مثال زد. فضای نیمه عمومی به آندسته از فضاهای شهری گفته می‌شود که مورد استفاده قشر خاصی از افراد جامعه قرار می‌گیرد و استفاده از این فضاها تابع شرایط و ضوابط خاصی می باشد. این قبیل فضاهای نیمه عمومی را می‌توان در مجتمع های مسکونی یافت.

shahrsazi novin

NovinShahrsaz



پارک لاله بعنوان یک فضای عمومی از ماهواره آیکونوس

سومین عامل کالبدی که به عنوان عامل اصلی پدید آورنده و سازنده منظر شهر نامیده می شود، اثاثیه و مبلمان شهری می باشد . در ادامه به شرح این مبحث می پردازیم :

اثاثیه و مبلمان شهری

مبلمان شهری در آرایش شهر و ایجاد تاثیر بصری شهر دارای اهمیت بسزائی می باشد .به همین جهت جزو عوامل سازنده چهره و منظر شهر به حساب می آید(مزینی ، 77، ۵۹) . در واقع مبلمان شهری اعم از اینکه در مفهوم گسترده یا محدود آن به کار گرفته شود، نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری منظرشهری دارد. مراد از مفهوم آن در مقیاس محدود عبارت است از:

- جانمایی و محل قرارگیری کیوسک های تلفن،
- سطل های زباله،
- صندوق های پست،
- علائم راهنمایی و رانندگی،
- نصب نیمکت ها در کنار پیاده روها،
- درخت‌کاری و فضاسازی برای کاشت گیاهان گلدانی منفرد،
- تعیین حریم ایستگاه های اتوبوس،
- ورودی های مترو،
- علائم هشداردهنده تقاطع‌های راه‌آهن شهری با گذرگاه‌های پیاده

و سواره

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

- محل نصب شیرهای آتش نشانی و بسیاری از اجزای دیگر که در سطح خیابان‌ها و پیاده‌روهای شهری نصب می‌شوند (رهنمایی ،1382 ، 182) همچون آب نماها و تندیس‌ها ،کیوسک های روزنامه فروشی، نرده کشی ها،تیرهای برق و...



نمونه ای از مبلمان بکار گرفته شده در ماسوله ، زمستان ۱۳۸۶ ، عکاس ؛ ایرج تیموری



طرحی از یک نیمکت

مبلمان شهری باید دارای یکسری ویژگی‌های عمومی بشرح زیر باشند تا تاثیر بصری در شهروندان ایجاد نمایند ، این ویژگی‌ها عبارتند از :

۱ جانمایی مناسب

اولین و مهم‌ترین ویژگی برای مبلمان شهری ، قرار گیری آن در مکان مناسب در شهر است . در صورتی که اثاثیه شهر در مکان مناسب به لحاظ دید و منظر قرار نگرفته باشد ، تاثیر بصری چندان زیادی نخواهد داشت، هر چند که این اثاثیه بعنوان مثال یک تندیس کاملا هنرمندانه

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

باشد .

در جانمائی برخی از اثاثیه های شهری ، کاربرد و عملکرد آنها نیز مطرح می باشد. به عنوان مثال ،نیمکت را نمی‌توان در جایی قرار داد که نیاز و یا امکان و یا فرصتی برای نشستن نباشد. همینطور می توان گفت درختکاری در پیاده روها و بلوارها زمانی مطلوب و پسندیده خواهد بود که مزاحمتی برای رفت و آمد شهروندان ایجاد نکند . جانمائی نیمکت در برخی از فلکه های شلوغ شهر تهران نمونه بارزی از مکان گزینی نامناسب مبلمان شهری می باشد . در فلکه های شلوغ و پر ترافیک نشستن در نیمکت نه تنها آرامش خاطر ایجاد نمی کند؛ بلکه باعث رسیدن آسیب های روانی مانند استرس و آسیب فیزیکی مانند بیماری منتج از آلودگی هوا ، به ناظر و شهروندان خواهد شد.

در جانمائی اثاث‌هائی مانند کیوسک تلفن باید دقت شود تا منتظران تلفن ایجاد سد معبر در پیاده رو ننمایند . عکس صفحه بعد نمونه ای از جانمائی نیمکت ها را در یک محله مسکونی نشان می دهد.



جانمائی نیمکت و گلدان در یک محله مسکونی



shahrsazi novin

NovinShahrsaz

ایستگاه اتوبوس

از دیگر ویژگی‌های که در بکارگیری اثاثیه و مبلمان شهری باید مد نظر داشت ، جنبه عملکردی و بصری اثاثیه های شهری می باشد . بنابراین در جانمائی آنها علاوه بر جنبه بصری باید به جنبه عملکردی آنها نیز تاکید شود. لازم است که دو ویژگی مکمل هم باشند.



جانمائی مبلمان شهری

بدیهی است اگر مبلمان شهری در جای مناسب قرار نگیرد احساس آشفتگی را به ناظر منتقل خواهد نمود(مزینی ، 77، 60).

نمونه بارز این آشفتگی را در پخش شدن زباله‌ها در سطح پیاده روها و جوی‌های شهر تهران به خاطر عدم استفاده از سطل های زباله در محل های مناسب مشاهده نمود.



یک نمونه از آشفتگی در اثر ریختن زباله

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

۲. طرح و شکل مبلمان شهری

نوع طرحی که در مبلمان شهری بکار می رود علاوه بر تاثیر بصری که دارد، می تواند شهروندان را به استفاده از آن مبلمان و اثاثیه ترغیب نماید. یعنی طرح مبلمان شهری در اکثر اوقات سبب رعایت برخی رفتارهای شهروند پسند می باشد . ای بسا که طرح یک سطل زباله سبب جذب یا دفع شهروندان برای ریختن زباله های خود می باشد.

بدیهی است در طرح مبلمان شهری ، معیارهای هنری از اهمیت بسزائی برخوردار هستند . هر چه مبلمان شهری هنرمندانه باشد ، به همان اندازه بر غنای شهر و منظر شهر تاثیر گذار خواهد بود .

این نکات در مورد همه اثاثیه شهری مصداق دارد. به عنوان مثال می‌توان آب نما را در نظر گرفت. با آب نماها و فرمهایی که از حرکت آب ایجاد می‌شود می‌توان مناظر بدیع و زیبا خلق کرد . همین مساله برای بازی با نور نیز صادق است .

در طرح اثاثیه و مبلمان شهری باید مقیاس و تناسبات نیز مد نظر قرار گرفته شود ، به عنوان مثال آب نمائی که تمام و قسمت‌های بیشتری از یک میدان را اشغال کرده باشد ، بی تناسب و بی قواره می باشد .عکس این نکته نیز صادق است(مزینی ، 77، 61).

استفاده از مصالح بومی (نی) در ساخت این سطل زباله هر ناظری را برای استفاده و تجربه آن ترغیب می نماید.



نمونه سطل زباله که با استفاده از مصالح بومی و به شکل سنتی ساخته شده است .

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

نمونه ای از طراحی یک تندیس - سنندج





طرحی دیگر از اثاثیه شهری ، نمونه نقشه راهنمای اقامتگاه

۳. مصالح ، رنگ ، نسج ، تبحر ساخت

همان طور که در نما ذکر شد ،نوع مصالح و رنگی که در ساخت یک اثاثیه شهر بکار گرفته می شود، تاثیرات بصری متفاوتی را بر جای خواهد گذاشت. به عنوان مثال یک گلدانی که از سیمان ریخته شده باشد، احساس گرمی گلدان سفال را به ناظر نخواهد بخشید (همان).

در اکثر اوقات تبحری که در ساخت یک اثاثیه بکار گرفته می شود، به عنوان یک منظره خوب در ذهن شهروندان باقی می‌مانند. بخاطر صرفه جوئی در هزینه شهرداری‌ها در برخی موارد، بهتر است در طراحی تندیس ها و مجسمه ها در سطح شهر و پارک‌ها از طرح‌های ابتدایی استفاده شود.

shahrsazi novin

NovinShahrsaz









shahrsazi novin

NovinShahrsaz

به نظر مولفان آنچه که از آن به عنوان منظر شهری یاد می شود، پدیده ها و عناصر کالبدی شهر است که جنبه بصری دارند. شکل‌گیری این عناصر بصری شهر در طی دوره های مختلف تاریخی بر اساس باورها و ویژگی‌های فرهنگی و اقتصادی شهروندان آن شهر می باشد. مهم‌ترین عواملی که در ایجاد تاثیر بصری در منظر شهر نقش دارند عبارتند از: نمای ساختمان ها و عناصر کالبدی و انسان ساخت ، فضای شهری و مبلمان شهری .

اینکه هر کدام از عوامل مذکور چگونه بر جنبه بصری و منظر تاثیر می گذارند ،به پاره‌ای از خصوصیات و ویژگی‌هائی بر می‌گردد که هر کدام باید داشته باشند.به عنوان مثال می‌توان به پر یا خالی بودن عناصر کالبدی ، رنگ بکار رفته در آنها ، شکل و طرح آنها ، مصالح بکار گرفته شده در ایجاد فرم ها و ...اشاره نمود. با توجه به تک تک این خصوصیات ، تاثیرات مختلفی را از مناظر مختلف خواهیم داشت .البته تاثیر بصری نمی تواند در تک تک افراد جامعه به شکل مشابهی نمود پیدا کند، ولی بر اساس ویژگی‌های مشترک فرهنگی و اجتماعی ، افراد جامعه ، در مورد یک کلیت مشترک به توافق رسیده اند که هدف ما هم همین کلیت مورد توافق در بین افراد جامعه می باشد .

بنابراین منظور از منظر همان ابعاد کالبدی و بصری شهر است ، یعنی آنچه که به چشم ناظر دیده می‌شود و در واقعیت موجود می باشد . این منظر می تواند تاثیر بصری خوشایند و یا ناخوشایندی بر بیننده خود داشته باشد .



منظر شهری

shahrsazi novin

NovinShahrsaz



منظره ای آشفته از بام ساختمان های شهری

آنچه را که شهرداران و مدیران شهری محترم در مدیریت و ساماندهی منظر شهری باید مد نظر قرار دهند، شامل عوامل کالبدی و اصلی پدید آورنده و سازنده منظر شهری می باشد . این عوامل شامل نما ، فضا و مبلمان شهری است .

همانطور که در متن نیز آمد، منظور از نما صرفا نمای بیرونی ساختمان ها نیست ؛ بلکه جنبه های دیگری مانند ردیف درختان ، نرده ها و فضاهای پر و خالی بین ساختمان ها و حجم ها را در بر می گیرد. لازم به ذکر است که برای بهبود نمای شهر به موارد زیر توجه شود :

حجم و رابطه آن در نما : احساس حجم ممکن است به علت پس زفتگی و پیش آمدگی برخی از بخش ها یا عوامل ساختمان پدید می آید.

طرح نما : طرح‌های مختلف نما در سبک‌های مختلف معماری مانند گوتیک ، باروک ، کلاسیک و مدرن تاثیر متفاوتی را خواهند داشت. همچنین در طرح نما باید به مقیاس و تناسب نیز توجه گردد. مقیاس ابعاد مختلف معماری مانند در و پنجره را بیان می دارد. تناسبات رابطه اجزای معماری نسبت به هم می باشد.

شیوه ساخت و ساز : طرز احداث و ساخت یک ساختمان و بنا

سازه ساختمان : اساس ایستائی ساختمان را سازه می نامند . گنبد و تاق علاوه بر نقش سازه ای در معماری سنتی ، جنبه های زیبائی و بصری نیز داشتند.

مصالح ساختمان : مصالحی مانند شیشه ، آجر ، سنگ ، سیمان ، گچ ، بتن و یا آهن هر یک به حکم ماهیت خود به نما کیفیتی مشخص و ویژه ای می دهد.

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

رنگ و نسج : هر رنگ تاثیر بصری خاصی را به لحاظ ماهیت خود ایجاد می کند. مانند گرمی آجر ، سردی بتون و...

تبحر ساخت : مهارت و استادی در ساخت بنا را بیان می دارد.

فضا، دومین عامل کالبدی پدیدآورنده منظر شهری است . فضا به دو دسته فضای عمومی و فضای نیمه عمومی تقسیم می شود .

فضای عمومی : فضائی که مورد استفاده عموم شهروندان قرار می گیرد، مانند پارک‌ها و میادین .

فضای نیمه عمومی : فضائی است که مورد استفاده گروه خاصی از افراد جامعه قرار می گیرد. مانند فضای داخل محوطه مجتمع های مسکونی .

مبلمان و اثاثیه شهری سومین عامل کالبدی پدید آورنده منظر شهری است. مبلمان شهری باید دارای یکسری ویژگی‌های عمومی بشرح زیر باشند، تا تاثیر بصری در شهروندان ایجاد نماید . این ویژگی‌ها بدین شرح می باشد :

جانمائی مناسب : قرارگیری مناسب اثاثیه های شهری بطوری‌که به سهولت در دسترس همگان قرار گرفته و موجب مزاحمت و ایجاد سد معبر نشود .

طرح و شکل مبلمان : استفاده از معیارهای هنری در مبلمان شهری اهمیت بسزائی دارد . هرچه مبلمان شهری هنرمندانه باشد به همان اندازه بر غنای شهر و منظر شهر تاثیر گذار خواهد بود . مصالح ، رنگ ، نسج ، تبحر ساخت : استفاده از مصالح مختلف تاثیر های بصری متفاوتی را بر جای خواهد گذاشت . تفاوت تاثیر بصری گلدان سفالی و گلدان بتنی نمونه بارز این مساله می باشد.

جدول شماره۱، عوامل کالبدی پدید آورنده منظر شهری

منظر شهری	نما	حجم و رابطه آن در نما	پس رفتگی و پیش آمدگی برخی از بخش ها یا عوامل ساختمان	توجه به حجم ها مانند پس رفتگی و پیش آمدگی ، معماری مناسب منظر و فضای سبز حاشیه خیابان‌ها ، استفاده از سبک‌های مناسب معماری ، بکارگیری مصالح مناسب و منطبق با محیط پیرامون ، استفاده از رنگ‌های همخوان با محیط و
		طرح نما	طرح‌های مختلف نما در سبک‌های مانند مدرن ، پست مدرن ، گوتیک	
		شیوه ساخت و ساز	طرز احداث و ساخت یک ساختمان	
		سازه ساختمان	اساس ایستائی ساختمان ، گنبد و طاق سازه در معماری سنتی	

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

		مصالح ساختمان	تاثیر بصری متفاوت مصالحی مانند سنگ ، شیشه ، آجر ، سیمان در نما	چشم انداز پیرامون شهر و دقت و مهارت و هنرمندی در ساخت و طراحی بنا ها و مناظر می تواند کمک به بهتر شدن نما به عنوان یکی از عوامل پدید آورنده منظر شهری نماید.
		رنگ و نسج	تاثیر متفاوت رنگها در نما – همخوانی با طبیعت پیرامون	
		تبحر ساخت	مهارت و هنرمندی که در نما بکار می رود.	
	فضا	فضای عمومی	پارک ها و فضای سبز	طراحی مناسب و منطبق با معیارهای بومی و استفاده از مشارکت مردمی در ایجاد این فضاها.
		فضای‌نیمه عمومی	محوطه شهرکها و مجتمع های مسکونی	
	مبلمان و اثاثیه شهری	جانمائی مناسب	دسترسی آسان برای همگان بدون ایجاد مزاحمت و سد معبر	استقرار اثاثیه‌های شهری در جای مناسب و بکارگیری طرح‌ها و شکل‌های هنرمدانه در طراحی اثاثیه‌ها به همراه مصالح مناسب و بومی با رنگ متناسب.
		طرح‌وشکل مبلمان	استفاده از معیارهای هنری در طراحی مبلمان	
		مصالح،رنگ ، نسج و تبحر ساخت	استفاده از مصالح مناسب و بومی	

شکل شهر[۳]

فولی (1971,p.24) شکل شهر را همان جنبه‌های کالبدی محیط می‌داند که خود ممکن است فضائی و یا غیر فضائی باشد. منظور فولی از عوامل غیر فضائی اموری هستند، مثل کیفیت محیط جغرافیائی و هر آنچه بوسیله بشر ساخته و پرداخته شده است. توزیع فضائی این عناصر و الگوهائی که در اثر چنین توزیعی پدید می آید و همچنین توزیع شکل اراضی ، ساختمان ها ، جاده ها ، مردم و غیره و توزیع فضائی این عناصر از نظر کیفیت متفاوت آنها همه جنبه های کالبدی محیط را تشکیل می دهند (بحرینی ، 1382، 57).

به نظر مولفان شهرها در دید کلی بیانگر شکل های خاصی هستند.در واقع شکل شهرها بیانگر تاثیر عوامل مختلف فرهنگی ، اقتصادی ، اجتماعی وسیاسی است که این عوامل در نحوه استفاده از اراضی در پیرامون شهرها اثر گذار بوده اند .

[3]The Form of City

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

در گذشته در برخی موارد به دلیل اعتقادات مذهبی و یا به دلیل عامل دفاع، شهر را به شکل دایره‌ای می ساخته‌اند. اما امروزه بر اثر دخالت عوامل متعددی شکل کلی شهر دستخوش تغییرات فراوانی می شود و شهرها به شکل‌های مختلفی ساخته می‌شوند .گاهی بر اثر اهمیت شبکه ارتباطی،شهرها در امتداد جاده های اصلی ارتباطی پیشروی کرده و شکل ستاره ای و یا خطی را به خود می گیرند .

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

فضای شهر و عوامل تاثیر گذار بر آن

فضای شهری ، مکان اصلی وقایع و حوادثی است که نقشی خلاق در پیوند امروز با دیروز دارند و گفت و گویی خلاق با فردا را سامان می دهند. فضای شهری، مکان آمد و شد میان گذشته ، حال و آینده است. این فضا در بر گیرندۀ چهار عنصر اساسی است که شامل موارد زیر می باشد :

۱. ساکنان یا عابران (موقعیت شهروندان در شهر که به صور ثابت و یا در حال حرکت می باشد ، این حضور به فضای شهر روح و زندگی می بخشد)
۲. عناصر انسان ساخت (جسم و کالبد شکل دهنده فضای شهر)
۳. روابط (ارتباطاتی که میان عناصر بایکدیگر ، افراد با یکدیگر و افراد و عناصر با یکدیگر در مکانی ثابت یا متحرک و در زمانی مشخص برقرار گردد).
۴. زمان (از آنجایی‌که زمان مدام در حال تغییر می باشد ، یک فضا ممکن است در زمان‌های متفاوت ، فعالیت‌های متفاوتی را درخود جای دهد و به طور متفاوتی نیز تعریف گردد)(حبیبی ، 1381، 11).

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در شهرها فقط کالبد شهر نیست که مورد توجه مدیران شهری قرار گیرد؛ بلکه سازنده فضای شهری مجموعه عوامل انسانی ، کالبدی ، اجتماعی ، تاریخی و... نیز چنین سرنوشتی دارند .

ویژگی‌های اصلی فضای شهری

فضاهای شهری از چند ویژگی اصلی برخوردارند که در کلیه فضاها می‌توان این ویژگی‌ها را مشاهده کرد. مهم‌ترین ویژگی‌های فضای شهری شامل شالوده ، مرکزیت و نماد است که به اختصار به شرح آنها می پردازیم .

شالوده شهر: شالوده شهر استخوان‌بندی اصلی شهر را می‌سازد و از آن طریق است که پیکرۀ شهر ، سیمای شهر ، چهره و نیمرخ شهر تعریف می شوند. شالوده شهر ، هر گاه در مقیاس پیکره مطرح شود شالوده اصلی را می سازد و هر گاه در مقیاس سیما ، چهره و یا نیمرخ شهری مطرح شود ، شالوده‌های فرعی را بیان می کند و بدین ترتیب شالوده‌های فرعی زیر مجموعه شالوده اصلی محسوب می شوند و خود به صورت یک نظام عمل می نمایند. شالوده یا استخوان‌بندی شهر کلیتی است با رشد تدریجی منسجم ، همگن ، غیر قابل پیش بینی ، مملو از احساس و دارای مقیاسی متناسب به همراه درکی مشابه بین افراد .شالوده شهر نمی‌تواند یک گره ، یک مرکز و یا یک بنا

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

باشد .شالوده شهر مجموعه ای است که گره‌ها ، هسته ها ، راه‌ها ، لبه‌ها ، نشانه ها ، بناها و محله ها را به هم دوخته و درطول زمان کامل و کامل تر می شود .

نماد شهر: نماد یکی دیگر از خصوصیات فضای شهری است. نماد نقشی موثر در انتقال مفاهیم واقعی و انتزاعی دارد . نماد بیانگر رابطه بین شکل و محتوی ، دال و مدلول ، معنا کننده و معنی شونده است. نماد عنصر اصلی تداعی معانی شهری است و بدین قرار نماد ، هویت دهنده شهر می شود و در ایجاد خاطره ذهنی نقش بسیار مهمی را بازی می کند.نماد نیز به شهر ، آهنگ بخشیده و این آهنگ را موزون می سازد. نماد شهری علی الاصول درقالب عناصر و نشانه ها بیان می شود. عناصر می‌تواند کالبدی پایدار و ساخته شده شهری داشته باشند و با گذر زمان معانی متفاوتی را در خود متبلور سازند و به عنوان عناصر نمادین خاطره های جمعی ، نسل های متفاوت را به هم پیوند زنند .نشانه ها نیز می توانند به صورتی باشند که یا وقایع و حوادث نسل حاضر را بیان کنند و یا نقشی از حضور سه نسل همزمان را متبلور سازند . نشانه ها هرگاه بتوانند موقعیت خود را در بیش از سه نسل حفظ نمایند به نماد تبدیل می‌گردند .بدین ترتیب تغییر در عناصر نمادین ممکن و جایز نیست .حال آنکه دگرگونی نشانه ها امری است دائمی و ممکن .



برج میلاد نشانه‌ای از شهر تهران

مرکزیت: در طول تاریخ ، مرکز شهر دارای معانی و مفاهیم متفاوتی بوده است ؛ از مفاهیم سیاسی و اقتصادی گرفته تا مفاهیم اجتماعی ، فرهنگی و کالبدی – فضایی. ولی این مفهوم همیشه بر آن بوده است که به فضایی شاعرانه و تغزلی اشاره کند . مرکز شهر در مقیاس‌های متفاوت خود مکان همبستگی تعاملات و تباینات شهری بوده است و در هر مقیاس مکانی برای

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

بروز و حضور حیات مدنی در عرصه های کالبدی ، فضایی ، مکانی و زمانی بوده است. چنین ویژگی‌هایی از مرکز شهر باعث نقش بستن مرکزیت آن شده است. از همین روست که این مراکز نقشی عمده در حیات شهر بازی می کنند .

از طریق ویژگی‌های سه گانه فضای شهری است که می‌توان به چگونگی مداخله در فضای شهری اندیشید. این کار ، شهروند و شهر ، بازیگر و تماشاچی ، تصمیم گیر و تصمیم ساز و ...را درگیر تجربه ای می سازد که می‌توان تجربه شهر نامید ، تجربه ای که همه در آن شریکند و با این کار سرنوشت شهر را رقم می زنند(حبیبی ، ۱۳۸۱ ،).

دکتر جهانشاه پاکزاد در کتاب مبانی نظری و فرایند طراحی شهری ،فضای شهری را به این صورت تعریف و بیان کرده است :

فضاهای شهری بخشی از فضاهای باز و عمومی شهرها هستند که به نوعی تبلور ماهیت زندگی جمعی می باشند .یعنی جایی که شهروندان در آن حضور دارند .فضای شهری، صحنه‌ای است که داستان زندگی جمعی در آن گشوده می شود .فضایی است که به همه مردم اجازه می دهد که به آن دسترسی داشته باشند و در آن فعالیت کنند . در این فضا فرصت آن وجود دارد که برخی مرزهای اجتماعی شکسته شوند و برخوردهای از پیش تدوین نیافته به وقوع پیوندند و افراد در یک محیط اجتماعی جدید با هم اختلاط یابند .این فضا می بایستی توسط یک نهاد عمومی اداره شود تا در جهت منافع عمومی و جامعه مدنی اداره و نیازهای آن تامین شود .

بنابراین شرط اساسی برای اینکه یک فضای عمومی فضای شهری تلقی شود اینست که در آن تعامل و تقابل اجتماعی صورت گیرد .پس آن‌دسته از نرم فضاها و سخت فضاها که بستر تعامل اجتماعی نیستند، جزو فضای شهری محسوب نمی شوند. « دیدگاه مذکور در ارتباط با فضا تا حدودی شبیه به تعریف جغرافی‌دانان از فضا می باشد. گرچه برخی فضاها ملموس نمی باشند، مانند فضای اجتماعی ، فرهنگی . در شهرسازی فضا همراه با کالبد و محیط مصنوع به ابعاد اجتماعی ، فرهنگی ، سیاسی و اقتصادی نیز اشاره دارد » (تاکید از مولف).

فضای شهری مصنوعی است سازمان یافته ، آراسته و واجد نظم که به صورت بستری برای فعالیت‌ها و رفتارهای انسانی عمل می نماید . انسان جزئی از فضاست و با ارزش و هنجارهای خود به این فضا معنی می بخشد . الگوهای روابط اجتماعی ثابت نیستند و یک فضا با جایگزین شدن رابطه اجتماعی خاص ، چهره متفاوتی به خود می گیرد .

کاربرد عمومی فضاهای شهری ایجاد آرامش سرگرمی و محلی برای گردش ، فراهم آوردن ارتباط و زمینه معاشرت و امکان تردد می باشد و از آنجائی که هیچ تک عملکرد خاصی به آنها مترتب نیست، استعداد پذیرش تمام کاربری‌ها را باهم یا بصورت گزینشی دارند (پاکزاد، 86، 81).

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

به نظر مولفان ، فضا بستری است که در آن تعامل انسان در وهله‌ی اول با محیط پیرامون و سپس با انسان صورت می‌گیرد . این قبیل فضاها را می‌توان در قالب محیط های انسان ساخت که دارای بعد عینی و بصری و نیز بعد ذهنی می باشد ،طبقه بندی نمود. برخی از فضاها جنبه عینی ندارند از جمله‌ی این فضاها می‌توان به فضای اجتماعی ، فرهنگی و یا اقتصادی اشاره نمود . این قبیل فضاها تاثیرات خود را در جنبه‌های کالبدی به نحوی از انحاء نشان می دهند . یعنی هر فضایی که شکل می‌گیرد در اثر یک سری فرایندهایی است که (این فرایند ها) تحت تاثیر فضاهای سیاسی ، فرهنگی و اقتصادی شکل گرفته اند .

بنابراین در شکل گیری فضا در وهله اول، انسان دخالت قطعی داشته است. این فضای شکل گرفته در برخی مواقع می تواند باعث تعامل و تقابل باشد و در برخی موارد نمی تواند اینگونه باشد .یعنی در ایجاد تعامل و تقابل اجتماعی قطعیت وجود ندارد. فضای شهری در محدوده قانونی شهرها که بر اساس شهرداری و دستگاه‌های مدیریت شهر تعریف می شود، قرار دارد.پس سخن از فضایی است که در داخل محدوده‌های قانونی شهرها می باشد که هم مجموعه ای از عناصر ساخته شده و خالی را دربر دارد و هم محیط های طبیعی و غیر طبیعی را شامل می شود .

انواع فضاهای عمومی شهرها را بر اساس وجود تعاملات اجتماعی می‌توان بدین قرار برشمرد:

(البته لازم به ذکر است که پارک‌ها و باغ های عمومی در برخی مواقع محل شکل گیری تعاملات اجتماعی هستند و در برخی موارد چنین نیستند. به همین خاطر نمی‌توان با قطعیت کامل این محل ها را جزو فضای شهر (براساس وجود تعاملات اجتماعی) بحساب نیاورد).

الف. ورودی ها

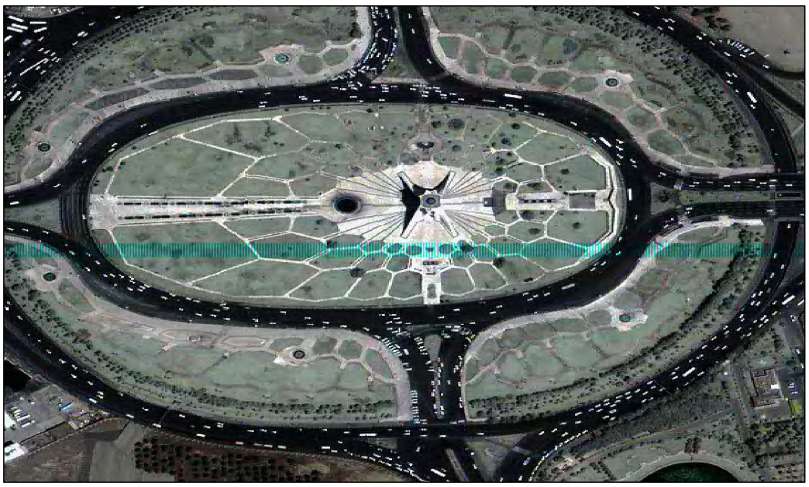
اولین مکانی که در فضا ، ناظر را با خصوصیات کلی خود ، از قبیل آداب ورود ، حد خصوصی و عمومی آشنا می کند، ورودی هر فضا می باشد .تنها ورودی شهر و ورودی محله ها هستند که می توانند نقش فضاهای شهری را ایفا نمایند(پاکزاد ، 86، 84).

ب. میادین و فلکه ها

از مهم‌ترین فضاهای شهری که بر ذهنیت شهروندان بسیار تأثیرگذار است، میادین می باشد. بطوریکه شهروندان یک شهر، مناطق مختلف یک شهر را بر اساس میادین بزرگ آن می شناسند. حتی بعنوان پررنگ‌ترین گره در تصویر ذهنی شهروندان باقی می ماند. همه ما وقتی از شهری مانند تهران سخن به میان می‌آوریم، میدان آزادی در ذهنمان شکل می‌گیرد و وقتی از اصفهان صحبت می شود، میدان نقش جهان را به خاطر می آوریم .

shahrsazi novin

NovinShahrsaz



به لحاظ گره بودن عناصری مانند فلکه ها ، با میادین در یک دسته قرار می گیرند ،هرچندکه تفاوت ماهوی با میادین دارند و از این نظر باید بین میادین و فلکه ها تفاوت قائل شد .

میدان آزادی ، نمادی از شهر تهران که همیشه در ذهن بینندگان این شهر باقی می ماند.



میدان نقش جهان

ج. مسیرها

در ذهن شهروندان ، مسیرها علاوه بر اینکه خطوط ارتباطی و اتصالی نقاط مختلف شهر می باشند، همچنین فضاهایی را تصویر می نمایند که روزانه بیشترین رفت و آمد و حیات جمعی را در خود جای می دهند . مسیرها به صورت انواع خیابان های شهری ، محلی ، بولوارها ، کوچه ها و بن

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

بست ها و پیاده راه‌ها در سطح شهر عینیت می یابند (پاکزاد ، 86، 85).



دروازه قرآن ، ورودی شهر شیراز



پیاده راه ، آستارا

د . لبه آب

لبه آب‌ها نیز می‌تواند بستر اتفاقات زیادی در مقیاس شهر یا مقیاس محلی باشد .عناصری نظیر پل‌ها و اسکله ها که در ارتباط با این لبه ها و آب مجاور آنها به وجود می آیند، نیز از همین پتانسیل برخوردارند(همان ، 86).

و. پله

پله جزو آن دسته از فضاهای شهری است که در شهرهای با توپوگرافی ناهموار ایجاد می شود.

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

مقصود از پله، یک اتفاق کالبدی ساده جهت دسترسی عمودی نیست. پله در واقع مکانی است که می تواند انواع اتفاقات و روابط اجتماعی را نه تنها در خود جای دهد ، بلکه انگیزه ای برای وقوع آنها ایجاد نماید (پاکزاد ، 86، 87).



مسیر = انواع فضای عمومی بر اساس تعاملات اجتماعی

فضای عمومی بر اساس تعاملات اجتماعی	پارک‌هاوفضای سبز	برخی از پارک‌ها که بستر تعاملات اجتماعی هستند.
	ورودی‌ها	ورودی‌ها ناظر را با آداب ورود و سیمای کلی آشنا می کند.
	فلکه و میادین	میادین مهم‌ترین کالبد تاثیر گذار در ذهنیت شهروندان می باشد. نمود فرهنگی – اجتماعی و اقتصادی یک شهر را می توان در میادین جستجو کرد(میدان نقش جهان).
	مسیر	کوچه ها ، خیابان‌های محلی ، بلوارها ، خیابان‌های اصلی و بزرگراه‌های پرتردد بستر اتفاقات مهم اجتماعی هستند.
	لبه آب	عناصری مانند پل‌ها و اسکله ها می توانند بستر تعاملات و اتفاقات اجتماعی باشد. مانند پل خواجو در اصفهان.
	پله	توپوگرافی نامنظم، چشم ناظر را همیشه به چالش می‌کشد.پله‌ها می‌تواند زمینه‌ساز برخورداری‌های

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

		اجتماعی به لحاظ ماهیت خود باشد.

به نظر مولفین ، ویژگی‌های طبیعی،فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی متفاوت در شهرهای مختلف، امکان شکل‌گیری فضاهای تازه شهری را به وجود می آورد که شاید در سطور قبل بدان اشاره نشد .

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

فصل دوم : دیدگاه‌های نظری در ارتباط با شهر و سیمای شهر

۲-۱. دیدگاه‌های موجود در ارتباط با پیدایش شهرها

۲-۱-۱. انقلاب شهری

این واژه را اولین بار **گوردون چایلد** به کار برده است. به اعتقاد وی پیدایش شهرها با دو انقلاب عظیم در ساخت اقتصادی و دیگری در سازمان‌های اجتماعی همراه بوده است .

چایلد برای تمیز شهر از روستا ده ویژگی را به این شرح بر می شمارد:

۱. گسترش شهرها ،
۲. ترکیب و عملکرد ،
۳. تمرکز ثروت ،
۴. بناهای عمومی ،
۵. پیدایش جامعه طبقاتی ،
۶. اختراع خط ،
۷. پیشرفت علوم ریاضی و نجوم ،
۸. اجتماع متخصصان تمام وقت در شهرها و پیشرفت صنعت و هنر ،
۹. پیدایش و گسترش تجارت اشیاء تجملی با مناطق دور دست،
۱۰. استقرار روابط سازمان یافته سیاسی و حکومتی به جای روابط قومی (پاپلی یزدی ، 1382، (68 (برای مطالعه بیشتر ر.ک ، مجید زاده ، یوسف ؛ آغاز شهرنشینی در ایران و شکوئی، حسین ، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری).

۲-۱-۲ . نظریه آب و سکونت‌گاه‌ها

در گذشته عوامل طبیعی و عمدتا آب نقش تعیین کننده ای را در بنای شهرها ایفا می کردند . پیدایش تمدن‌های بزرگی در کناره رودخانه های دجله و فرات ، نیل و سند موید این مطلب می باشد . دانشمندان مختلفی بر این نظریه تاکید داشتندکه از آن جمله می‌توان به **هارولد کارتر**

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

اشاره کرد. وی اعتقاد داشت که منشاء اولیه شکل گیری سکونتگاه‌ها، آب بوده و آنگاه رشد سریع جمعیت ، تمرکزگرائی ، ایجاد بناهای یادبود و قشر بندی اجتماعی توسعه بعدی را فراهم ساخته است .

در ایران شکل گیری شهرها دردشت‌های پایکوهی با منابع آب که بصورت رودخانه و قنات بوده است ، ارتباط تنگاتنگی دارد (برای مطالعه بیشتر ، ر.ک ، نظریان ، اصغر ، جغرافیای شهری ایران ، پیام نور ، 1379 و مومنی ، مصطفی ، پایگاه علم جغرافیا در ایران ، شهید بهشتی ، 1378).

عامل تجارت

ارتباطات تجاری و قرار گرفتن در مسیر راه‌های ارتباطی (مانند جاده ابریشم) و یا سواحل دریاها از جمله علل شکل‌گیری و رشد و شکوفائی شهرها بوده است . پایه یکجانشینی بشر دستیابی به مازاد تولید می باشد . عواملی نظیر تجارت ، مذهب و دفاع پس از این عامل نقش بازی می کنند.

عامل مذهب

از جمله عواملی که در پیدایش و رشد شهرها موثر می باشد، عامل مذهبی است. تاثیر این عامل را امروزه نیز می‌توان در رشد و توسعه برخی از شهرها (لهاسا ، مکه ، مشهد و...) مشاهده نمود. مذهب به دو شکل می تواند عمل کند:

۱- عامل شکل گیری و پیدایش شهرها باشد .

۲- پس از شکل گیری شهر در رشد و توسعه شهرها تاثیر گذار باشد.

عامل دفاعی – سیاسی

از دوران گذشته شاهد بوده‌ایم که برخی از شهرها بخاطر دفاع از مرزها دور افتاده و برخی دیگر به خاطر سیاسی در راستای منافع حاکمان شکل گرفته‌اند. از جمله شهرهای جدیدی که در راستای اهداف دفاعی و سیاسی در طی سده اخیر در ایران شکل گرفته‌اند، می‌توان به شهرهایی مانند زاهدان و یاسوج اشاره نمود.

لازم به ذکر می باشد که علاوه بر موارد مذکور عواملی نظیر وجود برخی معادن و منابع نایاب ، موقعیت ویژه استراتژیک و تجاری و ... در شکل گیری و رشد و توسعه شهرها موثر می باشد.

۰ـ نظری در ارتباط	انقلاب شهری	انقلاب عظیم در ساخت اقتصادی و اجتماعی	

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

	نظریه آب و سکونتگاه	تاثیر آب در پیدایش کشاورزی و خود کفائی	موهنجودارو
	تجارت	قرار گرفتن در مسیر راههای ارتباطی و بندری	شهر سوخته
	دفاع	دفاع از خود در برابردشمنان خارجی	شهرهای مرزی
	مذهب	اماکن مذهبی	چغازنبیل

۲-۲. نظریه های مربوط به رشد و تکامل شهرها

۲-۲-۱. نظریه رشد شهر بصورت دوایر متحدالمرکز

این نظریه را در سال 1925 ، **ارنست برگس** در ارتباط با شهرهای آمریکای شمالی مطرح کرد . بر اساس این نظریه توسعه شهر به صورت شعاعی از مرکز شهر شروع و به یکسری دوایر متحد المرکز منجر می‌شود. در مرکز شهر، بخش مرکزی تجارت (C.B.D)[4] قرار دارد و بیشترین تمرکز فعالیت‌های بازرگانی ، بانکداری و سایر موسسات مالی ، مغازه ها ، خرده فروشان و موسسات مربوط به اداره امور تجاری در این بخش یافت می شود. حلقه دوم یا ناحیه دوم ، منطقه گذار می باشد. مشخصه این ناحیه ، بناهای قدیمی اختصاص یافته به تجارت و تولیدات سبک ، نظیر عمده فروشی ، انبارها و فعالیت‌های اداری منطقه اول است . این منطقه پایین‌ترین کیفیت مسکونی را دارد و اغلب گروه‌های مهاجر و کم درآمد را در خود جای می دهد . منطقه سوم ، منطقه مسکونی کارگران و منطقه کارخانجات نامیده می شود. کارگران کارخانجات در این منطقه در مجاورت محل کار خود سکونت یافته اند . وجود آپارتمان‌های بلند با اجاره بهای کم و سهولت دسترسی به محل کار از مشخصه این منطقه می باشد .

حلقه چهارم منطقه مسکونی طبقه متوسط شهری می باشد که دارای ساختمان‌های مجزا می باشد . منطقه پنجم، محل سکونت طبقات مرفه شهری و افراد با نفوذ می باشد که در خانه‌های ویلای ساکن می باشند (برای مطالعه بیشتر ؛ ر.ک ، شیعه ، اسماعیل ، مبانی برنامه ریزی شهری دانشگاه علم و صنعت ، 1377 و پاپلی یزدی ، نظریه شهر و پیرامون ، سمت ، 1382، ممتاز، فریده ، جامعه شناسی شهری ، تهران ، چاپخانه حیدری ،1379).

[4] - Central Business District

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

۲-۲-۲. توسعه قطاعی شهر

یک دهه بعد از کار برگس ، **همرهویت** توسعه قطاعی را با در نظر گرفتن فرضیه برگس مطرح کرد . مدل هویت روی الگوهای فضایی و تغییر در مکان یابی مسکونی تمرکز دارد . بنابه عقیده هویت ، گروه‌های درآمدی متفاوت در شهر ، در بخش هائی که تشخیص پذیرند زندگی می کنند . این بخش‌ها در برگیرنده واحدهای همسایگی هم سنخ بوده و مترصد رشد در طول خطوط ارتباطی در جهات مربوط به خود هستند . بنابراین وضعیت فوق اشکال شعاعی یا شطرنجی را نمایان می سازد (پاپلی یزدی ، 1382، . 75).

۲-۲-۳. مدل توسعه چند هسته ای شهرها

هاریس و **اولمن** بر خلاف دو مدل فوق بیان داشتند که محله‌های شهر در اطراف چندین مرکز مجزا رشد می‌کنند و هر هسته می‌تواند به عنوان نقطه نخستین استقرار شهر محسوب شود .هسته‌های شهری می‌توانند در پیرامون ایستگاه‌های مترو یا راه آهن ، کارخانجات ، مراکز عمده خرید و فروش و ...شکل بگیرد (ر.ک ، جانسون ، جیمز .اچ ؛ جغرافیای شهری ترجمه گیتی اعتماد ؛ انتشارات دانشگاه شهید بهشتی ، 1352و دلال پور ، محمد رضا ؛ برخی ملاحظات برنامه ریزی و طراحی در بافت فیزیکی مجتمع های مسکونی ، نشریه دانشکده ادبیات تبریز ؛ س 39، شماره مسلسل 160و 161، پاییز و زمستان 1375و شیعه ، اسماعیل ، مبانی برنامه ریزی شهری ، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ، 1377).

۲-۲-۳. ساخت طبیعی شهرها

این نظریه به طبیعت انسان و فرهنگ او بیش از موقعیت فیزیکی سکونتگاه‌های شهری اهمیت می دهد. اصول کلی این دیدگاه این است که پیروان و افراد یک مذهب ، یک نژاد یک ملت یا یک گروه ویژه فرهنگی می‌کوشند در حوزه هم‌کیشان و هم‌نژادان خود زندگی کنند.(پاپلی یزدی ، ۱۳۸۲، ۹۶). نمونه این نوع شهرها ، شهرهای سنتی ایران هستند که دارای محله بندی‌های جداگانه ای بوده‌اند(مانند محله حیدری‌ها و نعمتی ها) .

بر اساس سرفصل‌های پیشنهادی در ادامه مطلب، به بررسی اصول علمی زیبایی شناسی

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

خواهیم پرداخت . لازم به ذکر است که بحث در ارتباط با زیبایی شناسی در حوزه فلسفه هنر و زیبایی شناسی قرار می گیرد .

اصول علمی زیبایی شناختی

بحث در ارتباط با زیبایی و زیباشناسی بحث پیچیده ای است ؛ چرا که در جوامع مختلف و با فرهنگ‌های متعدد، مفهوم زیبایی متفاوت خواهد بود. در هر جامعه‌ای بسته به عوامل اجتماعی، فرهنگی ، اقتصادی و سیاسی ، طبقات اجتماعی ، فرهنگی و اقتصادی مختلفی شکل می گیرد و در داخل هر کدام از این طبقات زیبایی مفهوم خاص خود را دارد. در واقع شهر تبلور ذهنیت ، اندیشه و جهان بینی شهروندان است . برای مثال در مناطق فقیرنشین شهرهای بزرگ (شهر پاکدشت در منطقه شهری تهران)، وضعیت نابسامان اقتصادی مردم ، اجازه تفکر در مورد زیبایی محیط و منظر پیرامون را نمی‌دهد و هرگونه اقدامی در راستای زیبا سازی در این قبیل مناطق به احتمال زیاد با شکست مواجه گردد. عکس این وضعیت در مناطق مرفه شهر تهران به وضوح دیده می‌شود .

پس لازم است که قبل از هر گونه اقدامی در راستای زیباسازی مناظر شهری، از نوع فرهنگ حاکم در شهر ، نوع نیازهای مردم شهر و ....آگاهی کسب کنیم.

کدام اصول زیبایی شناختی را برای لذت بردن از طراحی شهری و سیمای شهر می‌توان پیشنهاد نمود و یا حداقل تدوین نمود ؟ پایه فلسفی برای تنظیم ضوابط زیبایی شناسی در طراحی و برنامه ریزی شهری به عنوان یک هنر عامه پسند و مورد استفاده عامه ، چه خواهد بود ؟

احساس زیبایی شناسی در عرصه برنامه‌ریزی و طراحی شهری بر روابط انتزاعی شکل‌ها ، تعریف فضا و عناصری که آنها را خوشایند و لذت بخش می سازد، مانند ضرب‌آهنگ ، رنگ و سایه استوار است ؛ ولی بیشترین تاکید روی فضا می‌باشد (مهدیزاده ، 85، 29).

» نکته اصلی و مهم در زیبایی شناسی محیط شهری یا سیمای شهر ، روحیه و خصلت فرد ناظر است . برای ارزیابی معماری یک بنا ، معمولا آن را جدا از محیط مورد ملاحظه قرار می‌دهند . اما یک طراح شهری به آثار عرصه وسیعی از بناها و فضاها می‌اندیشد .محیط شهری ، احتمالا کمتر مورد توجه بازدیدکنندگان و سیاحان قرار می‌گیرد ، زیرا آنان به طور آگاهانه یا نسبتا آگاهانه بناهای خاصی را برای تماشا بر می‌گزینند .اما شهروندانی که در شهر زندگی می کنند، آشنایی زیادی با محیط خود دارند و هر روزه در فضاهای آن حرکت می کنند . ممکن است، آشنایی شهروندان با محیط پیرامون خود بسیار عمیق باشد و نیز ممکن است، نسبت به آن علاقه‌مند یا بی علاقه باشند . همچنین ممکن است ، آگاهی آنان از محیط خود بسیار ناچیز و مبهم باشد که در

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

این صورت نیز ، علاقه و یا عدم علاقه وجود خواهد داشت ؛ ولی چندان روشن نخواهد بود . شهروندی که آگاهی عمیقی از محیط خود دارد، ممکن است از برخی جلوه‌های خاص آن مثل خیابانی دلپذیر با بنایی باشکوه در انتهای آن و یا میدانی محصور و جذاب لذت ببرد . همچنین ممکن است برای رفت و آمد خود راهی را که لذت بخش تر است برگزیند » (مهدیزاده، 1385، 30).

معیارهای زیبایی

آن دسته از معیارهای زیبایی شناختی که مقبولیت عام دارد ، اساس طراحی شهر و سیمای شهر در آینده و حال را شکل می‌دهد. برخی از کالبدهای عینی، نتیجه ذهنیت مشترک افراد جامعه ، ایدئولوژی حاکم بر آن جامعه و عوامل اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی و اجتماعی می باشد .

هیوم اصطلاح **شور** (Sentiment) را برای بیان عواطف زیبایی شناختی حاصل از یک شیء به کار برده و کوشیده است که معیارهای عامی برای ذوق و سلیقه بدست آورد . وی در کتاب مقالات اخلاقی ، سیاسی و ادبی ، به الگوها و اصولی اشاره می‌کند که از " طریق توافق و تجربه مشابه ملل در طول قرون و اعصار رواج یافته است". او همچنین از پیشداوری‌هایی سخن می گوید که حس زیبا دوستی ما را تباه می سازد و یاد آوری می‌کند، کسانی که نمی توانند عقیده خود را با معیارهای روزمره و رایج انطباق دهند ، بد ذوق محسوب می شوند (مهدیزاده ، 1385، 30).

کانت در کتاب نقد داوری زیبا شناختی ، زیبا را به عنوان چیزی تعریف می‌کند که " جدا از هر مفهومی لذت و خرسندی به وجود می آورد" . کانت ارزش‌های زیبا شناختی را با ارزش های اخلاقی مرتبط می سازد و این نظر را دارد که برخی الزام های اخلاقی برای دوست داشتن چیزهای زیبا که تحسین همگان را بر انگیخته اند ، وجود دارد (مهدیزاده ، 85، 30).

ساموئل الکساندر در کتاب زیبایی و اشکال دیگر ارزش ، دلایلی برای غیر شخصی بودن ارزش های زیبا شناختی و نیز معیاری برای داوری زیبا شناختی مطرح می سازد . وی می نویسد :

" داوران ارزش زیباشناختی، کسانی هستند که احساس و انگیزهٔ زیبا شناختی آنان را ارضا می‌کند و زیبایی چیزی است که این داوران را راضی می سازد. معیار حس زیبا شناختی متعلق به اشخاص صاحب صلاحیت است و کسانی صلاحیت دارند که واجد حس زیباشناختی هستند. این معیار نیز در هیچ فرد واحدی ظاهر نمی شود، مگر اینکه به عنوان مظهر پذیرفته شود" (مهدیزاده ، 1385، 31).

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

حال سوال اینجاست که چه معیارهای برای زیبایی شناسی وجود دارد. به همین منظور معیارهای مربوط به زیبایی شناسی را به دو دسته ارزش‌های کلاسیک و ارزش‌های مدرن تقسیم کرده ایم که در ادامه شرح داده خواهد شد. ارزش‌های زیبایی شناسی (کلاسیک و مدرن) در تمام عرصه های هنر (معماری ، شهرسازی ، هنرهای تجسمی و...) بکار گرفته می شود. شهرداران و مدیران محترم شهرها می توانند در زیباسازی مناظر شهری از این اصول استفاده نمایند.

ارزش های کلاسیک زیبایی شناسی عبارتند از :

خلاقیت و نوآوری

خلاقیت و نوآوری یعنی موضوعی تازه که نظر هنرمند را به خود جلب می‌کند و او قادر است این خلاقیت و نوآوری را با زبان هنر(شعر ، موسیقی ، نقاشی ، معماری) بیان نموده و تبیین کند. در صورتی که غیر این عمل صورت گرفته باشد، کار او فقط یک تقلید می باشد .البته تعبیر نو بر موضوعات شناخته شده جزو نوآوری و ابتکار محسوب می شود.

جنسن ، منتقد و هنر شناس ، نوآوری را از معیارهای اصلی و مسلم در تشخیص و تمیز هنر از غیر هنر می‌داند .

برای مثال تندیس سرگاو پیکاسو را بیان کرد .این تندیس مرکب از یک زین و یک دسته دوچرخه است و پیکاسو آن‌را به وضعی ترکیب کرده که شباهت به سر گاو دارد .پیکاسو با ترکیب خود با خیال پردازی هنرمندانه ای تعبیری تازه به این دو شیء پیش پا افتاده داد.



کرنیکا ، اثر پیکاسو ، نوعی خلاقیت در هنر نقاشی

shahrsazi novin

NovinShahrsaz



میدان نقش جهان ، نو آوری در شهرسازی

در عرصه شهرسازی ، میدان نقش جهان و چهارباغ مثال‌هایی از نوآوری و ابتکار هستند (مزینی ، 77، 91). پر واضح است که اولین ارزش در زیبایی شناسی، نو آوری و خلاقیت است. در عرصه شهرسازی، نو آوری و خلاقیت مشکل و سخت می باشد. در اکثر اوقات از کارهای مشابه الگو برداری می‌شود .لازم است که مدیریت شهری دقت بخرج داده و الگوی مورد استفاده را منطبق با معیارهای فرهنگی و محیطی شهر مورد نظر خود قرار دهد.

ترکیب

ترکیب بندی در جلب توجه بیننده، نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند . از طریق ترکیب بندی می توان معنای مورد نظر را انتقال داد .ترکیب بندی در هنر به ما ترتیب به کاربردن درست اجزا را نشان می دهد (سپهر ، 86، 45).

برای مثال تصویری از مسجد امام در اصفهان که ایوان عالی قاپو به دیده می‌آید، بیان می شود . آنچه در این تصویر برای بحث مهم می باشد،ترکیبی است که از عوامل معمارانه این مسجد (گنبدها ، مناره ها و ...) پدید آمده است(مزینی ، 77، 97)(تصویر مسجد امام).

» تنوع در این ترکیب فراوان است ؛ فرم منحنی گنبدها ، کشیدگی مناره ها ، مخروط بام ، اتاقک بالای بام ، حجم مکعب خود اتاقک ، حجم های کوچک و بزرگ پشت بند گنبدها ، ولی همه این حجم ها و فرم های گوناگون در کلی جمع آمده اند که این ترکیب را می سازد وتاثیر بصری آن را برای بیننده فراهم می آورد.

shahrsazi novin

NovinShahrsaz



مسجد امام ، ترکیب بندی



کاشی‌کاری اسلامی

سمت راست این ترکیب با وجود دو گنبد عظیم سنگین شده ، اما با وجود دو مناره (در میان و در سمت چپ ترکیب) فورا به توازن در می آید .در مقابل این دو گنبد حجم های کوچک‌تری که در سمت چپ این ترکیب به دیده می آیند ، چنان به هم پیوسته و جوش خورده اند که پنداری حجاری آنها را از سنگ‌های یکپارچه تراشیده و برهم سوار کرده است. این بازی حجم ها نیز ، توازن ترکیب را کامل می‌کنند، به این معنی که چون خود در میان و سمت چپ ترکیب قرار دادند ، سنگینی سمت راست را با وجود دو گنبد پاسخ گفته و به تعادل در می‌آورند .

در سمت راست ترکیب ، قوس گنبد نخست با قوس گنبد دوم و قوس این گنبد در تاقی های

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

زیرین تکرار می شوند و تسلسلی را به دیده می آورند که شبیه تسلسل موج هایی است که با پرتاب سنگی بر آب پدید می آید . جالب است که در ترکیب‌های قدیمی(در خود این مسجد) توازن معمولا با ایجاد تقارن پدید می آید، ولی در این ترکیب تقارنی در کار نیست و توازن با وسایلی پدید می آید که ممکن بود معماری مدرن نیز آنها را به کار گیرد .ترکیب مسجد امام از درون امکانات و ملاحظات ساختمانی پدید آمده و سازنده آن صرفا برای ایجاد تاثیری زیبا هیچ امکانات ساختمانی را کاهش نداده است ، بلکه بر آنها تایید گذاشته است (مزینی ، 77، 99).

ترکیب بندی را می‌توان در مقیاس کلان ، متوسط و خرد در شهرها بکار گرفت. درترکیب بندی در مقیاس کلان ترکیب شهر می‌توان به مناظر محیط پیرامون ، ترکیب بندی در مقیاس متوسط ، ترکیب ساختمان‌ها و بناهای همجوار و در ترکیب بندی در مقیاس خرد به قرارگیری مبلمان‌های شهری علی الخصوص تابلوهای شهری اشاره نمود.

در شهرهای امروزی کشور ، برخی معماران بدون در نظر گرفتن الگوها و بناهای مجاور اقدام به ارائه طرح‌های می‌دهند که با طرح‌های قبلی ناسازگار می باشد و منظره شهر را آشفته نشان می دهد. برای جلوگیری از این اقدامات لازم است که شهرداری‌ها در کیفیت مناظر شهری نیز دخالت داشته باشند. مثال‌های متعددی را در این زمینه می‌توان آورد که همه ما شاهد آن هستیم، مانند قرارگیری ساختمان‌های بلند مرتبه (با بیش از ۱۰ طبقه) در خیابان‌های کم عرض . این مساله مثالی است از عدم توجه به ترکیب بندی در بناها و مناظر کلی .

ترکیب بندی درمقیاس خرد به رعایت اصول جانمائی و قرارگیری تابلوها و مبلمان شهری اشاره دارد. این امر مساله مهمی در خوانایی و زیباسازی شهر می باشد که متاسفانه به دلیل سهل انگاری شهروندان و مسئولین شهر بدست فراموشی سپرده شده است.

وحدت ، هماهنگی و توازن[5]

ترکیب (مبحث پیش گفته) اصلی‌ترین معیار از عوامل زیباشناسانه در تمام یا بیشتر عرصه های هنر است . زیرا ترکیب درست و به جا آن است که اجزای آن کل واحدی را شکل دهند و نیز اجزا نسبت به همدیگر متوازن بوده و از هماهنگی برخوردار باشند .همانطور که آهنگ آهنگساز در عین آنکه باید واجد وحدت باشد ، باید هماهنگ و موزون نیز باشد.

برای درک بهتر موضوع به یک مثال از شهر یزد اکتفا می‌کنیم :

[5] Unity , Harmony and Balance

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

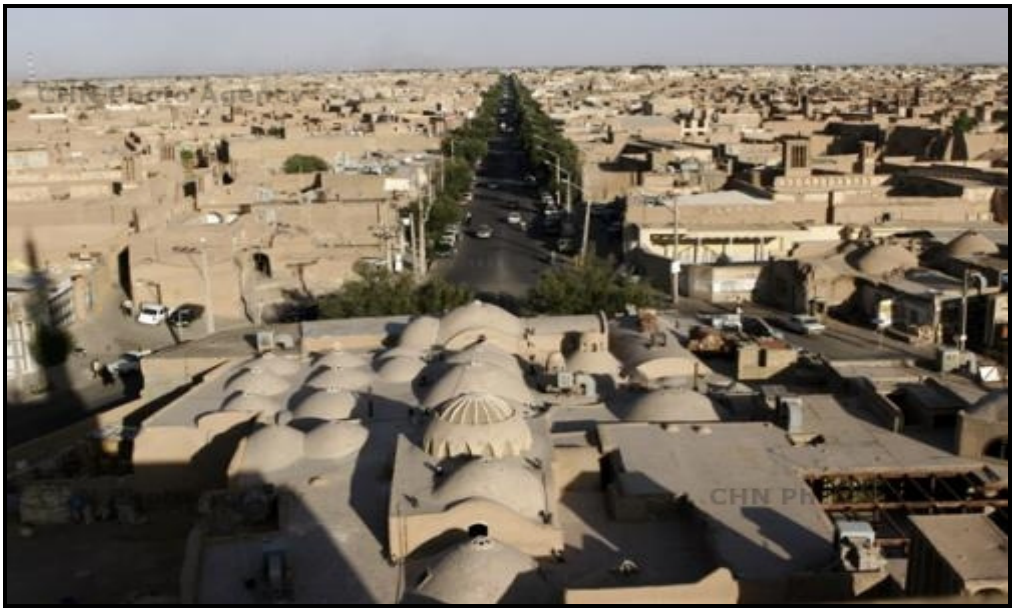
در اینجا بخشی از شهر یزد مورد نظر می باشد که دارای ترکیبی قوی است و این قوت بیشتر به سبب وحدت و هماهنگی اجزای ترکیب به وجود آمده است. اجزای ترکیب اگرچه کاملا شبیه به هم و یکنواخت نیستند، ولی هماهنگ و بهم پیوسته می باشند. این پیوستگی و هماهنگی از کجا نشات می‌گیرد؟

۱ از شباهت طرح‌ها وحجم‌های بکار رفته در ساختمان‌ها. در هیچ یک از ساختمان‌ها طرح و حجم متفاوت با بقیه ساختمان‌ها نداریم ؛ بلکه حجم‌ها حضوری فروتنانه در جمعی که این حجم را پذیرفته است و شبیه به او می باشد دارد .

۲ مصالح ساختمانی بکار گرفته شده در این بخش از شهر که یک نوع و شبیه به هم می باشند، مصالح بیگانه در این بخش وجود ندارد.

۳ ارتفاع بیشتر یا همه حجم ها تقریبا یکسان می باشد .

۴ این پیوستگی و هماهنگی جمعی ، آهنگ و رنگ خاصی را در این قسمت از شهر پدید آورده است (مزینی ، 77، 102).



shahrsazi novin

NovinShahrsaz



هماهنگی و توازن در شهرسازی

حال سوال اینجاست که آیا این پیوستگی حجم ها و وحدت ترکیب بطور اتفاقی به وجود آمده است یا اینکه از پیش اندیشیده بوده است ؟

اگرچه شاید بتوان عامل تصادف و اتفاق را به عنوان یک عامل برای پیداش این نوع هماهنگی و وحدت در پیکر شهر برشمرد، ولی نظر مولفان بر این است که در شکل‌گیری این گونه پیکرهای شهر ، عامل فرهنگ ، باورها ، اعتقادات و جهان بینی مردمانی که در آنجا زندگی می‌کردند بی تاثیر نبوده است. مسلما دانش و آگاهی و سطح فرهنگی مردم در گذشته (در ایران) تاحد زیادی شبیه به هم بوده است و این خود سبب می‌شده که افراد در ساخت بناها و معماری آن به مردمان هم فرهنگ خود توجه نموده و از آنان تقلید نمایند .پس می توان نتیجه گرفت که سطح فرهنگ ، دانش و آگاهی در حدی بوده است که مردم بر اساس تقلید از همنوع خود به ایجاد و خلق پیکرهای شهری دست می زده‌اند .بنابراین پیکرهای شهری دارای وحدت و هماهنگی بوده است.

ریتم[۶]

واژه‌ی ریتم در فارسی به ضرب آهنگ ترجمه شده است .در معماری و شهرسازی از طرف مرحوم دکتر منوچهر مزینی ، واژه" توالی" به جای این کلمه پیشنهاد شده است. منظور از

[6] Rhythm

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

توالی تکرار یک عامل بطور تناوبی می باشد .

در بیشتر آثار معماری، ردیف پنجره‌ها یا ستون‌ها و عواملی مانند آنها از توالی و تکرار برخوردار می باشند که این توالی و تکرار به ترکیب وحدت و پیوستگی می بخشد .

نمونه بارز ریتم در معماری ایرانی ، پل خواجو می باشد .در این پل، توالی تاق ها نظمی تناوبی دارد که در میان پل متوقف شده و سپس دوباره شروع می شود (تصویر پل خواجو).



ریتم درپل خواجوی اصفهان

خیابان چهار باغ اصفهان را در حوره شهرسازی می‌توان به عنوان یک نمونه از ریتم بحساب آورد.

شفافیت[۷]

با تنوع رنگی که در نقاشی به کار می رود، شفافیت حاصل می شود . در معماری هنگامی که فضای درون یک اثر معماری از بیرون دیده شود و یا بالعکس ، اثر معماری دارای شفافیت می باشد. خوانایی در سیمای شهر و صراحت پیکر را می‌توان شفافیت در کالبد شهر در نظر گرفت(مزینی ، 77، 104) . **شهر هنگامی شفاف است که هویت و ویژگی آن قابل تشخیص برای**

[7] Transparency

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

همگان باشد .



حضرت موسی ، اثر میکل آنژ

در حوزه شهرسازی، شفافیت مهم و اساسی است و مدیران شهری وظیفه دارند شهر را نه تنها برای شهروندان؛ بلکه برای بینندگان شهر نیزشفاف و خوانا نمایند. شفافیت بی پیرایگی و راحتی در درک و خوانائی را نشان می دهد که با رعایت برخی اصول و ضوابط اولیه در جانمائی مبلمان ، استفاده از بناهای شاخص ، نما ها و... قابل حصول می باشد.

تضاد[8]

تضاد عبارت از تکنیکی است که هنرمندان برای تاکید بر نکته‌ای و ایجاد تاثیر بیشتر در آثار خود بکار می‌گیرند .در معماری و طراحی منظر، این تکنیک کاربرد فراوانی را دارا ست که می‌تواند در شهرهای ایران مورد استفاده قرار گیرد. برای نمونه کاشت درختان خشکیده در میان فضای سبز و درختان سبز سبب اثر بخشی و تاثیر خاصی می شود.

همچنین می‌توان از یک آبادی که در دل کویر جای گرفته سخن به میان آورد .این آبادی و نظم هندسی آن با نظم طبیعی و ذاتی کویر در تضادی کامل می باشد.

در شهرهایی که یادگاری هشت سال جنگ تحمیلی را بر دوش می‌کشند، این مساله را با

[8] Contrast

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

می‌توان با حفظ بناهای تخریب شده توسط مزدوران بعث در میان بناهای ساخته شده در دوران سازندگی نشان داد.

حتی حفظ بافت‌های تاریخی و سنتی در شهرهای ایران نیز نوعی تضاد را که جزو معیار زیبایی شناسی است، نشان می‌دهد. از این‌رو حفظ و نگه داری این گونه بناها جزو فعالیت‌های ارزنده در ارتباط با زیبایی شناسی می باشد.

پس از اینکه در مورد ارزش‌های کلاسیک زیبا شناسی بحث شد، در ادامه به **ارزش‌های زیباشناسی جدید** اشاره می کنیم.

ابهام[9]

منظور از ابهام این است که همه ویژگی‌ها و کیفیات یک اثر در نگاه اول به احساس و ادراک نیاید و به بیانی دیگریک اثر، معمولی و مانند سایرین نباشد، بلکه در پس این ظواهر، معنایی نیز نهفته باشد که برای بیننده تازگی داشته باشد.

کوچه پس کوچه‌های شهرهای قدیمی ممکن است جواب‌گوی نیازهای زندگی امروزی نباشد ، اما در آنها ابهامی وجود دارد که آنها را از خیابان‌های شطرنجی و مدرن امروز متمایز می‌کند (تصویری از کوچه های قدیمی کاشان).



[9] Ambiguity

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

کوچه پس کوچه های قدیمی که دارای ابهام می باشند. عکاس ؛ ایرج تیموری

بخاطر مفاهیم و ارزش‌های دینی مساله ابهام، نمود زیادی را در شهرهای ایران داشته است . سادگی، دوری از غرور و تکبر و فخر فروشی ، توجه به همنوع و... از جمله تعالیم دینی بوده اند که سبب بوجود آمدن ابهام در پس بناهاو شهرهای کشورمان شده اند.

پیچیدگی[۱۰]

دوری از ابتذال و وضوح بیش از اندازه را پیچیدگی می گویندکه با ابهام قرابت زیادی دارد . رابرت ونتوری ، اولین کسی است که این بحث را مطرح کرده است.او معماری لوکوربوزیه را ساده خوانده و برخلاف **میس وندر** شعار هرچه کمتر ملال آورتر را بیان نمود .به عقیده او معماری مدرنیسم پیچیدگی‌های جالب توجه و مطلوب معماری گذشته را زایل ساخته بود (مزینی ، 77، 111).

می‌توان فضایی از شهر مانند میدان را مثال زد. میدان به خودی خود، شکل هندسی داشته و عریان می باشد .تاثیر بصری میدان در صورتی زیاد خواهد شد که با استفاده از اثاثیه شهری و کاربری‌های همسان مانند محل بازی کودکان و محل نشستن پیرمردان ، آراسته شود. در واقع اینکه از کاربری‌های سازگار و مبلمان شهری در آرایش یک فضای صرفا کالبدی استفاده شود، سبب خواهد شد که آن عنصر دارای پیچیدگی گردد.

شگفتی[۱۱]

این واژه به دو واژه ابهام و پیچیدگی نزدیک است؛ ولی عینا با آنها یکی نمی باشد .این واژه عبارت از شادی غیر مترقبه‌ای است از دیدن یا شنیدن چیزی که قبلاً انتظار آن وجود نداشته است . یک ساختمان ممکن است ظاهری ساده داشته باشد، اما همین که شخص به درون آن وارد شود، فضاهای گشوده ، سالن‌های مجلل، گچ کاری‌های مفصل و جزئیات تزئینی دیگر خارج از انتظار خود را در برابر دیدگان وی بگشایند(همان، 11). نمونه بارز این شگفتی را می

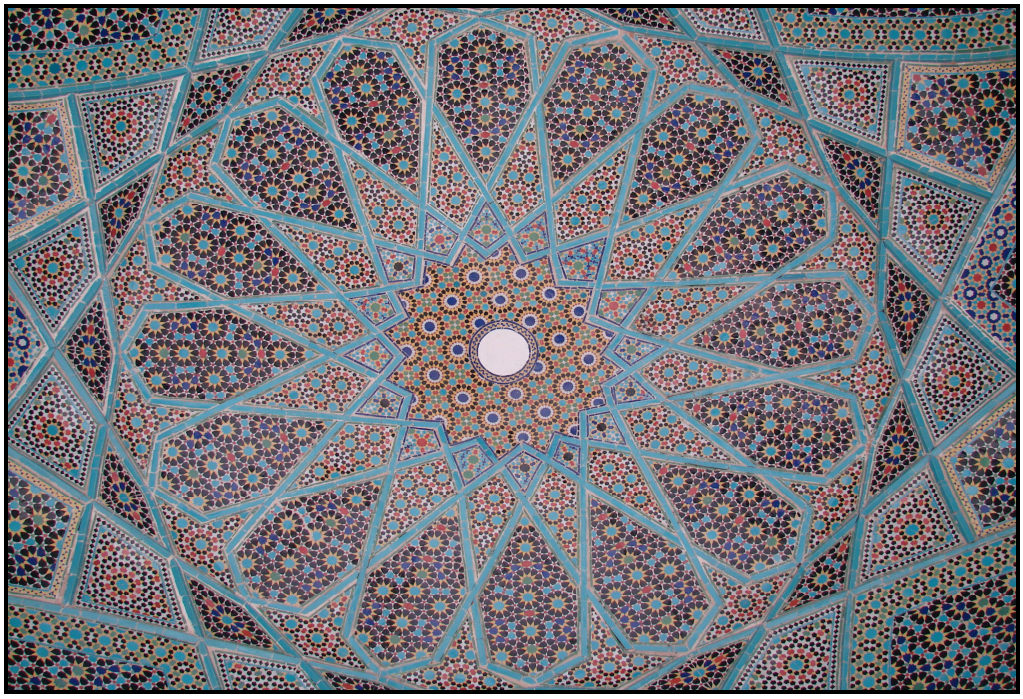
[10] Complexity

[11] Surprise

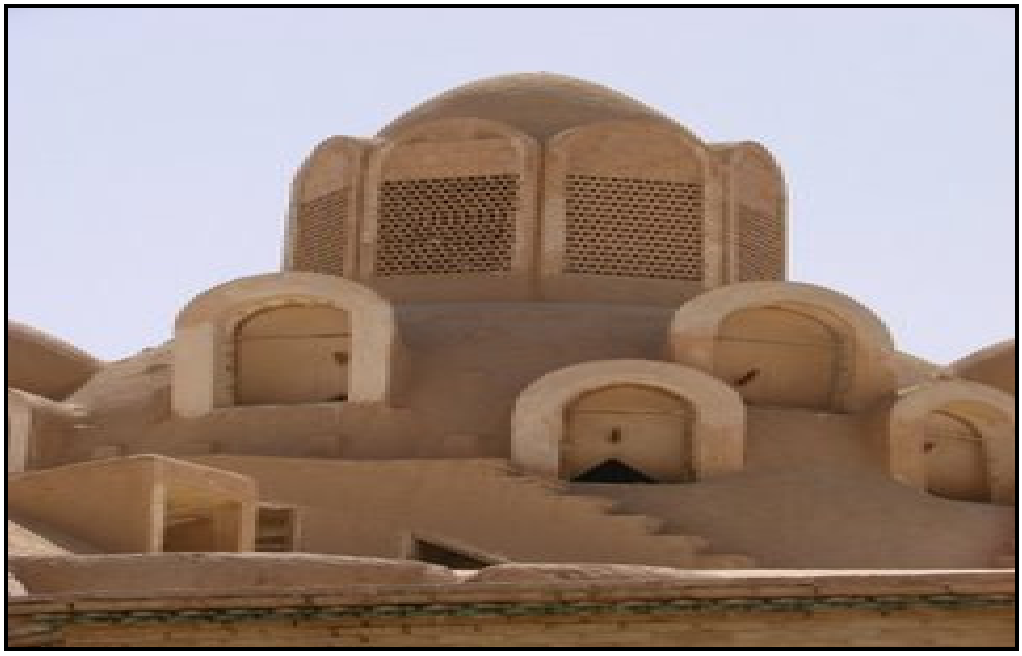
shahrsazi novin

NovinShahrsaz

توان در خانه بروجردی‌ها در کاشان مشاهده نمود . فضای درون و بیرون بنا، دنیای متفاوتی دارد (تصویر خانه بروجردی‌ها) .



شگفتی موجود در گچبری‌های سنتی در معماری ایران



بادگیرخانه بروجردی‌ها ، کاشان

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

علاوه بر معیارهای پیش گفته، می‌توان به معیارهای دیگری مانند **تشبیه**[۱۲]، **اشاره و استعاره**[۱۳]، **اضداد**[۱۴] اشاره نمود .

زیبایی شناسی	معیارهای کلاسیک	خلاقیت و نو آوری	موضوعی تازه که نظر هنرمند را به خود جلب می‌کند و او قادر است این خلاقیت را با زبان هنر بیان نموده و تبین کند.	میدان نقش جهان
		ترکیب	ترتیب به کاربردن درست اجزا در معماری و شهرسازی	مسجد امام در نقش جهان
		وحدت و هماهنگی و توازن	کل واحدی که اجزای آن نسبت به همدیگر متوازن بوده و از هماهنگی برخوردار باشد	شهرهای ایرانی اسلامی - یزد
		ریتم	توالی و تکرار یک عامل بطور تناوبی	پل خواجو
		شفافیت	شهر هنگامی شفاف است که هویت و ویژگی آن قابل تشخیص برای همگان باشد	شهرهای ایران قبل از دوره مدرنیته
		تضاد	تاکید بر نکته ای و ایجاد تاثیر بیشتر	کاشت درختان خشکیده در میان فضای سبز
	معیارهای مدرن	ابهام	نهفته بودن معانی در پس ظواهر	کوچه پس کوچه های شهرهای سنتی
		پیچیدگی	دوری از ابتذال و وضوح بیش از اندازه	میادین شهرهای قدیمی
		شگفتی	شادی غیر منتظره که در اثر دیدن یک شی یا اثر بوجود می آید	خانه بروجردیها

[12] simile
[13] Metaphor
[14] Oxymoron

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

		اشاره ، استعاره، اضداد	بیان مفاهیم و معانی ، اشاره و یاد آوری خاطرات گذشتگان و...	نمادهای یادبود

زیبایی چیست ؟

زیبایی، موضوع، مفهوم و یا حقیقتی است که تمایل انسان به آن با خمیرهٔ او سرشته شده و بنا به تعبیر علامه طباطبائی، انسان مشهور به حب جمیل است. قدیم‌ترین آثار فلاسفه ، زیبایی را به همراه حقیقت و خوبی سه اصل جهانی مورد علاقه و احترام جملگی انسان‌ها معرفی می نمایند(نقی زاده ، 1382، 66).

البته لازم به ذکر است که زیبایی در برابر زشتی معنا می یابد. در واقع این در طبیعت است که زیبایی در برابر زشتی ، خوبی در برابر بدی و غیره قرار می گیرد، یعنی اگر زشتی نباشد زیبایی معنائی نخواهد داشت و همه چیز بدون مفهوم خواهد بود .

ادراک زیبایی تا حدودی یک امر ذهنی تلقی می شود .یعنی اینکه زیبایی ، کیفیت یک پدیده عینی و مستقل از ادراک کننده آن نیست. بلکه ارزشی است که از سوی فرد ناظر به یک وجود عینی مانند یک منظره طبیعی ، یک بنا ، یک پرده نقاشی ، یک تندیس ، یک شعر ، یک موسیقی افزوده می شود .بنابراین اینکه چه چیزی زیبا و چه چیزی زشت است ، به عقیده فرد بستگی دارد. اما شباهت عقل جمعی و گرایش مردمانی با تمدن واحد و اصول و روش آموزش یکسان برای تفکر یکسان و یک شکل که به اتفاق نظر و داوری یکسان در باره زیبایی شناسی می انجامد ، سبب شده که برخی از فیلسوفان قایل به عینیت زیبایی شوند. این امر (عینیت زیبایی) اهمیت زیادی در برنامه ریزی و طراحی شهر دارد (مهدیزاده ، 85، 28).

"دریافت زیبایی در چیزها، به نخستین مرحله ادراک یعنی پیش از آنکه فایده یا اهمیت معرفتی آنها معلوم شود ، بستگی دارد .به همین دلیل در یک بنا ، قبل از آنکه دانسته شود که کلیسا یا کارخانه است ، باعث احساس خوشایندی یا ناخوشایندی می گردد، اما در بسیاری از آثار برگزیدهٔ هنری ، به ویژه در شعر ، موسیقی ، معماری ، نقاشی انتزاعی و مجسمه سازی ، دو جنبه موضوع و شکل ، چنان در هم آمیخته و یکپارچه است که تفکیک آنها از یکدیگر آسان نیست .این وجه تمایز از نظر زیبایی شناس یا معمار و برنامه ریز شهری اهمیت بسیار دارد " (همان ، 29).

جا دارد که **نظریه زیبایی شناختی مارکوزه** نیز در اینجا بیان گردد .

" هنر برای نمایندگان مکتب فرانکفورت واقعیتی دوسویه است ، هرچند در تضاد با جامعه قرار م گیرد، اما می‌کوشد با جای گرفتن در بطن جامعه تناقض‌هایش را بهتر بیان کند. در این

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

تلاش هنر از خود بی طرفی نشان نمی‌دهد؛ بلکه برعکس با نفی استیلای اجتماعی ، دلبستگی مشروع را به سعادت آینده و رهایی انسان نمایان می سازد .البته ممکن است که این دلبستگی ، نظم اجتماعی حاکم شده و نمودهنری تا حدگرته‌برداری تائیدگرایانه (copied affirmative) از زمان حال تنزل کند[۱۵]".

رویکرد مارکوزه به بعد زیبایی شناختی هنر ، آن را در نقطه مقابل تک بعدی بودن جامعه و فرهنگ انبوه قرار می‌دهد. از نظر مارکوزه هنر نه تنها چیزی بیش از نفی صرف است؛ بلکه وجه اثبات رهایی و آزادی نیز محسوب می‌گردد. حتی صورت بندی زیبایی شناسانه نیز در بستر این وجه دوگانه‌ی دیالکتیکی محقق می شود .

اندیشه زیبایی ، بارها در جنبش های مترقی به صورت جنبه ای از بازسازی طبیعت و جامعه پدیدار شده است؛ اما منابع این نیروی بالقوه قاطع ، کجاست و در چیست؟ نخست باید آن را در کیفیت شهوانی زیبایی دید، کیفیتی که به رغم همه‌ی دگرگونی‌هایی که در زمینه داوری ذوقی روی داده ، هم چنان پایدار مانده است . اثر هنری، تصاویر رهایی بخشی را زنده می کند که در آن ها مرگ و نابودی در تسلط خواست زندگی هستند[16].

مارکوزه در پیش گفتار رساله " بعد زیبایی شناختی " ضمن تاکید بر تمایز قرائت خود از هنر با قرائت مارکسیسم ارتدوکس از آن ، اظهار می دارد که هدف رساله‌ی وی " کمک به درک زیبایی شناسی مارکسیستی از طریق زیر سوال بردن گرایش‌های حاکم بر آن است". "وی منظور از ارتدوکسی را نیز تفسیر کیفیت و حقیقت اثر هنری تنها بر حسب مناسبات تولیدی موجود می‌داند .یعنی تفسیری انتزاعی و تک سویه که از دید آن هر اثر هنری صرفا نماینده یا بیانگر منافع و جهان بینی طبقات خاص اجتماعی است . او هنر را دربستر مناسبات اجتماعی موجود بررسی می کند؛ اما بر خلاف زیبایی شناسی مارکسیستی رسمی ، توان‌مندی سیاسی هنر را در خود هنر ، یعنی در همان شکل زیبایی شناختی آن می‌بیند. لذا قائل به رابطه‌ی غیر مستقیم هنر با پراکسیس است و آن هنر را موثرتر می‌داند : هرچه اثری هنری بی واسطه تر و مستقیم تر سیاسی باشد، اثر فاصله گذاری و بیگانه نمایی را کمتر می‌کند و اهداف متعالی و بنیادی هنر را جهت ایجاد دگرگونی بیشتر از دست می دهد .

بدین ترتیب مارکوزه، روبنای هنر را ایدوئولوژی تلقی کرده و تنها بر خصلت طبقاتی آن تاکید

---

[15] کوسه،ایو وابه،استفن(۱۳۸۵) واژگان مکتب فرانکفورت،افشین جهاندیده،تهران:نی ص ۹۴.

[16] نوذری، حسینعلی (۱۳۸۶) نظریه انتقادی مکتب فرانکفورت در علوم اجتماعی و انسانی،تهران، آگه،ص۱۰۷.

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

دارد و بین آن (به عنوان وجهی از روبنا) و مناسبات تولید رابطه ای مشخص قایل است که در پی تغییر مناسبات تولید، هنر نیز به مثابه بخشی از روبنا دستخوش تغییر می گردد . وی اعلام می دارد این نوع نگرش " نتایج زیان باری برای زیبایی شناسی به بار آورده است .

بنابراین هنر به ابزاری برای خدمت به اعمال سیاسی صرف تبدیل می گردد و قلمرویی پدید می آید که در آن ذهنیت از حیث اعتبار تهی می گردد و تنها وجهی که بر هنر حاکم می‌شود، مناسبات طبقاتی و آگاهی طبقاتی است (بتدریج هرگونه ذهنیت خودآگاه و ناخودآگاه فردی و اجتماعی را در خود مستحیل می کند). مارکوزه این فرضیه را قبول ندارد که اصالت یک اثر هنری را باید درآن دید که مدافع مصالح و منافع چه طبقه‌ای است و در خدمت آرمان‌ها و اهداف کدام طبقه قرار دارد :" این امر که یک اثر هنری به راستی نمودار منافع و جهان بینی پرولتاریا یا بورژوازی است، دلیلی بر اصیل بودن آن اثر نیست. این ویژگی مادی ممکن است درک و دریافت آن را آسان کند، ممکن است کیفیت انضمامی بیشتری بدان ببخشد؛ ولی تعیین کننده خوبی با اصالت اثر نیست .جامعیت هنر را نمی‌توان بر پایه جهان و جهان بینی یک طبقه خاص بنیاد نهاد؛ چرا که چشم داشت هنر به یک کل انضمامی ، یعنی بشریت است ، کلی که هیچ طبقه‌ای خاصی قادر به تملک آن نیست.

بنیاد ذهنی جامعه بی طبقه این است : پیدایش افراد بشر به مثابه هستی های نوع انسانی ، یعنی مردان و زنانی که قادرند در آن اجتماع ، زندگی کنند. تحقق این امر متضمن پدیدآوردن تغییر شکل بنیادین در نیازهای افراد بشر است، یعنی مستلزم تحولی اندام وار (ارگانیک) در امور اجتماعی – تاریخی . همبستگی اجتماعی اگر ریشه در ساختار غریزی افراد جامعه نداشته باشد، سست بنیاد است".

مارکوزه در عین حال با حرکت از محتوای زیبایی شناختی هنر و رفتن به سمت تعریف " فرم" آن، برای هنر کار معینی تعریف می‌کند وی فرم " زیبایی شناختی" را نتیجه‌ی تغییر شکل محتوایی معین به کلیتی خودکفا می‌داند . مارکوزه بر این مبنا وظیفه‌ی انتقادی هنر و سهم آن در مبارزه برای آزادی را نیز شکل زیبایی شناسی آن می‌داند .لذا به اعتقاد وی هنر در شکل جدیدی سر بر می‌آورد که طی آن جهان افسانه‌ای و تخیلی به صورت واقعیت حقیقی جلوه می‌کند .بدین ترتیب بر خلاف نظر منتقدان که مارکوزه را متهم به ذهنیت گرایی محض و تهی ساختن هنر از ارزش‌ها و جهت گیری‌های انقلابی ساخته اند ، مارکوزه به صراحت بر ماهیت چالش گرانه‌ی هنر تاکید می‌ورزد : هنر به آن ادراکی از جهان معترض است که افراد آدمی را از موجودیت و نقش اجتماعی شان بیگانه می سازد . بدین ترتیب نظریه‌ای که مارکوزه درباره‌ی هنر ارائه می دهد، هم

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

متضمن کیفیات معترضانه و پویش درونی رادیکال هنر علیه واقعیت های مستقر موجود است و هم تجلی و تجسم تصویری زیبا از آزادی ؛ در قلمرویی که رسالت هنر در آن عبارت از دگرگون ساختن امور واقع و کشف دنیایی در واقعیت موجود مسخ گشته است.

او حتی از این بحث ها نیز فراتر رفته و با صراحت مقولاتی چون سعادت ، شادی ، حیات نیک و زیبایی را اسامی دیگر " یوتوپیا" می‌داند ، آرمان شهری که به اعتقاد وی به واسطه‌ی حضور سه عامل مهم از تحقق و ایجاد آن ممانعات به عمل آمده است:

۱. خرد ستیزی ساختار قدرت حاکم ، از طریق شیوه های تولیدی و تکنولوژیکی
۲. رسانه های گروهی و فرهنگ انبوه که نه تنها به تثبیت ، تقویت و توجیه وضع موجود می پردازند ، بلکه موجب انحراف اذهان عمومی از سرکوب و سلطه می گردند.
۳. ترکیب روان شناختی اکثر افراد که از نظام اقتصاد کمیابی و طبقه اجتماعی از طریق اصل اجرا و سرکوب افزوده شکل می گیرد .

بدین ترتیب آزادی در جامعه‌ی سرمایه داری صنعتی و پیشرفته با موانع متعددی روبرو می شود. موانعی که در اشکال و قالب های مختلف اقتصاد، سیاست ، ایدوئولوژی ، هنر ، فرهنگ ، رسانه های جمعی و.....سر برمی آورند .

پروژه های وسیع و فراگیر و رسانه های جمعی در صدد اشاعه و درونی ساختن نیازها و آگاهی کاذب در سطحی بسیار گسترده و در تمامی ابعاد فردی و عمومی جامعه است . مارکوزه در کتاب " انسان تک ساحتی " تاکید می ورزد که حتی ساحت زیبایی شناختی نیز در اثر فعالیت مخرب رسانه های جمعی از هستی تهی می‌گردد و در نتیجه آثار فرهنگ روشنفکری نیز دچار از خود بیگانگی شده و به صورت کالاها و خدمات عرضه می‌گردند . رسانه های گروهی نه تنها مسئول اشاعه و ترویج فرهنگ انبوه هستند؛ بلکه آثار عظیم و شاهکارهای " فرهنگ والا " را نیز به خدمت می‌گیرند. این فرایندهای استحاله‌ی تدریجی فرهنگ دوبعدی، نه از طریق انکار و نفی ارزش‌های فرهنگی بلکه با ادغام آنها در نظم غالب از طریق بازتولید و عرضه‌ی آنها در مقیاس انبوه صورت می گیرد. در نتیجه با ایجاد شکاف و تجزیه در فرهنگ والا ، ارزش انتقادی از آنها سلب گشته و به گونه ای بی ضرر در معرض باز تولید انبوه قرار خواهند گرفت.

زیبایی شناسی

زیبایی شناسی در لغت به معنای شناختن زیبایی و رشته‌ای است از روانشناسی. هدف زیبایی شناسی، شناسانیدن جمال و هنر است و دربارهٔ مجموعهٔ احساسات درونی و زیبایی و زشتی و هزل

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

و فکاهت و غیره گفتگو می‌کنند ، علم الجمال (دهخدا (آمده است) نقی زاده ،۸۲، 66).

مباحث مربوط به ادارک و مراتب آن در میان عرفا و حکمای مسلمان از سابقه‌ای طولانی برخوردار است .حکمای مسلمان مراتب ادراک زیبایی را متناسب با مراتب وجود دانسته، زیبایی عالم محسوسات را که مربوط به پائین ترین مرتبه وجود (طبیعت) است، به عنوان نازل‌ترین مرتبه درک (احساس) می‌دانند . با مشاهده و درک این زیبایی ، انسان باید متوجه مراتب عالی‌تر زیبایی و از جمله خالق زیبایی گردد . در حقیقت اگر چشم و گوش و پوست و سایر حواس زیبایی های ظاهری را درک می کنند ، بصیرت و نظر و معرفت و شهود و مکاشفه هستند که با تربیت و ممارست باید مراتب بالاتر زیبایی را ادراک و فهم نمایند که این مراتب با چشم دل و قلب قابل درک است.

بهرهٔ هر چیز زیبا به اندازه ارتباطی است که با جمال و زیبایی مطلق دارد و به عبارتی زیبایی هر چیز به اندازه ای است که توانسته جمال و زیبایی مطلق را متجلی سازد .

زیبایی شناسی به دریافت تناسبات هندسی و رنگ‌ها و اشکال و حدود ظاهری و منافع و لذت مادی یک منظر برای انسان منحصر نمی‌گردد ، بلکه فراتر از آن به مکاشفه زیبایی معنوی و آن گونه که از فحوای کلام حکما بر می آید، لذت معنوی و بهجت و سرور روحی و معنوی را نیز شامل می شود.

در مورد مراتب مختلف زیبایی که در محیط و منظر طراحی شده می توانند ظهور یابند نیز می توان گفت که هر مرتبه‌ای از زیبایی به معیارهای انسان ، به تعریف او از زیبایی و به ساحتی از حیات که بر آن متوجه و متمرکز است، بستگی دارد که در مجموع به زیبایی شناسی تعبیر می شود . بنابراین زیبایی شناسی به ادارک انسان از آنچه که احساس می‌کند می پردازد (نقی زاده ، 1382، 68).

بررسی عقاید و دیدگاه‌های شهرسازان بزرگ دنیا کمک خواهد نمود تا از نحوه برخورد آنها با شهر آگاهی کاملی داشته باشیم .نحوه برخورد با شهر و مسایل آن در میان شهرسازان و طراحان شهری علاوه بر سایر جوانب ، بر اساس اصول زیبایی شناسی نیز بوده است .

شهرسازان متعددی در مورد طراحی شهری که عاملی اساسی برای سیمای شهر محسوب می شود، نظر داده اند که در اینجا به برخی موارد اشاره می کنیم :

جان راسکین (1818 -1900)

راسکین، حقوقدان انگلیسی بود که با روی آوردن به هنر ، ابتدا به نقد فلسفه هنر پرداخت و

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

سپس به فلسفه اجتماعی روی آورد .مطالعات عمیق راسکین به او ثابت کرد که هنر و آثار هنری (در اینجا می‌توان به مناظر شهری به عنوان آثار هنری نگاه کرد) به طور چشمگیری از عوامل اقتصادی و اجتماعی تاثیر می پذیرد (همان جمله معروف مرحوم دکتر حسین شکوئی که **سرمایه و قدرت** را **معمار مسلم فضا** می‌داند). راسکین، علت انحطاط هنر زمان خویش را در وضعیت اقتصادی – اجتماعی دوران صنعتی می بیند و در این مورد روابط و ، تولید صنعتی را مقصر می‌داند(حناچی ، 1378، 47). راسکین با دیدی کاملا هجران زده به گذشته و با الهام از گذشته سعی بر آن داشت تا تحولی اساسی در اندیشه‌ی فرهنگی مردم ایجاد کند. معروف ترین اثر راسکین کتاب **هفت مشعل معماری** است که در سال 1847انتشار یافت. وی در این کتاب معتقد است معماری دارای مشعل‌هایی به قرار زیر است :

- **حقیقت** : هنر ساختن ، حقیقتی آسمانی و معنویی که باید بدان پی برد .
- **ایثار (فداکاری)** : در تبدیل حقیقت به واقعیت و وجود به موجود ، اعتلایی ازلی-ابدی نهفته است که هنر ساختن را به امری آیینی و تشریعی تبدیل می‌کند که در آن نام و نشانی از سازنده نیست .
- **قدرت** : ساختن، نیازمند قدرت است که باید از آن بهره جست .
- **زندگی** : ساختن یعنی حیات بخشیدن و جاودانی کردن حیات انسانی.
- **زیبایی** : از آن جا که حقیقت زیباست ، انعکاس آن در واقعیت نیز سبب زیبایی خواهد شد.
- **اطاعت** : هنر ساختن یعنی احترام گذاشتن به سنت ها ، تبعیت از آنها و تبدیل آنها به سنت‌های جدید.

راسکین با اقدامات خود پایه گذار دو نظریه‌ی عمده در شهرسازی می شود. این دو نظریه که شامل نظریه **منظر سازی** و **نظم اندام‌واره یا سازمند** می باشد ، به شرح زیر است :

الف. نظریه منظر سازی :در این نظریه ، شهرها و بافت‌های تاریخی مربوط به آنها در محیط طبیعی زیبایی قرار گرفته اند که بنا به گفته‌ی راسکین به یکباره خلق نشده اند ، بلکه از تعامل فضای انسان ساخت و فضای طبیعی به وجود آمده اند .

ب . نظم انداموار یا سازمند :به عقیده‌ی راسکین ، آنچه باعث زیبایی بافت‌های کهن شهری شده است، برخوردار بودن آنها از یک نظم انداموار است . این نظم از قدرت خلاقه‌ی انسان و هستی سرچشمه گرفته است که هر چه پیشرفته تر باشد ، نشان دهنده‌ی هوش برتر انسان است

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

و بالعکس هرچه به نظم صنعتی نزدیک‌تر باشد ، نشان دهنده‌ی از یاد رفتن هنر ساختن است(حبیبی ، 1381، 37).

به نظر راسکین، هنر عبارت است از بروز یک حقیقت برتر است که حقیقت یک جامعه را نیز بیان می‌کند: هنر یک کشور، فضیلت‌های سیاسی و اجتماعی آن کشور را بیان می‌کند .جامعه کلیت انداموارە ای است که همه‌ی مظاهر آن با یکدیگر در ارتباط بوده و جدائی ناپذیرند .

نقد معماری معاصر به ناچار راسکین را به نقد جامعه‌ی ویکتوریائی ، از هم گسیخته و ناموزون ، وا می‌دارد. نبود معماری و آمایش شهری، انعکاسی است از یک وضعیت عام . راسکین نتایج نظام صنعتی و زوال کار انسانی را بی رحمانه تحلیل می‌کند ، نیروی کار انسانی که بر مفاهیم سود و تولید جهت داده شده است ، از اینکه مکمل یک عملکرد حیاتی باشد، بازمانده است(حبیبی ، 1375، 154).

اصول کلی که راسکین در معماری و طراحی شهر بر آنها تاکید می کرد، بشرح زیر می باشد :

- تنوع
- ارتباط و هماهنگی اجزا با همدیگر
- تکرار ناپذیری
- بی تقارنی
- الگوی خیابان‌های قرون وسطائی
- گرایش

(برای مطالعه بیشتر ر.ک : حبیبی ، محسن:شهرسازی ، تخیلات و واقعیات ، دانشگاه تهران ، 1375)

ویلیام موریس 1834-1896

ویلیام موریس می‌گوید که راسکین استاد معنوی او بود ، اما او تاکید می‌کند که" این امر قبل از آنی است که من یک سوسیالیست مبارز شده باشم" . در تقابل با راسکین محافظه کار ، موریس جهان بینی فرهنگ گرا و هجران زده ای را به طبقات زحمتکش عرضه می‌دارد ، طبقاتی که برای موریس نیروهای نو و واقعی جامعه را شکل می دادند .

برای موریس، کار خوب بیان یک فرهنگ کامل است ، فرهنگی که هرگاه اندوخته‌ی ویژه‌ی طبقه‌ی زحمتکش نباشد، بی معناست. مبدأ هنر، مردم است. حال آنکه امروزه ، این طبقه در کار تباه کردن نظام صنعتی از خویش بیگانه گشته است و آزادی او ضروری است. او اصولی را به عنوان

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

اصول زیبا سازی در شهرها مطرح می‌کند که به طور کلی به شرح زیر می باشد :

۱. بازگشت به شهر قرون وسطائی : اکنون می دانیم که در قرون وسطی ، کلبه‌ی روستایی و کلیسای بزرگ بنابر یک سبک بنا می شدند و از تزئیناتی همسان پوشیده می شدند؛ ابعاد و در مواردی خاص مصالح ، تنها وجوه تمایز بین بناهای ساده و ساختمان‌های با اهمیت بودند . تنها در زمانی که این نوع زیبایی در شهرهایمان از نو مستقر گردند ، ما به طور واقعی و از نو یک مکتب معماری خواهیم داشت؛ زمانی که هر دکان کوچک بقالی محله‌هایمان و هر سایبانی به طور طبیعی با مقصود خویش وفق داده شده و مزین به زیبایی باشد .

۲. صنعت و صنعت دستی :تفاوت ماهوی هنر قدیم و جدید فقر ما را تبیین کرده و ما را به آخرین پرسش راهبر می شود ، چگونه می توان این افلاس را بهبود بخشید ؟ صنعت دستی قدیمی ، در نفس خویش و تا قبل از رنسانس کاری هوشمندانه را در بر داشت .هنر مردمی هنری است که از اشتراک اذهان ، سرشت‌ها و استعدادهای متفاوت زائیده شده و در آن هر کس بدون از دست دادن فردیت خویش ، وابسته به فعالیت خویش و فعالیت اجتماع است. این هنر غیر قابل ارزش گذاری بوده و فقدان آن جبران ناپذیر است. کار هوشمندانه امری لذت آور می بود، نه امری ملال آور و منحط . محصول کار ناهوشمندانه (منظور صنایع مدرن که در تولید آنها دست کمترین نقش را دارد) چون شبحی از هنر ملال انگیز است، کاری غیر انسانی ، رنج آور و منحط است. این امر درست و عادی است؛ چراکه محصول آن تنها و تنها زشتی است.

۳. شهرهای بزرگ: شهرهای بزرگ شما ؟ با آنها چکار می کنید ؟ لندن آنچنانکه من خوانده ام ، بابل نو عصر تمدن می بود ، به نظر می رسد که ناپدید شده است .

۴ . بسیار محدود و متراکم

۵. ارزش شهرهای کوچک: به عکس شهرهای بزرگ در شهرهای کوچک کمتر ابهام داشته ایم. از شهرهای کوچک است که می توانیم های بهتر بدست آوریم .

۶. بازگشت به روستا

۷. حذف تفاوت بین شهر و روستا

۸. شادی

۹. اندوخته های طبیعت

مواردی که از آثار راسکین و موریس در اینجا بحث گردید در الگوی پیش شهرسازی فرهنگ گرا طبقه بندی شده است (حبیبی ، 1375، 17). در اواخر قرن نوزده نیز در نزد ابنزر هوارد پدر

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

– باغ شهر نیز این قبیل تفکرات دیده می شود .

نقطه‌ی عزیمت انتقادی این بینش در مورد شهر ، دیگر شرایط و موقعیت فرد شهری نبوده ، بلکه موقعیت گروه انسانی است. در این بینش، فرد آنچنان‌که در الگوی ترقی‌گرا منظور شده، واحدی در خود دگرگون پذیر نیست. به عکس الگوی مترقی ، در این بینش هر یک از اعضای اجتماع بنابر خصوصیات و اصالت خاص خود عنصری جایگزین ناپذیرند. رسوایی تاریخی که طرفداران الگوی فرهنگ گرا از نقد بر آن بهره جستند ، نابودی وحدت کهن و انداموارە شهر تحت فشار شدید صنعتی شدن است .

این تصویر هجران زده‌ای که در مفاهیم هگلی ، می توان آن را کلیت زیبای از دست رفته نامید ، به میزان قابل توجهی از توسعه‌ی تحقیقات تاریخی و باستان شناسی که همزاد رمانتیسم است ، تغذیه می شود. در انگلستان پیشنهادهای راسکین و موریس بر سنت اندیشه‌ای تکیه می‌کند که از اوایل قرن ، اثرات تمدن صنعتی را در قیاس با گذشته نقد و بررسی کرده اند .بدین گونه مجموعه ای از مفاهیم دو به دو در تقابل قرار گرفته اند : ارگانیک و مکانیک ؛ چونی و چندی ؛ مشارکت و بی تفاوتی .

ویژگی‌های اصلی شهر در الگوی فرهنگ گرا بدین قرار می باشد :

۱. رجعت به گذشته
۲. تقدم نیازهای معنوی بر نیازهای مادی
۳. محدوده ی مشخص شهر
۴. حفظ حالت وحشی طبیعت در شهرها
۵. بی پیرایگی
۶. شهرهای کوچک
۷. عدم هندسه گرایی (به دور بناهای ادینبورگی خود بگردید ، شطرنجی و باز شطرنجی ، همیشه شطرنجی ، برهوتی از شطرنج ، این شطرنج ها زندان‌های تن نیست ، بلکه گورهای روان و روح می باشند).
۸. بی ترتیبی و بی تقارنی به عنوان نشانه نظمی اندامواره

در این الگو، زیبایی شناختی به اندازه‌ی رعایت بهداشت در الگوی ترقی گرا اهمیت داشته است.

۹. بخش قابل ملاحظه ای از خصایص پایه‌ای زیبایی ، وابسته به بروز نیروهای حیاتی موجود در اشیاء ارگانیکی بوده و یا تحت تسلط این نیروی طبیعتاً منفصل و ناتوان قرار دارد. زشتی گسترش

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

یافته به وسیله جامعه صنعتی، نتیجه یک روند مرگ آور و نوعی از هم گسیختگی ناشی از افلاس فرهنگی است. با چنین امری می توان تنها با مجموعه ای از معیارهای جمعی مبارزه کرد که از این جمله بخصوص ، بازگشت به مفهوم هنر الهام یافته از تحقیق در قرون وسطی ، خود را تحمیل می‌کند .این هنر چون برترین تائید یک فرهنگ است به سنت وابسته است و جز از طریق صنایع دستی نمی تواند توسعه یابد .

۱۰. در زمینه ساختمان سازی ، نه نمونه ای موجود است و نه معیار و ضابطه ای وجود دارد . هر بنایی می باید از دیگر بناها با بیان ویژه ی خویش متمایز باشد .

۱۱. از نظر سیاسی ، اندیشه‌ی اجتماع و روح جمعی به جمع بندی‌های دموکراتیک ختم می شود .

ارزش‌های زیبایی شناسی در الگوی پیش شهرسازان فرهنگ گرا

زیبایی شناسی از دیدگاه پیش شهرسازان فرهنگ گرا	رجعت به گذشته	استفاده از الگوها و طرح‌های بکار رفته در معماری و شهرسازی قرون وسطائی
	تقدم نیازهای معنوی بر نیازهای مادی	محوریت انسان در طرح ها و برنامه های معماری و شهرسازی
	محدوده مشخص شهر	مخالفت با توسعه بی رویه شهرها در اراضی پیرامون
	حفظ حالت وحشی طبیعت در شهرها	منظر ساری منطبق با طبیعت پیرامون شهرها
	بی پیرایگی	دوری از آرایش ها و ظواهر زائد
	شهرهای کوچک	تاکید بر شهرهای کوچک به عنوان بستر توسعه و تحول
	بی ترتیبی و بی تقارنی	عدم تاکید بر هندسه گرائی صرف و روی آوردن به الگوهای ارگانیک
	تاکید بر هنر قرون وسطائی به عنوان برترین هنر	هنر برترین تاکید یک فرهنگ می باشد و به سنت وابسته است.

زیبایی شهر ، طراحی شهر از دیدگاه پیش شهرسازان ترقی گرا

آوئن ، فوریه ریچارد سن ، کابه و پرودون ، اشخاصی هستند که از آثار آنها می توان این

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

الگو را معنا کرد. به گمان اینان مسائل ناشی از رابطه‌ی انسان با جهان و بین خودشان را نوعی خرد گرایی ، علم و فن می تواند حل کند .

کونسیدران بی هیچ ابهامی مساله را مطرح می‌کند : انسان با نیازهایش ، با سلیقه هایش و با تمایل هایش و آنچه به آنها وابسته است ، شرایط مجموعه ای از نظام ساختمانی را تعیین می‌کند که بیشتر با طبیعت او سازگار است .بدین گونه ما به راه حل مساله‌ی مهم و زیبای **معماری انسانی** دست پیدا می‌کنیم .آن معماری که بنابر احتیاجات اندام انسان محاسبه شده ، به مجموعه‌ی نیازها و امیال انسان پاسخ گفته و با منطق ریاضی با نیازهای مهم و اساسی ساختمان کالبدی او مطابقت دارد . به عبارت دیگر تحلیل خردگرایانه اجازه خواهد داد تا تعریفی از نوعی نظم –گونه به دست داده شود که در هر گروه اجتماعی ، هر زمان و هر مکانی قابل اجراست . برای این نظم می توان تعداد مشخصی از خصوصیات را باز شناخت .

پیش از هر چیز فضای شهری این الگو ، باز و پر از عرصه های سبز و خالی است که ضرورت رعایت بهداشت اجتماع آن را الزام می‌کند .

در دومین رده، فضای شهر ، بنابر تحلیلی از عملکردهای انسانی ، قطعه قطعه شده است .یک طبقه بندی دقیق ، کاربری های مسکن ، کار ، آموزش و اوقات فراغت را در مکان‌های متمایز قرار می دهد. این منطق عملکردی می باید به وضعیتی ساده که فوراً نظر را جلب و اقناع کند ،ترجمه شود. در نظام و مجموعه اصطلاحات فوریه شهرهای عصر ششم ، اصطلاحاً تضامنی بر مبنای دید گرایی به نظم در آمده اند .

این ارج نهادن به احساس بینایی ، به اندازه‌ی کافی نقش زیبایی شناسی را در مفهوم نظم ترقی گرا نشان می‌دهد. به هر حال باید بر استحکام این زیبایی شناسی تأکید کرد ، چون در آن منطق و زیبایی باهم در هماهنگی هستند. شهر ترقی گرا ، برای آنکه انحصاراً از قوانین هندسه‌ی طبیعی تبعیت می‌کند، همه میراث های گذشته را مردود می‌داند .

ارزش‌های زیبایی شناسی از دیدگاه پیش شهرسازان ترقی گرا

پیش شهرسازان ترقی گرا	معماری بنابر احتیاجات اندام انسان با منطق ریاضی	استاندار سازی مساکن ، کاربری‌ها و... منطبق با حداقل نیازهای انسان
	فضای شهری باز و پر از عرصه های سبز و خالی	دوری از فشردگی در شهرها
	جداسازی کاربری‌ها و منطقه بندی	استفاده از مناطق شهری برعملکردهایی

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

	عملکردی برای کاربری‌های مسکونی ، آموزشی	مانند مسکونی ، صنعتی ، تجاری و ...
	طرد میراث گذشتگان	عدم توجه به الگوها و طرح‌های بکار گرفته شده در گذشته و مبارزه و حذف آنها
	هندسه گرائی مطلق	پیروی از نظم هندسی و عدم اعتقاد به ارگانیک

تعابیری نو از الگوهای ترقی گرا و فرهنگ گرا

الف (تعابیری نو از الگوی ترقی گرا

تعبیر نو الگوی ترقی گرا اولین بیان خود را در شهر صنعتی تونی گارنیه نشان می‌دهد. بنا به گفته‌ی لوکوربوزیه ، در این اثر تلاشی برای تنظیم و تلفیق زمانی راه حل‌های سودمند و راه حل های تجسمی یافت می شود . نظمی وحدت بخش در تمامی محلات شهر توزیع می‌گردد و انتخاب همانند حجم های اصلی صورت می گیرد. فضاها نیز بنا بر ضرورت های نظم عملی و نظم شکلی ناشی از یک احساس شاعرانه‌ی خاص معمار تثبیت می‌گردند .

از سال 1928 ، الگوی ترقی‌گرا ، در گروه سیام تجلی می‌یابد. در سال 1933، این گروه جمع بندی نظریه‌های خود را در قالب منشور آتن ارائه می دهند که تا سال‌های متمادی در جهان الگوی پیشرو در شهرسازی بوده است .

انگاره‌ی اصلی که بنیاد شهرسازی ترقی گراست ، انگاره‌ی **نوگرایی** است. از نظر لوکوربوزیه نوگرایی در دو زمینه عملی است: صنعت و هنر پیشرو (با پیدایش کوبیسم و جنبش‌های منشعب از آن در آثار افرادی مانند پیکاسو) پس همانند الگوی پیش شهرسازی ترقی گرا ، اساس این نگرش در **رد گذشته** می باشد .

کان وایلر بدرستی می‌گوید که این جنبش با پیروی از پیشنهادهای کوبیست‌ها بر آن بود که به شیئی، تصویر کامل و صریحی بدهند که در عین آنکه تعریفی باشد از همه‌ی آن چیزی که واقع و حادث است ، تنها حاوی جوهر شیئی و دوام باشد .

الگوی ترقی‌گرا نه تنها به موقعیت مکانی پایبند نمی ماند ، بلکه الزامات سنت فرهنگی را نیز نادیده می‌گیرد. این طرح برآنست که فقط و فقط مبین **خلاقیت آزادی منطق** بوده و در خدمت کارائی و زیبا شناسی قرار گرفته باشد. آنها دو امری هستند که به فضای الگوی ترقی‌گرا، ویژگی‌های خاص خود را می بخشند .

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

انگاره‌ی بهداشت در اطراف مفاهیم خورشید و فضای سبز متمرکز می‌شود. این اهداف، شهرسازان ترقی گرا را بر آن داشت تا فضاهای قدیمی بسته را به منظور تراکم زدایی آنها به یکباره از میان بردارند. بدان منظور که ساختمان‌ها را به گونه‌ای منفک از یکدیگر در معرض خورشید وفضای سبز قرار دهند. ساختمان‌هائی که از اتصال به یکدیگر رها شده‌اند ، برای آنکه هریک واحدی مستقل باشند، نتیجه‌ی اصلی ، تخریب خیابانهاست و خیابان به عنوان میراثی از بربریت با عملی تکان دهنده و غیر معمول بدنام می گردد .به موازات این امر بسیاری از شهرسازان ، **ساخت در ارتفاع** ر ا برای جانشینی ساختمان‌های کوتاه مرتبه و به هم چسبیده قدیمی توصیه می کنند . یعنی تعداد معدودی واحدهای مستقل و یا شهر عمودی. در معنای روانشناسی نظریه شکل، ما شاهد مقلوب شدن عبارات شکل و محتوا هستیم ؛ به جای آنکه قطعات فضای آزاد، نقش شکل برجسته ای را در بطن ساخته شده شهر بازی کند ، خود نقش محتوایی می یابد؛ عرصه‌ای که در آن کالبدهای شهری جدید توسعه می یابند . بخش اعظم این محتوای جدید را سبزه زار تشکیل می دهد . لوکوربوزیه از این نیز فراتر می‌رود و شهر اندک اندک به یک پارک تغییر شکل می یابد. اینچنین است که مفهوم باغ شهر عمودی لوکوربوزیه هویدا می شود (حبیبی ، 1375، 33).

شهر الگوی ترقی‌گرا، یک شهر نمایش نیز می‌باشد .برای این شهرسازان، زیبایی شناسی به همان اندازه کارائی اهمیت دارد . موضوع پراکندگی در ترکیب از سر گرفته می شود و ترکیب به گونه ای است که کوبیسم ترکیبی یاد آور آن است .

آپولینر می‌گفت: هندسه در هنرهای تجسمی همان نقشی را دارد که دستور زبان در هنر نویسندگی داراست. با این حال ، این امر برای کوبیست‌ها یک هندسه گرایی فطری است .حال آنکه برای غالب شهرسازان ترقی گرا، هندسه نقطه برخورد زیبایی و حقیقت است. این هندسه عمدتا عبارت است از قرار دادن عناصر مکعبی یا متوازی السطوح در طول خطوط مستقیم که یکدیگر را در زوایای قائمه قطع می کنند. لوکوربوزیه تاکید می‌کند: **فرهنگ نوعی تفکر زاویه دار است .**

تعبیری نو از الگوی فرهنگ گرا

از شهرسازان معروف این الگو می توان از **کامیلو سیت ، ابنزر هوارد ، ریمون آنون** نام برد. اصول عقیدتی این الگو با اصول بشارت دهندگانش قابل مقایسه است. **کل** (مجموعه شهری) بر اجزا (افراد) و مفهوم **فرهنگی** شهر بر مفهوم مادی آن غلبه دارد .

هر شهر فضا را به گونه‌ای خاص و متمایز اشغال می‌کند ، این امر نشأت گرفته از نقشی است

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

که فرهنگ گرایان برای فردیت قائل اند .

کامیلو سیت[۱۷] به مقوله‌ای به نام » طراحی کامل و یکدست» اعتقاد دارد. برای » سیت» فضای شهری یک فضای بسته است که در یک کلیت خاص تعریف و محدود می‌شود. او نظم فضایی را به عنوان ساماندهی یک سری مجموعه های منفرد نمی بیند که تکه تکه رها شده اند؛ بلکه فضای شهر را فضایی ممتد می‌داند که مجموعه ها در آن با یکدیگر در هماهنگی کامل قرار دارند. ایجاد تأثیرات مثبت در ذهن‌های انسانی اساس نگرش سیت را تشکیل می دهد که به واسطه‌ی احیای روح وحدت و اجتماعی و رعایت اصول زیباشناختی در شهر، دستیابی به آن را ضروری و میسر می‌داند. از نظر وی "خیابان" عنصر اصلی شهر و تجلی‌گاه زندگی اجتماعی و عملکردهای حیاتی محسوب می شود و تنها یک راه عبوری نیست. وی اصطلاح پانوراما‌ی خیابانی را برای نخستین بار مطرح کرد و از دلپذیری دورنماها و مناظر پیوسته و چشم انداز شهری سخن گفت. وی ایجاد جاذبه های هسته ای (میادین) و جاذبه های خطی (خیابان‌ها) را چه به لحاظ صوری و چه عملکرد لازمه‌ی حیات و بقای زندگی اجتماعی شهر می‌داند. تأکید بر وحدت کلی مجموعه های شهری از اصول مورد تأکید سیت در طراحی شهر است. او همچنین ضرورت حاکمیت یک دید کلی تر از معماری منفرد ساختمان‌ها را مطرح و به نوعی، ضرورت حرفه‌ی مستقل طراحی شهری را در ساماندهی شهرها بیان می کند. وی برای ساماندهی فضاهای شهری به موارد ذیل اشاره دارد:

۱- حذف ناسازگاری و کشمکش میان سبک‌های مختلف ساختمانی

۲- ارتقای کیفیت نمای ساختمان‌های بزرگ

۳- ایجاد تعدادی فضای شهری (میدان با هویت ویژه و منحصر بفرد)

۴- ایجاد هم‌جواری مجموعه های از نشانه های بزرگ (مجسمه ها، یارگارها، آب نماها)، متوسط و کوچک اندازه

۵- از دیگر ویژگی‌های نظریه سیت برای انجام اصلاحات کالبدی در شهر، استفاده از نمادهای مختلفی است که برای هویت بخشی به فضاهای شهری مورد استفاده واقع می شود (پاپلی و سناجردی، ۱۳۸۲، ۹-۱۰۸).

---

[17] - Camillo Sitte

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

سیت به نوبه‌ی خویش منحصراً در پی ابزاری است که ویژگی و تنوع فضای درونی شهر را تأمین کند. او به تحلیل شهرهای گذشته باز می‌گردد، در اینجاست که او به گونه ای خستگی ناپذیر به تحقیق در مسیر راه‌های آمد و شد ، موقعیت و اندازه های میادین در رابطه شان با خیابان‌ها می پردازد ؛ خیابان‌هائی که دسترسی این میادین را به ساختمان‌هائی میسر می سازد که آنها را احاطه کرده اند و همچنین به بناهای بزرگی که آنها را زینت بخشیده‌اند. سیت در بسیاری از موارد ممکن ، موقعیت و ابعاد نقاط گریز را نیز کشف می‌کند (حبیبی ، 1375، 41). سیت شیفته زیبایی و هماهنگی فضای شهرهای تاریخی بود و در مقایسه شهرهای جدید با شهرهای کهن معتقد بود که شهرهای جدید به علت نظم و ترتیب بیش از حد و یکنواختی شان و به وجود آوردن فضاهای با هویت خاص نازیبا ، بی تناسب و فاقد ارزش هنری هستند؛ ولی می توان ابتذال شهرهای موجود را با بررسی آثار و بناهای تاریخی در گذشته از میان برد (حبیبی ، 1381،39).

سیت اعتقاد داشت که در آرایش فضاهای شهری باید از هنر بهره جست و بر این اساس راه حل های هنری را مطرح نمود ؛ **اصول و نظریه های مهم سیت در زیبا سازی شهری** به قرار زیر

می باشد :

۱- **نفی شبکه شطرنجی** ، به کارگیری از شبکه شطرنجی در خیابان‌های شهری به سبب عدم تاثیر آن بر حواس انسانی و در پی آن عدم شکل گیری خاطره ، یک عمل هنری محسوب نمی شود، در حالی که فضاهای کهن چنین نبوده اند .

۲- **تاکید عمده بر خیابان و میدان به عنوان عنصر مهم در حیات شهری** ، مشروط بر به کارگیری اصول و قواعد دستور زبان شهری گذشته

۳- **نفی اصل تقارن** : فضا می باید غیر قابل پیش بینی و متنوع باشد و بدین منظور است که هرگونه وابستگی به این یا آن اصل تقارن مردود شمرده می شود (حبیبی ، 1375، 40).

۴- **تاکید بر استفاده از فضای سبز طراحی شده** (همان، 1381، 40.)

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

از نظر سیت خیابان مطلوب می باید یک کل بسته را شکل بخشد . هر چه تأثیرات در آن تر باشند ، تابلو کامل تر خواهد بود. هرگاه نگاه نتواند در لایتناهی گم شود ، احساس آرامش بیشتر است(همان ، 1375، 40).

از موارد مهم دیگری که فرهنگ گرایان بر آن تأکید می‌کردند ، خلوت گرایی، اصالت داشتن و بسته بودن فضا بود (همان ، 45).

آنچه که سیت بر آن تاکید داشتند ، اعتقاد بر یکپارچگی فضای شهر ، سیستمی بودن مجموعه شهری و کلیت شهر بود. این کلیت در زیباسازی شهری، عدم انعطاف پذیری طرح‌های او را نشان می دهد که مساله پسندیده‌ای نمی باشد. برخی از اصول و قواعد پیشنهادی سیت هنوز هم می‌تواند در زیباسازی شهرها موثر باشد . برخی از این اصول و قواعد منطبق با اصول و قواعد شهرسازان پست مدرن می‌باشد. آنچه که سیت توجه کمتری به آن نشان داده است، مساله مشارکت شهروندان در زیبا سازی شهرها و فضای شهری می باشد که لازم است مورد توجه مدیران و مسئولان محترم شهری قرار بگیرد. زیباسازی فضای شهری نبایستی مطابق ذوق و سلیقه یک فرد متخصص (معمار ، طراح یا شهرساز) صورت بگیرد ؛ بلکه باید نشات گرفته از خواست مردم آن جامعه و فرهنگ باشد.

مقایسه شهرسازی مدرن و پست مدرن

آنچه که شهرسازان ترقی گرا طرفدار آن هستند، به عنوان شهرسازی مدرن شناخته می شود که تا به امروز در کشور ما نیز خواسته یا ناخواسته در طرح‌ها و برنامه های شهرسازی و ساخت بناها بکار گرفته می شود . الگوی فرهنگ گرا نیز با نظریات پست مدرن ها تطابق دارد؛ ولی در شهرهای کشور ما الگوی مورد استفاده ترکیبی از سه الگوی شهرسازی سنتی ، مدرن و پست مدرن می باشد . آنچه شهرسازی پست مدرن به آن تاکید دارد، ساخت شهر بر اساس ویژگی‌های فرهنگی ، اجتماعی مردم (تکثر گرایی به جای کل نگری) ساکن شهر و بر پایه مشارکت عمومی و منطبق با معیارهای زیست محیطی است . یعنی شهری که در آن نیازهای انسان بر نیازهای ماشین ارجحیت دارد. در این دوره که بر پست مدرن تاکید می شود، ما فقط از کشورهای غربی الگو برداری محض کرده و در واقع بدون هر گونه نقد اساسی، شهرهای دوره سنت را کنار گذاشته و وارد مراحل بعدی در شهرسازی شده‌ایم. در ایران، شهرسازی پست مدرنیسم علاوه بر جلب مشارکت عمومی و در نظر

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

داشتن مسائل زیست محیطی و تاکید بر جایگاه و ارزش والای انسان‌ها نسبت به ماشین ، رجعت آگاهانه ای نسبت به شهرهای سنتی داشته باشد.

جا دارد که دیدگاه دیوید هاروی در ارتباط با منظر شهری در دوره مدرن و پست مدرن توجه کنیم:

" از نظر هاروی ، برنامه ریزی شهری تجدد گرا، منظر شهری را به صورت یک کل می نگرد و عملا آن را به شکل بسته طراحی می‌کند. در حالی که فرا تجدد فرایند شهری را غیر قابل کنترل و بی نظم نگاه می‌کند ، به صورتی که تکثرگرایی انعطاف پذیری ، ناهمگنی و غیر را درپی دارد. با توجه به مجموع خصوصیات نگرش فراتجدد، اینطور به نظر می رسد که این جریان فلسفی زمینه‌ای را برای تحول نگرش طراحی منظر فراهم آورده است. به طور مسلم حداقل بر اساس مبانی نظری فرا تجدد ، هیچ تفکری را نمی توان ثابت در نظر گرفت و به همین ترتیب در مورد نگرش‌های آینده طراحی منظر نیز نمی توان مطمئن بود که نگرش فلسفی فراتجدد حتما در آینده و در شرایط عصر فراصنعتی نیز تداوم خواهد یافت . البته به طور قطع می‌توان پذیرفت که این دیدگاه با ماهیت انعطاف پذیر و نسبی گرایی که دارد ، به عنوان نگرشی که زاییده معضلات حاصل از تفکرات خشک و عملکرد گرایی تجدد است ، نوعی پذیرش عام در اغلب زمینه ها و رشته های علمی یا غیر علمی یافته است . به همین ترتیب می توان فرض کرد که دیدگاه فرا تجدد زمینه شکل گیری آیین جدیدی را در طراحی منظر شهر فراهم آورده است "(فریادی ، شهرزاد ، به نقل از پاپلی یزدی ، ۱۳۸۲ ، ۱۳۲).

بررسی مقایسه ای شهرسازی مدرن و پست مدرن

مدرنیسم	پست مدرنیسم
قطع ارتباط با گذشته و نگرش معطوف به آینده	تاریخی گری ، حافظه تاریخی ، مدنیت و نگاهی به گذشته
ساختارگرایی ، جهان گرایی ، مدل سازی ، بی طرفی ارزشی ، سبک و دکور	نقد ساختار گرایی ، توجه ویژه به موقعیت و مکان ، منطقه گرایی ، طراحی بومی ، کثرت گرایی ، توده خواهی هویت و فرهنگ شهری
عقلانیت تمامیت خواه ، کارکرد گرایی ،	کاربست نماد گرایی ، استعاره های متن و

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

استعاره ماشینی ، » شکل تابع کارکرد» ، » فناوری» و » جدایی در کارکردها »	قرائت ، توجه به شهرهای قدیمی ، » انسان معیار همه چیز است » ، » بیشتر بیشتر است » . » شکل تابع ریاکاری » رد منطقه بندی یا استفاده از منطقه بندی ترکیبی
اعتقاد به رهایی انسان ، بشر دوستانه ، دارای اهداف سیاسی ، اعتقاد به پیشرفت خطی ، علم ، عقل ، تکنیک مداری ، قطعیت ایمان	سیاست گریزی ، پرهیز از جزم گرایی ، مخالف اتوپیا و آرمان‌خواهی
ضد سرمایه داری ، متکی به اقتدار دولت و مداخلات گسترده دولت . سوسیال دمکرات	مخالف اقتدار گرائی طرفدار طرح‌هایی با مقیاس کوچک ، اعتقاد به مشارکت مردمی ، مخالف دخالت گسترده دولت ، طرفدار تمرکز زدایی سیاسی ، اقتصاد سیاسی لیبرال ، محافظه کاری جدید
هنر ابزار نیل به مقاصد سیاسی و پیشگام بودن طراح و معمار	هنر در خدمت مصرف کننده ، طراح و معمار واسطه و مشاور ، خدمات عمومی
ساخت و ساز بناهای جدید	بازگشت به بناهای سنتی و قدیمی
بهره گیری از عواطف و احساسات در خدمت مقاصد سیاسی	بهره گیری از عواطف و احساسات اصیل خانوادگی و احترام به کانون خانواده
توجه خاص به استفاده از طرح‌های جامع	برنامه ریزی موضعی ، موردی ، نسبی و استراتژیک
تاکید بر متخصصان معمار و شهرساز	تاکید بر گروه‌های محلی و مشارکت مردمی
برنامه ریزی گسترده ، فراگیر و بدون انعطاف	برنامه ریزی محدود ، منعطف ، چهارچوب گرا ، مشارکت مردمی و پرهیز از اتکای محض به متخصصان

(شفیعی ، حسن ؛ فصلنامه مدیریت شهری ، ش ۱ ، ص ۷۲)

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

اگر چه شهرهای ما با معیارهای مدرنیته و ترقی‌گرا ساخته شده است، ولی با توجه به موارد مطرح شده بکار گیری اصول و روش‌های بر گرفته از نظریات فرهنگ گراها و پست مدرنیست ها می تواند تاثیر مثبتی در زیبا سازی فضاهای شهر داشته باشد.

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

فصل سوم : ضرورت و اهمیت زیباسازی

اهمیت و ضرورت زیبا سازی در شهر چیست و دلیل اینکه شهرها باید زیبا شوند، چه می باشد؟ چرا مدیران شهرها باید به این مقوله توجه بیشتری داشته باشند؟

امروزه اکثر مردم در شهرها و مناطق شهری زندگی می کنند و جمعیت این مراکز در سرتاسر جهان در حال افزایش است . طبق نظر موسسه توسعه و محیط زیست در سال 1986و 1988 -9 جمعیت شهری اروپا به ترتیب 6/71 درصد و جمعیت شهری انگلستان 1/92درصد از کل جمعیت آن کشورها بوده است .جمعیت شهری ایران در سال 1385، نزدیک به 70درصد از کل جمعیت کشور را شامل می شد (تاکید از مولف). بر این اساس شهر مکانی است که زندگی تعداد بسیار زیادی از مردم را تحت تأثیر قرار داده و آن را شکل می دهد. تنها به این دلیل کیفیت شهر از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. این به نوبه‌ی خود اهمیت مدیریت سیما و منظر شهر را مشخص می‌کند (بحرینی ، 1383، 29). همچنین شهرها عالی ترین تجلی‌گاه تمدن انسان‌ها می باشند(رهنمائی ، ۱۳۸۴).

امروزه دلایل دیگر و حتی مهم‌تری برای اینکه چرا زیبا سازی و در کل طراحی شهری اهمیت زیادی پیدا کرده است ، وجود دارد . از همه مهم‌تر اینکه امروزه بسیاری توسعه‌ی شهری و زندگی شهری حاضر را به خاطر فشار مخربی که به محیط زیست وارد می‌کند، نهایتاً ناپایدار می دانند. یکی از علل این تأثیر مخرب، همان ساخت و شکل شهر است که به طور جدی نیازمند اصلاح دارد . این امر نقش حیاتی برنامه ریزی و طراحی شهری در فرایند تلاش برای نجات محیط زیست جهانی و همراه با آن بستری که شهر به آن متکی می باشد را مشخص می‌کند که یکی از راهکارهای مناسب زیباسازی و مدیریت بصری شهرها است. بنابراین تعیین کمک مهمی که برنامه ریزی و طراحی شهری در قالب زیبا سازی می‌تواند و باید از طریق بهبود ساخت و شکل شهر به توسعه شهری و زندگی پایدار نموده و در نتیجه شهر را تبدیل به مکانی صمیمانه برای مردم ساخته و آثار مخرب زیست محیطی آن را کاهش دهد، امری بسیار اساسی و قابل تأمل است.

زیبا سازی می‌تواند به بالا بردن امتیازات شهر کمک کند.

قابل تردید است که اگر زندگی شهری حداقل امتیازاتی را نسبت به زندگی در روستا نمی داشت ،آیا باز هم چنین جمعیت زیادی حاضر به زندگی در شهر می بود ؟ غالبا گفته می‌شود که مهم‌ترین امتیاز شهر امکان انتخاب ، شیوه زندگی مهیج ، دسترسی به خدمات و تسهیلات ، داشتن

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

ویژگی‌های پر تحرک ، چالش روشنفکری ، همدلی و همراهی و از همه مهم‌تر زمینه‌ی اشتغال است .

البته شهرها همه با هم تفاوت دارند و برخی امتیازات بیشتری را در اختیار شهروندان خود قرار می دهند. هدف اصلی برنامه ریزی و طراحی شهری در قالب زیبا سازی شهری خوب، خلق امتیازات جدید و یا ارتقا امتیازات موجود است که یک شهر خوب باید دارا باشد .با استفاده از سلسله مراتب نیازهای انسانی که توسط **مسلو** ارائه شده، می توان فهرستی از این امتیازات را تهیه نمود. نیازهای گوناگونی که به این ترتیب برای شهر به دست می‌آید، اساس بسیار خوبی برای اندازه گیری کیفیت یک شهر از طریق تعیین میزان برآورده شدن نیازها و خواست‌های انسانی است .

- در سطح نیازهای اساسی، یک شهر خوب باید کلیه نیازهای فیزیکی ساکنین خود را تامین نماید
- مکانی مناسب برای زندگی و کار
- مکانی برای درآمدی معقول
- دارای آموزش و پرورش
- دارای حمل و نقل و امکان برقراری ارتباط و دسترسی به خدمات و تسهیلات .
- دارای امنیت و حفاظت بوده و از نظر بصری و عملکردی محیطی سامان یافته و با نظم
- عاری از آلودگی سرو صدا ،
- عاری از تصادفات و بزهکاری

علاوه بر آن یک شهر خوب باید یک محیط اجتماعی هدایت کننده باشد. شهر مکانی است که مردم ریشه در آن دارند و کودکان دوستان خود را در آن می‌یابند . بنابراین شهر به افراد کمک می‌کند تا جزیی از جمع بوده و به آنها **حس تعلق به مکان** و سرزمین بدهد . یک شهر خوب دارای یک تصویر ذهنی مناسب، یک شهرت و اعتبار خوب بوده و به مردم حس اعتماد و قدرت و شان و منزلت می دهد. و بالاخره یک شهر خوب شهری است که خوب طراحی شده ، از نظر زیبایی شناسی مطبوع بوده ، از نظر کالبدی قابل تصور باشد .به عبارت دیگر یک شهر خوب مکانی است برای فرهنگ و یک اثر هنری (بحرینی ، 1383 ،30).

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

بدیهی است طراحی شهری به تنهایی قادر به ایجاد شهری که دارای همه‌ی این خصوصیات باشد،نیست. بسیاری از این خصوصیات وابسته به شرایط سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی است که باید برای آنها برنامه ریزی صورت گیرد .

طراحی شهری می تواند به تقلیل یا حذف تنگناهای شهر کمک کند .

روشن است که شهر مسائل و تنگناهائی نیز دارد و همیشه داشته است. اغلب با ازدحام روبرو است ، کثیف ، پر سر و صدا ، آلوده و دچار اختناق است .علاوه بر این زندگی در نزدیکی یکدیگر ممکن است خلوت و آزادی مردم را خدشه دار ساخته ، آنها را از داشتن یک فضای خصوصی واقعی ، چه فضاهای داخلی و چه بیرونی محروم سازد. البته در نتیجه‌ی استمرار شهرنشینی و در خلال دهه های اخیر فقدان برنامه ریزی و طراحی شهری راهبردی به منظور هدایت شهرنشینی به سوی ساخت و شکل مناسب، موجب شده امروزه مسائل و تنگناهای شهر شدت پیدا کند ، به طوری که بستری که شهر به آن وابسته است به تدریج در حال تخریب است (بحرینی ، 1383، 31).

از آنجائی‌که شهرها برجسته ترین مظهر تمدن اند، بنابراین فرم ها و عناصر بکار رفته در شهرها بیانگر فرهنگ آن جامعه‌ی شهری خواهد بود. زیبا سازی یکی از ابزارهای قوی در بیان فرهنگ شهرنشینان است . در واقع مناظر شهری بیانگر حالات روحی و روانی شهروندان و مدیران آن شهر می باشد .

عدم وجود زیبایی در مناظر و سیمای شهرها به خاطر ناآرام بودن قلب شهروندان و مدیران آن شهر می باشد و از طرف دیگر وجود مناظر بی روح ، خسته کننده و در تضاد با احساسات انسانی در شهرها ، شهروندان را دچار انواع بیماری‌های روحی و روانی مانند افسردگی ، استرس، ناراحتی های عصبی و ...خواهد کرد. با زیباسازی فضاهای شهری می‌توان از این فشارهای روانی کاست .

البته زیباسازی فضا و محیط پیرامون به تنهائی تاثیری دراز مدت در حالات روحی و روانی مثبت شهروندان نخواهد داشت. چه بسا بخاطر وجود مشکلات بی‌شمار شهروندان، مناظر اطراف و زیبایی‌های آن ، مورد توجه شهروندان قرار نگیرد و در اکثر موارد فقط با تصویر ذهنی از پیش تعریف شده، شهر و مناظر آن را ببینند. در حقیقت اگر نیازهای اولیه شهروندان مانند تغذیه ، مسکن ، اشتغال و ...تامین نشود، ساکنان شهر بنابه پیش فرض‌هایی که در ذهن دارند محیط و مناظر پیرامون خود را خواهند دید. برای کسی که در مشکلات عدیده‌ای مانند بیکاری ، نبود مسکن و ...غوطه ور است ، خیابان و ساختمان‌های اطراف آن ، بصورت تعریفی که در ذهن دارد دیده می شود و آن خیابان حقیقی را نمی بیند .

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

بنابراین لازم است که همزمان با زیبا سازی محیط شهری ، از مشکلات شهروندان کاسته شود تا زیبا سازی شهر باعث ایجاد تاثیرات روحی و روانی در شهرها گردد .

بعد دیگر زیبایی بعد معنوی و غیر کالبدی آن است که نمود آن را می توان در رفتار ، فرهنگ و برخورد و مشارکت شهروندان جستجو نمود. این زیبایی اصل اساسی در راستای دستیابی به شهر انسانی می باشد. از دیگر عواملی که سبب می‌شود تا زیباسازی در شهر جزو ضرورت تلقی شود به شرح زیر می باشد :

- خدا زیباست و زیبایی‌ها را دوست دارد ، از آنجائی‌که انسان، عنوان جانشین خدا بر روی زمین را دارد، بنابراین زیبا سازی جزئی از ذات انسان می باشد که از ازل در خلقت وی بوده است .

- همه‌ی تلاش انسان در راستای رسیدن به کمال است ، دستیابی به زیبایی‌های بصری و معنوی از راه‌های رسیدن به کمال می باشد .

- زیبا سازی شهر نوعی هنر در آرایش فضا و محیط شهر می باشد که بیانگر فرهنگ و تمدن آن سرزمین است.

- با زیبا سازی ، هویت فرهنگی شهروندان و اعتقادات آنان را به نمایش خواهیم گذاشت. " استفاده از آب در مناظر بخاطر اعتقاداتی است که پیشینیان ما به الهه آب (آناهیتا) داشته اند و از طرف دیگر نهر روان در پای درختان ، یاد آور بهشت موعود می باشد که همه‌ی اینها جزو اعتقادات مردمان این مرز و بوم است ."

- با زیباسازی آرامش خاطر را در شهروندان ایجاد خواهیم نمود . قرارگیری دو ردیف درخت در دو سوی یک خیابان احساس آرامش و طراوت در انسان می آفریند .

- با زیبایی‌های بصری و با بکارگیری معنا و رمز در مناظر می توانیم شهروندان را برای رسیدن به کمال هدایت کنیم (شکل گنبد در مساجد).

بکارگیری نشانه‌ها و سمبل‌ها در زیبا سازی شهری سبب یادآوری و هدایت در بسیاری از زمینه ها خواهد شد . " برای نمونه می توانیم از اثر چشم خدا در پارک خانه‌ی هنرمندان واقع در خیابان ایرانشهر نام ببریم، این اثر بیانگر آن است که خداوند همچون سالخورده‌ای مهربان و قدرتمند از همه ی ساکنین شهر مراقبت می کند و نور چشمش کوچه پس کوچه های تاریک شهر را روشنایی و امنیت می بخشد". در واقع آثار و سمبل هایی که از سال هایی دورتر در محیط شهر ساخته شده اند،به فضای شهر هویت می بخشند و پس از گذشت سال ها هنوز می توانند دیرینه‌ی عقاید مشترک ساکنان آن شهر را یادآور شوند و احساس تعلق مکانی را تقویت کنند.شایسته است در انتخاب و ساخت این سمبل های شهری به فرهنگ غنی و تاریخ کهن ایران زمین توجه کافی

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

صورت گیرد.

نقش زیبا سازی در پیشرفت و توسعه شهر

مسلما شهری که زیباست، در جنبه های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... نیز رشد داشته است .بدون این داده های اولیه حصول زیبایی ساده نخواهد بود .

زیبایی دارای دو بعد بصری و معنوی است. زیبایی بصری به قرار گیری فرم ها ، مناظر شهر و عناصر بکار رفته در آن بستگی دارد، در حالیکه زیبایی معنوی در شهرها به رفتار شهروندان ، شهروند مداری ، روحیه مشارکت پذیری و ارتباطات اجتماعی ، نوع دوستی و ...دلالت دارد. اگر شهر در هر دو بعد زیبایی پیشگام باشد ، آن فضا نه تنها فضایی مطلوب برای شهروندان خواهد بود؛ بلکه بستری مناسب برای شکوفائی استعدادهای نهفته‌ی ساکنین شهر نیز خواهد بود. از طرف دیگر محیط های زیبا،جاذب افراد بیشماری با عنوان گردش‌گر ، سرمایه گذار و نیروی متخصص خواهد بود که همه‌ی این عوامل در توسعه و اعتلای فرهنگی، اقتصادی ، اجتماعی وسیاسی شهر موثر خواهند بود .

به قول دکتر علی مدنی پور ، از بهسازی بصری شهرها ، برای بازارگرمی شهرها استفاده شده است ، از آن جا که شهرها به طور فزاینده ای مجبورند برای جذب سرمایه گذاری ها در بازار جهانی با یکدیگر رقابت کنند ، شاید این سرمایه گذاری را شرکت هایی انجام دهند که به دنبال بازگشت های بهتری برای سرمایه شان و کیفیت زندگی بهتری برای کارکنانشان هستند(مدنی پور ، 1379، 149) .پایتخت‌های کشورهای جنوب شرق آسیا، مثال بارزی از شهرهایی است که سرمایه‌های در حال گردش شرکت‌های بزرگ چند ملیتی را جذب نموده‌اند .در عصری که دولت‌ها در جهت برآوردن خواست شرکت‌های چند ملیتی عمل می‌کنند ، با استقرار سرمایه‌ی این شرکت‌ها در یک کلان‌شهر، با توجه به نیاز کارمندان و بر اساس ایجاد آگاهی‌های کاذب در ساکنان آن شهر اقدام به بازسازی برخی فضاها در قالب زیبا سازی شهری خواهد شد.

از دیگر تاثیرات زیبایی شهرها، جذب گردش‌گر و رونق گردش‌گری به عنوان یکی از پردرآمدترین بخش‌های اقتصادی می باشد. زیبایی های موجود در طبیعت شهرهای سواحل دریای خزر، مانند لاهیجان، رامسر ، چالوس ، تنکابن و ...سبب سرازیر شدن هزاران گردش‌گر از اقصی نقاط کشور به این مناطق می شود. اگرچه این امر با پیامدهای ناخوشایند زیست محیطی، منظر محیط و در برخی موارد تخریب منابع تجدید ناپذیر همراه بوده و از طرفی سود آوری اقتصادی نیز در پی داشته است .البته سود آوری واقعی برای این شهرها زمانی حاصل می شود که ابعاد منفی

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

گردش‌گری حذف و یا حداقل کمترشود .

زیبایی‌های بصری شهر اصفهان که یادگار دوران صفویه و همچنین شهر اسلامی می باشد نیز همه ساله هزاران گردش‌گر را به خود جلب می‌کند . البته همانطور که در سطور بالا نیز بدان اشاره شد، این مساله خالی از آسیب نیست؛ ولی اگر از مدیریتی قوی بهره‌مند باشد، سبب توسعه فرهنگی (در اثر تعامل فرهنگ‌های مختلف)، اقتصادی و ...خواهد شد .

در اکثر مواقع زیبایی بصری تحت تاثیر زیبایی معنوی قرار می گیرد ، بطوری‌که در یک محیط اگر رفتار انسان‌ها بر پایه معیارها و ارزش‌های والای انسانی باشد،کمک بسزائی خواهد نمود تا جلوه های بصری نیز زیبا به نظر آیند. همانطور که قبلاً گفته شد، بعد دیگر زیبایی بعد معنوی و غیر کالبدی آن است که نمود آن را در رفتار، فرهنگ و ...شهروندان می‌توان جستجو نمود. بنا به روایت تعداد زیادی از سفرنامه ها و گردش‌گران داخلی و خارجی این زیبایی در شهر شیراز نهفته است .

(تصویری از شهر شیراز)



نکته مهم در مورد زیبا سازی، این است که در برخی موارد فرایند زیبا سازی جزئی از فرهنگ کالائی می باشد که از طریق آن فرهنگ و آداب و سنن ملل بیگانه وارد یک شهر می شود .گرچه این دیدگاه چپ گرایانه است، ولی به هر حال ، باید در زیبا سازی فضای شهر به الگوها و معیارهای موجود در فرهنگ بومی دقت زیادی صورت گیرد، در غیر اینصورت با استفاده از معیارهای زیبایی سازی سایر ملل ،عملا رفتار و فرهنگ آن ملت‌ها را تبلیغ کرده و راه را برای نفوذ فرهنگ بیگانه هموار می کنیم.

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

زیبا سازی

در امر زیبا سازی نباید به ظواهر بصری شهر اکتفا کند؛ چرا که در زیبایی یک شهر علاوه بر فرم ها و عناصر کالبدی ، عناصر غیر کالبدی و نامحسوس از قبیل شهروندان ،رفتار اجتماعی آنها ، صدا ها و بوهای موجود در آن فضا نیز موثر خواهد بود . هر چه یک محیط دارای زیبایی بصری باشد، ولی فاقد زیبایی‌های غیر کالبدی، مانند رفتار نامناسب شهروندان (پرخاش‌گری ، مزاحمت) ،آلودگی‌های صوتی ، بویایی و ...باشد، خاطره‌ی آن محیط در ذهن همواره بصورتی تلخ باقی خواهد ماند . بنابراین لازم است تا مدیران شهری در فرایند زیباسازی تنها به زیبایی بصری اکتفا نکرده؛ بلکه در ارتباط با زیبایی‌های غیر کالبدی نیز به همان اندازه تلاش نمایند تا شهری مطابق با معیارهای انسانی بنا نمایند .

نتیجه مهمی که از مطالب گفته شده می توان گرفت، این است که در زیبا سازی شهرها علاوه بر ظواهر بصری به عوامل غیر کالبدی نیز توجه شود. زیرا که زیبایی دارای دو بعد مادی و معنوی می باشد . پرداختن به بعدی کالبدی تک روی در مبحث زیبایی شناسی شهرها خواهد بود.

سرفصل دیگری که لازم است بدان دقت شود، طراحی فضای سبز بر اساس اصول زیبا سازی می باشد. در اینجا به خاطر هویت اسلامی شهرهای ایران به طراحی فضای سبز بر اساس اصول و موازین اسلامی پرداخته می شود. در برخی موارد از اصول و معیارهای غربی برای تکمیل مطلب نیز استفاده شده است.

طراحی فضای سبز بر اساس اصول زیبا سازی

هنرمندان ایرانی در طول تاریخ با الهام از معنویات و اعتقادات مذهبی به شکل دهی محیط زندگی پرداخته اند . در حقیقت زیبایی سیما و منظر شهرهای ایرانی در گذشته یاد آور باورهای مذهبی است . در ادامه **مشخصات زیبایی شناسانه منظر با الهام از حکمت و فلسفه حیات** که هدایت‌گر انسان و فعالیت‌های وی در فرهنگ می باشند، مورد شناسایی و معرفی قرار گرفته است :

۱- **گرایش به سمت تجرد** : حرکت کلیت عالم به سمت کمال که یکی از اصول مورد باور بسیاری مکاتب و بالاخص مکاتب الهی است، اقتضا می نماید تا فعالیت‌های انسان و فعل و انفعالاتی که روی عناصر طبیعی انجام می دهد منطبق با این کمال گرایی باشد . بنابر باورها، اوج کمال گرایی، تجرد و جدایی از ماده

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

می باشد و حاصل فعالیت‌های انسان، گرایش به تجرد را به عنوان جلوه‌ای از زیبایی معنوی به نمایش می‌گذارد. بهره‌گیری از اشکال و ایده های رمزآلود راهی است که به نحوی به این تجرد مورد نظر عالم معنا اشاره دارند. سلسله مراتب اشکال (از فرم های مادی و زمینی به اشکال معنوی و آسمانی) پوشش مواد (ماده) با اشکال و مصالح و موضوعاتی که خشونت و صلبیت و مادیت آنها را تقلیل داده و یا حتی منتفی می‌نمایند، از راه‌های هستند که به واسطه آنها امکان متذکر ساختن انسان به ملکوت و معنای اشکال و مواد و اشکال و فضاها تسهیل می گردد(نقی زاده ، 1382، 69). نمونه بارز گرایش به کمال را می توان در معماری مساجد مشاهده نمود، فرم گنبد ها ، نوع رنگ گنبد ها همه و همه آمدن انسان از خاک و سیر او به عالم ملکوت را متجلی می شود .حتی استفاده از درختان مانند سرو که به سمت آسمان برافراشته می‌شوند، یاد آور تلاش همه موجودات زنده برای رسیدن به این کمال است .

۲- **تعادل** : عدل به عنوان یکی از اصول دین در فرهنگ ایرانی از مفهوم و جایگاه ممتازی برخوردار می‌باشد. برحصول تعادل در فرهنگ ایرانی اصول و نکاتی توصیه شده است. ارتقاء کیفیت و اصلاح‌گری به همراه احتراز از فساد و تباهی یکی از این اصول است. پدیدهٔ عاری از فسادی که به سمت اصلاح گرایش دارد بی گمان جلوه ای از زیبایی است . بکار بستن درست مصالح و در جای مناسب قرار گرفتن هر عضو که در واقع جلوه‌ای از احتراز از بیهودگی و بطالت و لغو و اسراف است نیز نمایش‌گر تعادلی زیبا در فعالیت‌های انسانی است(همان). در منظر شهری شهرهای کشور، وجود آپارتمان‌های بلند مرتبه، این احساس تعادل را بر هم زده است . در اغلب موارد اتفاق افتاده که یک ساختمان بلند مرتبه در کنار بناهای کم ارتفاع قرار گرفته که ناخود آگاه این تعادل را بر هم زده و به عنوان یک نقطه کور و بی تعادل در کادر یک عکس عمل می‌کند. ساختمان بانک صادرات در خیابان سمیه در تهران نمونه این بی تعادلی می باشد .

وجه دیگر تعادل مورد نظر ، تعادل روانی می‌باشد. گرایش به سمت مرکز یکی از پدیده ها می باشد که درهنرهای مختلف ایرانیان به منصه ظهور رسیده است. مرکزگرایی که منبعث از تفکر دینی ادیان الهی و از جمله اسلام است از مباحث مرتبط با کعبه آغاز شده و در جملگی هنرهای مسلمین و از جمله ایرانیان گسترده شده است . برای نمونه حیاط ها و

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

صحن ها با استقرار منبع آب (حوض ، چشمه ، مظهر قنات) به عنوان سمبل انسان کامل و نشانه حیات در مرکز خویش شکل گرفته اند. همچنین در هنر باغ سازی و باغ آرایی که تاثیر زیبایی آن در فرش‌های ایرانی کاملا مشهود است، حتی تقارن موجود در عمارات (به ویژه در نمای آنها) اشاره به مرکزی است که اصل آن در آسمان است. یکی دیگر از وجوه مرکز گرایی، توجه به درون است که به عنوان اصلی از اصول هنرهای ایرانیان معرفی شده است . در حقیقت تمرکز بر مرکز و درون مورد نظر ، تمرکز بر معنا و رمز پردازی است که بیانگر واجد معنا بودن همه چیز است . ضمن آنکه توجه به درون تجلی کالبدی اصول زیبایی اخلاقی همچون حیا ، عفاف ، تواضع ، احتراز از خود نمایی و ریا و تفاخر است که راه متجلی ساختن آن نیز با ملحوظ داشتن اصل بنیادین سلسله مراتب ، قابل دسترس است (نقی زاده ، 1382، 70).

قرار گیری مساجد در مرکز شهرهای اسلامی نمونه‌ای از این توجه به مرکز گرایی است .

وجود امنیت در فضا نیز از مهم‌ترین ویژگی‌های محیط متعادل است . از آنجائی که شرایط روحی و روانی ناظر در ادراک زیبایی منظر اهمیت خاص خود را دارد ، فراهم آوردن شرایط مناسب و القاء آن به ناظر از شرایطی است که امکان درک زیبایی منظر و فضا را تامین نموده و حتی در ارتقاء کیفیت و درجه زیبایی ایفای نقش می نماید(همان). نوع مصالح بکار رفته در بنای ساختمان‌ها ، نمای ساختمان‌ها ، نحوه‌ی آرایش فضائی آنها ، هماهنگی یا عدم هماهنگی ساختماها با فرم کلی از جمله عواملی هستند که احساس امنیت در ناظر را کم یا زیاد می کنند . برخی از فضاهای شهری محیط های استرس زا و وهم انگیز اند . نمونه این قبیل فضاها را در دوره مدرنیسم به خوبی می توان مشاهده کرد .آپارتمان‌های بلند مرتبه ، با نمای سیمان و شیشه در شهرها ، تنها الهام بخش بی روح بودن ساختمان‌ها و عدم ارتباط و پیوند ساکنین این مناطق می باشند .

۳- **یاد آوری و هدایت‌گری:** علم و آگاهی به عنوان تجلی و وجهی از زیبایی در فرهنگ ایرانی جایگاهی والا و در خور توجه را به خود اختصاص داده است. در واقع ارتقا آگاهی و دانش انسان و همچنین یادآوری و تذکر مفاهیم و ارزش‌های معنوی و انسانی ، باید وجهی از آثاری باشد که توسط انسان ایجاد می شود . این آگاهی و یادآوری انسان را به فضائی هدایت می نماید که واجد ارزش‌هایی است که مقوم باورهای وی می باشند .نقش هدایت‌گری پدیده ها موضوعی بنیادین در باورهای ایرانی می باشد که بدوا مترادف با خلقت الهی می باشد(نقی زاده ، همان).

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

یکی از عوامل اصلی که ارزش‌ها را یاد آوری می‌کند و در فرهنگ ایرانی حامل معانی نمادین و معنوی بوده‌اند ، طبیعت و عناصر طبیعی است .این عناصر به اشکال مختلف اعم از حالت واقعی **و** فرم های تجریدی در شکل‌گیری هنرهای مختلف ایرانی نقشی شایان توجه ایفا نموده اند .کاربرد عناصر طبیعی مانند باغ سازی‌ها و حیات سازی ها نمودهای بارزی از اعتقاد به بهشت می باشد .

تسبیح و تنزیه جلوه‌های دیگری از هدایت و یاد آوری می باشد .کاربرد نشانه ها و سمبل ها ، احتراز از جلوه فروشی و خود نمایی طراح و اجتناب از تاکید بر مادیت مواد می توانند یاد آور و تذکر دهنده تسبیح و تنزیه باشند (همان).

۴- **توجه به معنا** : از راه های توجه به معنا، رمز گرائی و رمز پردازی می باشد. مشکل بودن و یا عدم امکان نمایش و بیان معنویت و عالم غیب ، توسط ماده و عالم شهادت یکی از دلایل اصلی رمزگرایی می باشد و میزان غنای هر فرهنگ و تمدن نقش اصلی را ایفا می نماید .اصولا رمز پردازی در عین حالی که وجهی از هنر است ، جلوه ای از ساحت‌های حیات می باشد. رمز علاوه بر آن که به بطن مختلف اشیاء و موضوعات اشاره دارد، جلوه‌ای از هویت معنوی هر فرهنگی است . هنرهای ایرانی نیز از این موضوع حد اعلای بهره برداری را برده و اشکالی خاص و با معانی معنوی را به کار گرفته اند . بهره گیری از فرم ها و اشکال خاص در طراحی منظر با دو منشاء می‌تواند به عنوان تجلی بخشیدن زیبایی در یک فرهنگ خاص ایفای نقش نماید. اول فرم‌های هندسی که در آن فرهنگ و جهان‌بینی خاص و مورد نظر واجد معانی نمادین و سمبلیک بوده و به زیبایی‌ها و مفاهیم معنوی و روحانی اشاره نمایند و دوم آن دسته از فرم ها و اشکالی که منشاء طبیعی داشته و در گرایش دادن اثر حاصل به سمت تجرد ایفای نقش می نمایند. در هنرهای ایرانی ، این فرم ها عامل وحدت بخشیدن به اثر حاصل در عین کثرت هستند(نقی زاده ، 1382، 72). از فرم های هندسی مانند مستطیل برای بیان آرامش ، مربع برای بیان تعادل و ...استفاده می شود .عواملی مانند اصوات و میزان نکوئی یا ناهنجاری آنها و بوی خوش ، از جمله عواملی هستند که می توانند ادراک زیبایی بصری را تقویت یا تضعیف نمایند. همانطور که عرفا برای موسیقی و سماع به عنوان تجربه‌ای برای ادراک زیبایی معنوی اهمیت شایان توجه قائل بودند. برای این منظور می توان از اصوات پرندگان ، با بهره گیری از صدای انواع

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

حرکت آب ، انتخاب گیاهان با برگ‌های متفاوت که در مقابل حرکت باد موسیقی خاصی ایجاد می کنند (همان). استفاده از درختان شکوفه دار و گل‌های خوش بو(مانند یاس رونده ، نسترن ، اقاقیا و...) (تاکید از مولف) دور نمودن محیط های مورد نظر از اصوات مزاحم ماشینی و تمهیداتی از این قبیل تامین نمود (همان).

۵-هماهنگی : یکی از بارزترین جلوه های هماهنگی مورد نظر ، هماهنگی محیط و فضای حاصل با نیازها و فطرت انسان است. این جلوه به عکس آنچه که در بسیاری جوامع رواج دارد، در پی هماهنگی با آنچه به عنوان مد و جنبه های مادی حیات مطرح است نمی باشد . این ویژگی بسیاری از هنرهای اصیل ایرانی است که با پرهیز از تقلید در پی پاسخ‌گویی به نیازهایی که فرهنگ ایرانی برای انسان تعریف کرده، بوده است . وجه دیگر این هماهنگی ، هماهنگی فضای طراحی شده (شهر) با اقلیم و شرایط محیطی است . در واقع منظر مورد نظر غالبا فاقد عناصر، اشکال و شرایط بیگانه ای است که بتوانند هماهنگی مورد نظر را خدشه دار نمایند. هماهنگی احجام و اشکال و فضاهای ساخته انسان با عناصر طبیعی و محیط و اقلیم ، هماهنگی ویژگی‌های محیط طراحی شده با مختصات هویتی و نیازهای فیزیولوژیکی و روانی و معنوی انسان ، هماهنگی ویژگی‌های عناصر و اجزاء تشکیل دهنده محیط (نور، رنگ ، بافت ، شکل ، تغییرات در زمان و...) ازمهم‌ترین وجوه هماهنگی می باشد(همان ،73). لازم به ذکر است که **در حال حاضر نوع رنگ‌های بکار رفته در نمای ساختمان ها در اکثر اوقات با رنگ محیط پیرامون خود در هماهنگی نمی باشد و غالبا در تضاد با هم اند.**

۶- **هویت** : مراد از هویت مورد نظر ، هویت مادی منظر مستقل از انسان و فرهنگ او نمی باشد . هویت مورد نظر در واقع به رابطه ، **" این همانی "** انسان با محیط اشاره دارد.این رابطه ، محیط و منظر طراحی شده را بسان آیینه‌ای متجلی می سازد که انسان خویش و فرهنگ و ارزش‌ها و حیات خود را در آن منعکس می‌بیند.خویش را جزیی از آن و آن را جزیی از خویش دانسته و احساس یگانگی و وحدت با محیط می نماید .احساسی که مقرون به حقیقتی است که انسان و طبیعت را به همراه فرهنگ وی واحدی لایتجزا معرفی می نماید (نقی زاده ، 1382، 73) . هر گونه طرحی لازم است به عنوان جلوه‌ای از هویت

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

فرهنگی باشد .طرح‌های تقلیدی از الگوهای بیگانه ، از هویت فرهنگی بدور بوده و بنابراین با انسان احساس غرابت خواهند کرد .

۷- **وحدت** : موضوع وحدت ، بیانگر وحدت انسان با محیط پیرامون و جدائی ناپذیری آنها از یکدیگر می باشد .ایده وحدت منظره عاملی در جهت ایجاد حس زیبایی در منظره بوده و در مقوله زیبایی شناسی از اهمیت خاصی بهره مند است.

۸- **احساس امنیت** : " والتین و الزیتون، و طور سینین ،و هذا البلد الامین ، احساس امنیت از ارکان مهم زیبایی سیما و منظر شهرها می باشد". همانطور که خداوند در آیه‌ی سوم سوره تین به امن بودن مکه قسم یاد می کند .

علاوه بر مطالب گفته شده در طراحی فضای سبز شهری، اجتناب از فصل نگری و بکارگیری گونه های مختلف گیاهی در طراحی فضای سبز نیز مهم می باشد. در اکثر فضاهای سبز طراحی شده در ایران فقط به یک فصل (بهار و تابستان) تاکید می شود و فصول خزان و زمستان بدست فراموشی سپرده می شود. این درحالیست که فصل پاییز و زمستان نیز دارای زیبایی‌های منحصر به خود می باشند. استفاده از گونه های گیاهی که در فصل خزان دارای رنگ‌های متنوعی می باشند، یکی از اصول و راهکارهای جلو گیری از فصلی نگری است . بکارگیری پوشش‌های گیاهی همیشه سبز در لابلای درختان و پوشش های خزان پذیر نیز از دیگر موارد می باشد. برخی از پوشش‌های گیاهی در فصل خزان دارای میوه می باشند (نمونه : زالزالک). این قبیل پوشش‌ها نیز می‌تواند تنوع خاصی را در فضاهای سبز شهری ایجاد نماید ، پس برای اجتناب از فصلی نگری در فضای سبز، در نظر گرفتن تمامی فصول و تنوع در پوشش گیاهی با توجه به ویژگی‌های آنها در فصول مختلف امری مهم و ضروری می باشد.

همچنین استفاده از گونه‌های مختلف گیاهی سبب پایداری بیشتر فضای سبز در برابر بیماری‌ها و آفات گیاهی خواهد شد که جزو مقوله اساسی توسعه پایدار می باشد. در غیر اینصورت استفاده از گونه گیاهی خاص خطر تخریب آنرا در برابر بیماری‌ها و سایر مسائل طبیعی از جمله سرما زدگی بیشتر می‌کند. نهایتا لازم به توجه است که در بکارگیری گونه های گیاهی باید به شرایط اقلیمی شهر توجه زیادی شود.

تنظیف معابر و گذرگاه‌ها

یکی از روش‌های زیبا سازی مناظر شهری، تنظیف معابر و گذرگاه‌های شهری و طراحی فضای

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

سبز شهری پیرامون آنها می باشد. وجود مناظر طبیعی در حاشیه معابر و گذرگاه‌های شهری علاوه بر مزایای زیست محیطی ، دارای ابعاد روانی ، اجتماعی و فرهنگی هم می باشد.

" امروزه احداث شبکه راه‌های شهری و رفت و آمد وسایل نقلیه موتوری ، مسائل زیست محیطی شدیدی را برای جامعه شهری بوجود آورده است که تلاش برای رفع ، کاهش و کنترل این آثار با استفاده از کلیه امکانات موجود و از جمله فنون معماری فضای سبز در زمره بدیهیات به شمار می آید. فضای سبز شبکه راه‌ها ، بر خلاف سده‌ها و حتی دهه‌های گذشته ، دیگر به خاطر زیبا سازی محیط احداث نمی شوند ؛ ضرورت ایمن سازی خیابان‌ها ، کنترل آلودگی‌های زیست محیطی ناشی از رفت و آمد وسایل نقلیه موتوری ، لزوم برقراری آرامش و امنیت برای کاربری‌های همجوار که در نتیجه افزایش حجم و سرعت ترافیک پدید آمده اند ، چیزی بیش از زیبا سازی محیط به وسیله فضای سبز را طلب می‌کند . البته شکی نیست که احداث فضای سبز به زیبا سازی محیط و بیش از همه زیبا سازی فضای خیابان کمک می‌کند ، ولی در شرایط موجود نباید زیبا سازی را به عنوان هدف اصلی طراحی پذیرفت . " (بهرام سلطانی ، ۱۳۸۴ ، ۱۵۱) .

وجود فضای سبز در پیرامون خیابان‌ها و معابر شهری سبب تغییراتی در میکرو اقلیم ، کم کردن آلودگی و تیرگی هوا ،جلو گیری از سیلاب در خیابان‌ها ، جلوگیری از گرد و غبار ، لغزش زمین‌های اطراف خیابان‌ها و مانند آن می شود.

طراحی و " به نظم در آوردن گیاهان حاشیه خیابان‌ها نیازمند رعایت برخی نکات فنی می باشد. برای رسیدن به هر هدفی ، باید به احداث فضای سبز مورد نیاز همان هدف پرداخت . از آنجائی‌که فضای سبز شبکه راه‌ها همواره منجر به اشغال زمین و فضا می شود ، برحسب اجبار طراحی فضای سبز شبکه راه‌ها باید همزمان با طراحی شبکه راه‌های شهری صورت پذیرد و به زمین و فضای مورد نیاز آن از همان مراحل اولیه طراحی توجه ، جدی شود ." (بهرام سلطانی ، ۱۳۸۴ ، ۱۵۱) .

مجموعه اهداف طراحی و معماری فضای سبز شهری را در این موارد می توان خلاصه نمود:

۱- ایمن سازی پیکر خیابان با فضای سبز

۲- ایجاد تسهیلات در امر رانندگی وایمن سازی آن

۳- بهسازی شرایط زیست محیطی کاربری‌های همجوار از راه کاهش مزاحمت‌های ناشی از رفت و آمد وسایل نقلیه موتوری .

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

ایمن سازی پیکر خیابان با فضای سبز

بازدهی‌های فضای سبز در ایمن سازی پیکر خیابان به شرح زیر می باشد:

- جلوگیری از شسته شدن و ریزش لبهٔ خیابان‌ها بر اثر هرز آب‌های سطحی ؛
- جلوگیری از پیشروی و انباشت ماسه های روان در سطح خیابان‌ها ؛
- تثبیت دیواره و شیب‌های تند اطراف خیابان‌ها ؛
- جلوگیری از ورود بهمن و سنگلاخ به سطح خیابان‌ها؛
- کاهش تاثیر بادهای شدید بر محیط خیابان‌ها؛
- جلوگیری از حمل و انباشت برف بر سطح خیابان‌ها بر اثر وزش باد .

با احداث یک نوار سبز که بر حسب مورد از یک یا چند ردیف درخت و درختچه تشکیل یافته باشد ، توان به اکثر این اهداف دست یافت . استفاده از فضای سبز به عنوان بادشکن با اینکه از دشواری‌های زیادی برخوردار است؛ ولی بازدهی‌های مناسبی را در مناطق بیابانی دارا می‌باشد . برای این امر لازم است که از گونه‌های مناسب استفاده شده و تا مرحله رشد کافی از آنها محافظت به عمل آید. این مساله را می توان در استان‌های بیابانی کشور مانند سیستان بلوچستان و کرمان بکار گرفت.

" در طراحی برف گیرهای سبز ، علاوه بر پیش بینی فاصله کافی تا لبه جاده ، باید فضای لازم برای انباشت برف در سمت باد پناه برف‌گیر نیز در نظر گرفته شود . برای این منظور ضروری است ، متناسب با بیشترین شدت وزش باد در محل مورد نظر، فضائی برابر ۸ تا ۱۵ برابر ارتفاع برفگیر پیش بینی شود .برای مثال هرگاه ارتفاع برفگیر برابر ۵ متر باشد ، عرض فضای مورد نیاز برای انباشت برف باید بین حداقل ۴۰ متر تا حداکثر ۹۰ متر انتخاب شود . " (بهرام سلطانی ، ۱۳۸۴ ، ۱۵۳). رعایت این اصل در جاده های استانهای برف گیر کشور لازم و ضروری است.

لازم به ذکر است که در طراحی فضای سبز حاشیه خیابان‌ها باید دقت کافی در انتخاب گونه های مناسب با اقلیم محلی بکار گرفته شود . همچنین تنوع استفاده از گونه های گیاهی سبب پایداری گونه های کشت شده در برابر بیماری‌ها و آفات نباتی خواهد شد. از طرف دیگر در طراحی فضای سبز حواشی معابر، باید از فصلی نگری و یا نگرش تک فصلی به فضای سبز پرهیز گردد که در این صورت زیبایی فضای سبز فقط برای فصل مورد نظر مناسب خواهد بود. به همین دلیل در طراحی فضای سبز باید نگرش چند فصلی داشته باشیم . گونه‌های گیاهی با تنوع مختلف خود دارای زیبایی متنوعی می باشند . برخی از گونه ها دارای رنگ‌های متنوع در هنگام خزان می باشند

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

. همچنین برخی از گونه‌های برگ ریز، سبب ایجاد چشم اندازهای سیال در سطح خیابان می‌گردد که لازم است در هنگام طراحی و استفاده از گونه های گیاهی مد نظر قرار گیرد.

برای احداث نوار سبز باید میان خیابان‌های صاف و هموار و خیابان‌هایی که با توپوگرافی زمین حرکت می‌کنند ، تفاوت قائل شد. در خیابان‌های مسطح می‌توان از ردیف کاری ساده (آلۀ یک ردیفه برای خیابان‌های فرعی و باریک) تا ردیف های چند گانه (آلۀ چند ردیفه برای بزرگراه‌ها و جاده های سریع شهری) استفاده کرد . در حالی‌که ردیف‌کاری بصورت آلۀ در خیابان‌های مسطح بسیار جلوه می‌کند و همزمان نیز قادر به حفاظت از پیکر نیز هست ، ممکن است کاربرد آن برای خیابان‌هایی که روی توپوگرافی زمین سوار شده اند خطرناک باشد. به عنوان یک اصل کلی که در تمام روش‌های معماری فضای سبز خیابان‌ها صدق می‌کند، باید از کاشت درختان و درختچه‌های بزرگ در قسمت‌های درونی پیچ‌های خیابان خودداری شود. در این قبیل موارد – درصورت لزوم – می توان از گیاهان پوششی استفاده کرد، تا میدان دید راننده محو نشود .

برای بزرگراه‌ها و خیابان‌های سریع شهری ، استفاده از نورشکن در میانه خیابان ضروری است . بدین منظور ، هم می‌توان از کرکره های نورشکن استفاده کرد و هم با ایجاد یک نوار سبز فشرده به مقصود رسید . انتخاب هریک از دو روش یاد شده و یا استفاده از هر دو روش بطور همزمان ، بستگی به امکانات فنی و مالی موجود – به ویژه تیم طراحی – دارد (بهرام سلطانی ، ۱۳۸۴ ، ۱۵۵).

فضای سبز خیابان‌ها به صور مختلف به بهبود وضعیت رفت و آمد وسائل نقلیه موتوری کمک می‌کند . وجود فضای سبز در اطراف خیابان‌ها باعث ایجاد تنوع در محیط یکنواخت خیابان‌ها می شود و از خستگی راننده می‌کاهد . نکته اخیر در جاده‌های طولانی – مانند بزرگراه‌های شهری – اهمیت دو چندان می یابد، زیرا راننده زمان طولانی تری را در خودرو می نشیند و به همین نسبت مدت طولانی تری تحت تاثیر یکنواختی محیط قرار می‌گیرد (بهرام سلطانی ، ۱۳۸۴ ، ۱۵۶). لازم است که در این قبیل جاده‌ها از تنوع برای جلوگیری از ایجاد یکنواختی فضای سبز استفاده شود .

علاوه بر موارد فوق الذکر فضای سبز در تلطیف هوای مجاور خود ، ایجاد حس آرامش و امنیت در عابران ، کاهش آلودگی هوا و ... کمک می نماید. نوع طرح و گونه های بکار رفته در فضای سبز می‌تواند در رفتار شهروندان نیز تاثیر گذار باشد .

در مورد تنظیف و تلطیف خیابان‌ها علاوه بر فضای سبز ، عامل نور نیز مهم می باشد . نوع چراغانی و نور بکار رفته ، مانند رنگ نور ، رقص نور ، اشکال متنوع نوری ، در ایجاد حس بصری در شهروندان تاثیر بسزائی دارد.

shahrsazi novin

NovinShahrsaz



استفاده از رنگ‌های گوناگون در طبیعت

سیمای شهر

همانطور که قبلا ذکر آن رفت سیمای شهر ، تصویر ذهنی شهروندان از شهر محل سکونت‌شان است .این تصویر ذهنی در اثر عوامل مختلفی شکل می‌گیرد. این عوامل شامل عوامل اقتصادی ، فرهنگی، سیاسی ، اجتماعی ، اعتقادی و ...می باشد. بنابراین تصویر ذهنی هر شهروند از شهر محل سکونت منحصر به فرد خواهد بود .

همانطورکه لینچ نیز گفته است "بنظر می رسد برای هر شهری تصویر و سیمای کلی موجود باشد که با تصویری که اشخاص مختلف دیگر از آن در ذهن دارند کاملا مطابقت نکند یا شاید بتوان گفت چندین تصویر کلی از هر شهر موجود است که هر کدام آن ها در ذهن شمار زیادی از ساکنین آن بوجود آمده است .اگر شخص بخواهد در محیط خود با موفقیت کار و زندگی کند و از تعاون همشهریان خود برخوردار گردد ، وجود چنین تصاویر کلی لازم است .تصویری که هر **فرد** از سیمای شهر دارد ، منحصر به فرد است و پاره ای از قسمت‌های آن هرگز و یا بندرت به دیگران القاء گشته است. با این همه تا اندازه‌ای شبیه تصویر کلی از سیمای موجود شهرهاست و ممکن است کم یا بیش جذاب و یا کم یا بیش ناراحت کننده باشد" (مزینی ، 1374، 90).

سیمایی که شهر در ذهن شهروندان خود دارد ، بر اساس تجربیات قبلی فرد،متفاوت است . بنابراین هر فرد بسته به درک و آگاهی‌های قبلی خود ، سیمای بخصوصی را از شهر خواهد ساخت .

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

آگاهی ، مقوله‌ای است که در شکل‌گیری آن، نهادها و سازمان‌های مختلفی تاثیر گذار هستند. بنابر این گفته چنانچه آگاهی از جنس آگاهی کاذب بوده باشد ، تصویر و سیمای شهر ، سیمایی کاذب خواهد بود. هدف از گفتن این مطلب ، بدین منظور است که با استفاده از فرهنگ، به عنوان کالا و ایجاد آگاهی‌های کاذب، بر ذهنیت افراد تاثیر گذاشته و مردم آن شهر ناخودآگاه، سیما و تصویری از شهر محل سکونت خود ارائه می دهند که ویژگی و خصوصیت شهری است که با فرهنگ بومی آن شهر بیگانه است.

سیمای شهر، آن تصویر ذهنی ای است که انسان در چارچوب ساختار شخصیتی اش ، اگاهانه و یا ناآگاهانه از جنبه‌های خاص از واقعیت فیزیکی موجود، تجربه کرده است. اما این تصویر ذهنی برای فرد مربوط به زمان حال نبوده؛ بلکه با تصورات ذهنی او از گذشته و آینده ترکیب شده و ایجاد خاطراتی از گذشته و توقعاتی از آینده می‌کند (پاکزاد ، 1385، 23) . به زبانی ساده‌تر می‌توان گفت، تصویر و ترکیبی از شهر را که توسط عوامل متعددی مانند خصوصیات کالبدی(فیزیکی) و قابل رویت شهر از قبیل اندازه، شکل،سبک،ارتفاع،حجم و سایر ویژگی های ظاهری فضاهای کالبدی و مناظر حاصل از فضاهای سبز و فضاهای خالی و نیز ترکیبی از آن با فضاهای کالبدی و به طور کلی همه عوامل، عناصر و فضاهایی که توسط یک ناظر قابل مشاهده هستند و می توان از آن عکس تهیه کرد، سیمای شهر خوانده می‌شود.در واقع سیمای یک شهر، تصویر و ترکیبی ثابت و جامد نیست که در طول یک دوره‌ی زمانی، حتی یک دوره کوتاه زمانی مانند یک شبانه روز ثابت باشد.(سلطان زاده،1365،.314-313).

به عقیده لینچ، شهر تنها در حد قالب کالبدی و نقشه شهری معنا نمی یابد ، بلکه شهر به همراه زندگی ساکنان آنان و دیدگاه آنان نسبت به شهرشان معنا می یابد. به بیانی دیگر ، فضا یا شهر فقط شامل عناصر کالبدی آن نیست؛ بلکه انسان ها ، فعالیت ها و رفتارهایشان را نیز دربر می گیرد (پاکزاد،1385، 23).

لینچ می‌گوید عوامل متحرک هر شهر خاصه مردم و فعالیت‌های آنان ، همان قدر در ایجاد تصویر هر شهر در ذهن موثرند که عناصر ثابت کالبدی شهر. آدمیان نه تنها ناظر مناظر شهرند؛ بلکه خود نیز جزئی از آن منظر هستند (همان).

بیشترین تاکید لینچ به کشف و درک تصویر ذهنی شهروندان و ناظران از شهرهایشان است. آنچنان که می‌گوید: هر شهروندی رابطه ای دیرینه با بعضی بخش های شهر دارد و تصویر ذهنی او از آنها همراه با خاطرات و معانی بسیاری برای اوست .(همان).

" هیچ عاملی از شهر به خودی خود به تجربه نمی‌آید، مگر آنکه در رابطه با زمینه یا محیطش

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

مشاهده شود ، تسلسل وقایعی که سبب بروز آن گشته شناخته گردد و در رابطه با خاطره ها و تجارب گذشته باشد ".

عوامل بسیار به شناخت و تشخیص محیط کمک می کنند مانند احساسی که رنگ‌ها ، اشکال ، تحرک و تنوع نور برای دیده به وجود می آورند ، بو ، صدا ، حس لامسه و...، این عوامل منجر به ایجاد تصویری از محیط در ذهن ناظر می شوند . هر چه کیفیت این تصویر از روشنی و وضوح بیشتری برخوردار باشد، شهر را خواناتر احساس کرده و برای ناظر احساس امنیت بیشتری ایجاد خواهد شد . محیطی که در ذهن واضح و مشخص باشد ، نه تنها احساس امنیت به وجود می‌آورد؛ بلکه عمق و شدت تجربه فضایی را نیز زیاد می‌کند .

لینچ، تضادی میان وضوح و تنوع نمی بیند و طرفدار تنوع در عین وضوح می باشد. به گفته وی " سادگی تصویر شهر نباید به حدی باشد که یکنواختی ملال آوری را بر ذهن بیننده القا کند . تنوع و پیچیدگی، سیمای شهر را دلپذیر و پر هیجان می‌کند؛ اما این تنوع باید تا اندازه ای باشد که وضوح کلی از میان نرود و شخص نباید هرگز احساس کند تصویر کلی خود از محیط را از دست داده و به اصطلاح گم شده است ." (پاکزاد ، 1385، 23).

برای لینچ، عبارت گم شدگی حد اعلای درماندگی را دربر دارد. او می گوید " لغت انگلیسی Lost به معنای گمشده تنها به گم‌گشتگی و عدم اطمینان از محلی که شخصی در آن است، اطلاق نمی شود ، بلکه بیان دارنده درماندگی محض است ".

لینچ یکی از مهم ترین عوامل آشنایی فرد با محیط و تشکیل تصویر ذهنی از محیط را **نقش انگیزی** آن محیط می‌داند و معتقد است نقش انگیزی خاصیتی از یک شی می باشد که در ذهن ناظر، تصویر زنده‌ای از شی را به جای می گذارد. به این ترتیب یکی از دل‌مشغولی های لینچ آن بود که چگونه کیفیت های فیزیکی می توانند به نقش انگیزی محیط کمک کنند ؟

به گفته وی تصویر هر محیط، حاصل جریانی دو جانبه بین ناظر و محیط است. محیط با مظاهر خاص خود جلوه‌گر می شود و رابطه ای در ذهن ناظر ، بین او و تجاربش به وجود می آورد . ناظر به طور معمول به پاره ای از عوامل بصری محیط توجه کرده و آن‌را در ذهن خود به نظام می آورد و به آن معنی می‌دهد. از همین رو تصویر هر عامل ثابت مفروض، ممکن است در ذهن ناظرین مختلف متفاوت باشد .

سیما یا تصویر محیط در ذهن ، همچون تمامی تصاویر دارای عناصر و ساختار ویژه است که عناصر تصویر را در ارتباطی میان آنان در خود جای داده است . کوین لینچ، تصویر هر محیط شهری را به سه جزء تجزیه می‌کند : **هویت** ، **ساختار** و **معنی**

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

در تصویر ذهنی از شهر این سه جزء پیوسته بایکدیگر و به صورت وحدت یافته ای جلوه گر می شوند ، برای اینکه تصویری از شیئی داشته باشیم نخست لازم است شی ء دارای هویتی باشد که به واسطه آن شی را از اشیای دیگر متمایز کند و شیء مورد نظر را به صورت واحدی جدا و در خود مستقل به شناسایی آورد. منظور لینچ از هویت آن نیست که شباهت های یک شی را با اشیاء دیگر معلوم دارد ، بلکه صفاتی است که خاص خود شی می باشد و آن را منحصر به فرد می‌کند .

دوم آنکه باید رابطه کالبدی – فضایی هر شی‌ای که در ذهن داریم، با ناظر و اشیاء دیگر معلوم باشد. نکته آخر آنکه شی باید برای ناظر، واجد پاره‌ای معانی – اعم از معنایی که متضمن استفاده ای خاص است یا معنای احساسی باشد . به نظر لینچ معنای شی بر حسب رابطه آن با ناظر و اشیاء دیگر حاصل می‌آید. اما این رابطه با رابطه‌ای کالبدی / فضایی و فرمال کاملا متفاوت است.

عناصر تصویر ذهنی

براساس مطالعات لینچ، تصویر ذهنی از محیط، مجموعه‌ای از عواطف اولیه‌ای است که از تجربه فضا به دست آمده و در مجموعه تصاویر ذهنی به عناصر مختلفی تجزیه ، مرتبط و یا منتزع می شوند، مانند حوزه ها ، مسیرها ، لبه ها ، گره ها و نشانه ها . به عبارت دیگر ، انسان عوامل محیطی و نظم حاکم بین آنها را در ذهن خود در پنج عنصر فوق خلاصه و طبقه‌بندی کرده و برای یاد آوری نیز از این مقولات ذهنی کمک می گیرد. مطالعات انجام گرفته راجع به تصویر ذهنی افراد شهر، حاکی از آنست که شهروندان **نقشه ذهنی شهر یا محله** خود را در پنج عنصر و روابط بین آنها خلاصه می کنند.

۱- مسیر

مسیر، عنصری ذهنی است که شهروند از شبکه حرکتی و ترددی شهر خود دارد. عنصر فوق الذکر بازتابی از نظام ارتباطی شهر به حساب می‌آید که توسط شهروندان تجربه می گردد. به همین خاطر مسیرها شاخص ترین و مهم ترین عناصر در تصویر ذهنی شهروندان می باشند .

منشاء این عنصر ذهنی، می تواند خیابان ، پیاده رو ، مترو ، تراموا یا خطوط راه آهن باشد . برای بسیاری از مردم مکان‌های یاد شده، مهم‌ترین عوامل ایجاد کننده تصویر ذهنی مسیرها هستند .

مسیرها در اذهان شهروندان دارای سلسله مراتبی است که از مسیرهای عمده و شریانی شروع شده و به مسیرهای محلی و خودمانی خاتمه می یابد .

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

۲- حوزه

منظور از حوزه، تصویری است که شهروند از ظاهر ، عملکرد و یا معنای یک مجموعه فضایی در ذهن خود ایجاد کرده و دارای ویژگی مختص به خود می باشد . بدین ترتیب حوزه نه فقط محله به معنای متداول آن ، بلکه مجموعه هایی چون بازار ، منطقه صنعتی، پادگان ، فرودگاه ، مراکز تجاری و ...را شامل می گردد (پاکزاد ، 1385، 24).

نواحی خاصی از شهرها دارای هویت مشخص به لحاظ عملکرد و طراحی کالبدی و معنا و مفهوم می‌باشند. در برخی نواحی شهری می‌توان از طریق بکارگیری طرح‌های متفاوت شهری ، اثاثیه و مبلمان خاص و برنامه ریزی و مدیریت معماری چشم انداز، حوزه‌های متفاوتی را ایجاد نمود.



بازارچه ماسوله

۳- گره

گره نقاطی حساس در شهر هستند که ناظر می‌تواند به درون آنها وارد شود و کانون‌هایی که مبدا و مقصد حرکت او را بوجود می آورند، ممکن است محل تقاطع دو خیابان یا دو جاده باشند؛ جایی باشند که خطوط حمل و نقل تغییر مسیر می دهند ؛ نقطه‌ای که چند راه به یکدیگر می رسند یا از کنار یکدیگر می‌گذرند . حتی ممکن است محل تمرکز باشند و اهمیت آن ها به سبب تراکم پاره ای از امور و یا خصوصیات در نقطه‌ای باشد ؛ مانند گوشه‌ای از خیابان که به اصطلاح

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

پاتوق بچه های محل است (مزینی ، 1372، 92).

مراکز فعالیتی یا تجمع کاربری‌ها در یک محل ، تفاوتی را در کاربری‌ها و در جذب شهروندان به خود، نسبت به سایر نواحی شهر حاصل می نماید . این محل ها را گره می نامند. مراکز خرید ، ایستگاه‌های حمل و تقل درون شهری ، نواحی تاریخی را می توان جزو گره نام برد که باعث جذب ناظر و شهروندان به سوی خود می گردند. (تاکید از مولف).

۴- لبه

لبه عوارض خطی می باشند که با راه و مسیر متفاوت می باشند. مرز بین دو قسمت ، شکافی در امتداد طول و بین دو قسمت پیوسته شهر ، بریدگی که خطوط راه آهن در شهر بوجود می‌آورد . حد مجموعه‌ی ساختمانی و یا دیوار را می توان به عنوان مثال‌هایی از لبه در سیمای شهر ذکر کرد . لبه ها عوامل جانبی هستند و نه محورهای توازن و تقارن. ممکن است بصورت عواملی باشندکه عوامل دیگر را مسدود کنند یا بر آن ها حدی نهند. البته تا اندازه ای می توان در درون آنها نفوذ یافت . به عنوان مثال ممکن است یک ناحیه را به ناحیه ای دیگر مسدود سازند ؛ یا ممکن است مانند بندی باشند بین دو ناحیه ، خطی که در امتداد آن ، دو ناحیه به یکدیگر اتصال می یابند و پیوسته اند .

مرزها در طراحی شهری مهم می باشند. مرزها جدا کننده کاربری‌ها در شهر ، ناحیه و یا بین عوارض می باشند. بارز بودن لبه ها سبب خوانائی شهر خواهد شد. پس لبه ، مرزی است که دو قسمت مانند ، کاربری‌ها را از هم جدا می نماید (تاکید از مولف).

۵- نشانه ها

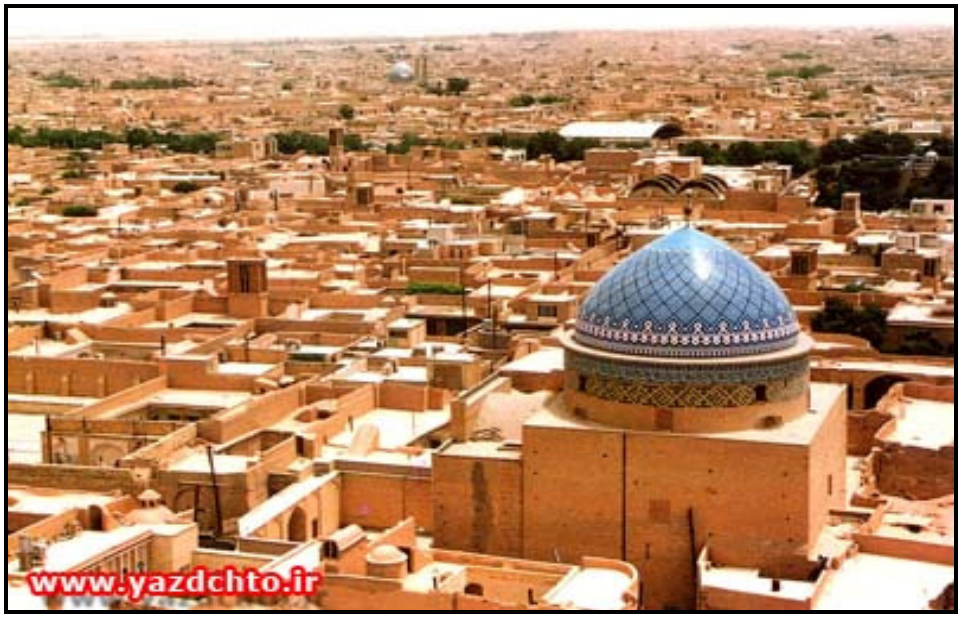
نشانه‌ها نیز عواملی در تشخیص قسمت‌های مختلف شهر هستند ؛ با این تفاوت که ناظر به درون آنها راه نمی یابد. معمولا اشیائی که ظاهری مشخص دارند، مانند ساختمان‌ها، علائم ، فروشگاه‌ها یا حتی یک کوه می تواند نشانه ای باشد. خصوصیت نشانه باید چنان باشد که بتوان آن را از میان عوامل بسیار باز شناخت. پاره ای از نشانه ها را که بر پاره ای عوامل کوچک قد برافراشته اند می‌توان از دور به زوایای مختلف تمیز داد و در جهت یابی، آن ها را از تمام جوانب مورد استفاده قرار داد .تک برج ها ، گنبدهای طلائی و تپه های گران پیکر، مثال هایی هستند که معرف نشانه در سیمای شهرند (مزینی ، 1372، 93).

بناهای مهم ، مراکز فرهنگی مهم و یا عارضه های طبیعی مشخص و بارز جزو نشانه‌های شهری

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

به شمار می روند . این نشانه ها برای هر شهری تصویر مجزائی را خلق می‌کند . در برخی موارد نشانه های شهری را در مرکز شهر قرار می دهند. مساله مهم در مورد نشانه های شهری این است که نشانه های شهری را بتوان از فواصل دورتر مشاهده نمود، در صورتی‌که نشانه های شهری بدلیل ساخت و سازهای بی رویه پنهان باشند، دیگر قابلیت نشانه بودن را نخواهند داشت. همچنین نشانه های شهری را مطابق و منطبق با چشم اندازهای پیرامون طراحی کرده و می سازند. (تاکید از مولف).



گنبد فیروزه ای نشانه ای از شهرهای اسلامی

عناصر تصویر ذهنی شهر

عناصر تصویر ذهنی	مشخصه	نمونه
مسیر	شبکه حرکتی و ترددی	خیابان ، پیاده رو، مترو
حوزه	ظاهر ، عملکرد و معنای یک مجموعه	محله ، بازار ، منطقه صنعتی ، مراکز تجاری
گره	مراکز فعالیتی یا تجمع کاربری‌ها که باعث جذب ناظر و شهروندان می شود	ایستگاه‌های حمل و نقل ، نواحی تاریخی .
لبه	مرز بین دو قسمت ، شکافی در امتداد	بریدگی که خط راه آهن

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

	طول و بین دو قسمت شهر	در شهر بوجود می آورد
نشانه	تشخیص قسمت‌های مختلف شهر با این تفاوت که ناظر به درون آن را ه نمی یابد	بناهای مهم ، مراکز فغرهنگی

مشارکت مردم در زیبا سازی سیمای شهر

براستی چگونه شهروندان یک شهر می توانند در زیباسازی سیمای شهر مشارکت نمایند ؟

این مطلب " مشارکت مردم در زیبا سازی سیمای شهر" در هاله ای از ابهام قرار دارد. منظور دقیق از سیمای شهر چیست ؟آیا تصور ذهنی شهروندان مد نظر می‌باشد یا محیط و منظر پیرامونی که قابل ادارک می باشد؟

همانطور که قبلا نیز ذکر آن رفت، منظور از سیمای شهر تصور ذهنی شهروندان از شهر محل سکونت خود می‌باشد . پس باید بدانیم چگونه می‌توان این تصور ذهنی را از شهر زیبا نمود. پس در ابتدای کار لازم است که بدانیم از چه طرقی مردم می‌توانند در زیبا سازی این تصور ذهنی مشارکت نمایند. اما اگر منظور از زیبا سازی سیمای شهر بعد کالبدی و طراحی محیط و منظر است ؛ در این جا هدف چیز دیگری است که کمی با مشارکت در زیبا سازی تصور ذهنی که لازمه زیبا سازی محیط و منظر است، فرق دارد.

اصولا هدف از مطالعه سیمای شهر ، جلب مشارکت شهروندان می باشد؛ چرا که در طی مطالعه سیمای شهر است که با نظرات مردم ساکن شهر در مورد شهر محل سکونت آگاهی‌های لازم را کسب می کنیم.کوین لینچ نیز به همین منظور" جلب مشارکت شهروندان " مطالعه سیمای شهر را وارد ادبیات شهرسازی نمود که تحولی در برابر شهرسازی مدرن محسوب می شد . بنابراین مطالعه سیمای شهر ، بدون مشارکت شهروندان امکان پذیر نمی باشد. اما این مطلب هنوز باقی است که چگونه سیمای شهر را در تصور ذهنی شهروندان زیبا کنیم. حقیقت این است که پاسخ‌گویی به این سوال آسان نیست و نیاز به تحولات عظیم ساختاری در بعد فرهنگی ، اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی و کالبدی را طلب می نماید.

یک طرف قضیه در باب مشارکت شهروندان در زیباسازی سیمای شهر بعد کالبدی است که شامل خیابان‌ها ، بناها ، میادین ، گره ها ، ساختمان‌های شاخص و ... می باشد . در این مورد روش کار تقریبا مشخص است . کافی است که در ابتدای کار بدانیم مردم علاقمندند که چه نوع مناظر شهری را ببینند و به خاطر بسپارند . از روش‌های متعددی برای فهم این امر می توان استفاده نمود

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

که برای نمونه می توان از تشکل‌های مردمی ، شوراهای محل ، تشکل‌های دولتی و اقشار مختلف مردم بهره برد.

اما باز روش جمع آوری داده ها و جمع بندی آن و نتیجه گیری از این اطلاعات و داده ها کمی سخت بوده و احتمال دارد که نظر مردم و شهروندان را بر آورد ننماید . ولی می‌توان پی برد که مردم چه چیزهایی را از کالبد و محیط پیرامون خود طلب می نمایند . در نتیجه با ارجاع اولیه به مردم ، می توان یک طرح برای ساماندهی مناظر شهر بر اساس خواست مردم تهیه نمود .

بعد دیگر قضیه در مبحث منظر کالبدی شهر ، نحوه اجرا و مشارکت در ساخت فرم ها و کالبد شهر با توجه به هزینه بر بودن این قبیل طرح ها است. در این جا وظیفه مدیریت شهر است که با حمایت های مختلف از جمله حمایت مالی (اعطای وام های دراز مدت ، کسر مالیات و...) مردم را به تغییر نما ، فرم ساختمان‌ها و مناظر در اختیار اشخاص با توجه به الگوی مورد نظر خود که توسط نظرات مردم بدست آمده ، تشویق نماید.

اما بعد کاربردی در مشارکت شهروندان در زیبا سازی سیمای شهر (تصور ذهنی شهروندان) به فرهنگ ، رفتار و ... بر می گردد که در این مورد باید آموزش کافی برای شهروندان داده شود. ولی آیا براستی در وضعیت کشور ما این امر اتفاق می افتد ؟

زمانی که شهرداری‌ها بودجه کافی برای مسائل مختلف خود در اختیار ندارند ، پرداختن به منظر شهر در اولویت‌های آخر قرار می‌گیرد . بنابراین قبل از رجوع به مردم جهت جلب مشارکت، در ابتدای امر باید وضعیت نابسامان شهرداری‌ها از نظر مالی بهبود یابد.

البته از طرف دیگر جلب اعتماد شهروندان امری مهم در جلب مشارکت آنان است، تا زمانی که مردم به دستگاه مدیریت شهر اعتماد نداشته باشند، مشارکت آنها با سختی همراه خواهد بود .

از ابعاد دیگر مشارکت می توان به اعطای اختیارات به مردم در قالب انجمن های محل و تشکل های محلی اشاره نمود، که از این طریق می توان اعتماد مردم و شهروندان را به راحتی جلب نمود.

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در سیمای شهری تاثیر می‌گذارد ، مسائل مربوط به فرهنگ ، اعتقادات ، باورها و... است. این موارد تاثیرات زیادی را در خلق تصور ذهنی از شهر ایفا می نمایند . حقیقت این است که در تصور ذهنی شهر (سیمای شهر) تنها فرم های کالبدی نیست که در ذهن باقی می مانند؛ بلکه رفتارهای مردم ، نحوه برخورد آنها با همدیگر و... نیز از جمله عوامل تاثیرگذار در تجسم سیمای شهر می‌باشد. بنابراین مساله این است که مردم ساکن در شهر از این طریق (مسائل فرهنگی ، اعتقادی، رفتاری) می‌توانند خالق تصورات ذهنی خوب و یا بد در بین شهروندان باشند.

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

از آنجایی‌که شهر به عامه مردم و شهروندان تعلق دارد، بدیهی است که شهروندان و ساکنان شهر در شکل‌گیری ، توسعه ، نظارت و چگونگی بهره‌گیری از امکانات شهر دخالت فعال و موثر داشته باشند. از این دیدگاه موضوع مشارکت شهروندان در روند توسعه و عمران شهر یک پدیده فرعی یا یک تدبیر سیاسی و اخلاقی نیست؛ بلکه یکی از افزارهای لازم برای موفقیت در تهیه و اجرای طرح های توسعه شهری محسوب می شود. (مهدیزاده و همکاران ، ۱۳۸۵ ، ۳۱۵).

" از طرف دیگر، وقتی ضرورت های جدید شهرنشینی ، بسیاری از نهادها و کارکردهای زندگی خصوصی شهروندان مثل آموزش و پرورش ، گذراندن فراغت و تفریح و مراودات اجتماعی و فرهنگی را از درون خانه‌ها به فضای باز عمومی کشانده است و وقتی تمام اقدامات و تصمیمات فردی شهروندان در عرصه ساخت مسکن ، فعالیت شغلی و رفت و آمد با اقدامات عمومی تلاقی پیدا می‌کند ، دیگر نمی توان با تصمیم گیری از بالا و تشخیص کارشناسی ، به نیازهای وسیع ، متغیر و نا شناخته مردم پاسخ گفت." (مهدیزاده و همکاران ، ۱۳۸۵ ، ۳۱۵).

اشکال و روش‌های مشارکت در شهرسازی

به موجب گزارش سالانه " دفتر توسعه و عمران سازمان ملل" در سال ۱۹۹۳ درباره مشارکت مردمی و توسعه انسانی قلمرو مشارکت مردمی به چهار عرصه سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی و خانوادگی تقسیم شده است. در همین گزارش به عنوان ابزارهای لازم برای تحقق مشارکت از عواملی مثل دموکراسی ، اقتصاد بازار ، خصوصی سازی ، اطلاع رسانی و سازمان های غیر دولتی نام برده شده است.

در قلمرو برنامه ریزی و طراحی شهری، اشکال اصلی مشارکت شهروندان را می توان به سه نوع اصلی زیر تقسیم نمود:

الف) مشارکت علمی و فنی : همکاری نهادهای بخش عمومی با موسسات حرفه ای و تخصصی شهرسازی در زمینه تهیه طرح ها و برنامه های توسعه و عمران

ب) مشارکت اقتصادی : جلب همکاری و سرمایه گذاری بخش خصوصی در توسعه و عمران شهری

ج) مشارکت اجتماعی : همکاری تشکل های صنفی و جمعی محلی در تهیه و اجرای طرح های توسعه و عمران شهری و نظارت و پیگیری .

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

اولین قدم برای جلب مشارکت شهروندان در تهیه و اجرای طرح های توسعه و عمران شهری ، اطلاع هر چه بیشتر از نیازها و خواست‌های آنان است. " گرچه به نظر مولفان ایجاد حس تعلق به مکان در شهروندان از ضروریات اصلی و اولیه برای جلب مشارکت می باشد".

ابزارهای مهم برای اطلاع از نیازها و خواست‌های مردم ، بجز روش‌های مطالعاتی رایج، عبارت است از پژوهش مشارکتی ، نظر سنجی عمومی ، نظر خواهی از نهادها و تشکل‌های محلی و صنفی ، مذاکره با کارشناسان و اهل نظر . لازم به ذکر است که در نظر خواهی و نظر سنجی عمومی باید دقت زیادی در روش نظر سنجی و استخراج اطلاعات بکار گرفته شود تا واقعا آنچه عموم می پسندند بدست آید.

دومین قدم در مسیر مشارکت شهروندان ، دخالت دادن نظرات و تمایلات آنان در طرح های توسعه و عمران و جلب موافقت افکار عمومی نسبت به نحوه انجام آنها است. در این زمینه نیز در کشورهای پیشرفته، طرح های توسعه و عمران شهری ابتدا به صورت پیشنهادات اولیه به عموم و نهادهای ذیربط ارائه می گردد و پس از نظر خواهی و نقد و اصلاح به تصویب نهایی می‌رسد. (همان ، ۳۱۸-۳۱۹).

نقش نهادها و ارگان‌ها در سیمای شهر

عملکرد و نوع فعالیت سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیر دولتی که در امر مدیریت شهری دخالت دارند، به نوعی در سیما و منظر شهری تاثیرگذار است. البته در کشور ایران تا زمانی که مدیریت شهری بصورت یکپارچه نباشد ، هماهنگی بین سازمان‌های ذیربط مشکل خواهد بود که در حال حاضر در اکثر شهرهای کشور شاهد آن هستیم . به این معنی که تا زمانی که سازمان‌های دخیل در مدیریت و عمران شهری زیر نظر شهرداری نباشند، سازمان‌ها دولتی دخیل در امر مدیریت شهری تاثیر منفی در منظر شهری خواهند داشت. علاوه بر این مورد در زمان تهیه طرح‌های عمران شهری ، لازم است که این طرح ها نیازهای عمرانی تمامی سازمان‌ها را نیز در بر گرفته و نقش آنها را مشخص نماید.

البته همانطور که گفته شد سازمان‌هایی که در عمران شهری دخیل هستند، باید با مجموعه مدیریت یکپارچه اقدام به فعالیت نمایند تا عدم وجود هماهنگی سبب تخریب مناظر شهری نگردد.

یکسری از سازمان‌ها و ارگان‌ها نیز وجود دارند که فعالیت آنها عمرانی نمی‌باشد و در بعد فرهنگی و اجتماعی قرار می‌گیرد. در این زمینه می‌توان از موسسات آموزش عالی و آموزش و پرورش نام برد که تاثیر بسزائی را در شهروندمداری و تربیت شهروندان دارند که نبایستی از نظر

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

دور شوند . این سازمان‌ها رفتار شهروندان را متناسب با شرایط مورد نیاز جامعه جهت داده و در صورت لزوم اصلاح می نمایند.

برای مطالعه سیمای شهر معمولا از پرسشنامه های که بدین منظور تهیه می شود، استفاده می کنند. نمونه ای از این پرسشنامه در پیوست ۱ آمده است.

چند پیشنهاد مهم در ارتباط با شهر برای شهرداران

- **طراحی خیابان‌ها برای مردم** : در این مقوله باید بدنبال مسائلی بود که سبب جذب مردم به خیابان‌های شهری می شوند. مردم دوست دارند پیاده قدم بزنند، متاسفانه در شهرهای امروزی این امر نادید گرفته می شود و مسائل مربوط به ترافیک همواره مد نظر قرار می گیرد .
- **بکارگیری تخصص‌های‌گوناگون و متنوع درساخت شهرها** : امروزه پیچیدگی‌های موجود در زندگی و مسائل مربوط به جامعه شهری را یک رشته تخصصی نمی تواند پاسخ‌گو باشد. به همین خاطر در عصر حاضر استفاده از تخصص‌های علمی مختلف لازمه بهبود شرایط زیستی در شهرها محسوب می شود.
- **مختلط نمودن کاربری‌ها و پرهیز از منطقه بندی عملکردی :** از جمله روش‌هایی که بواسطه آن می توان خیابان‌های شبانه روزی خلق نمود، مختلط نمودن کاربری‌ها در شهر می‌باشد. بدین منظور لازم است که شهرداران محترم و مدیران شهری در اختصاص کاربری‌ها برای یک خیابان به محدودیت‌های زمانی کاربری‌ها دقت نمایند و با اختصاص کاربری‌هایی که به صورت شبانه روزی کار می کنند، از خلوت شدن خیابان‌ها جلوگیری نمایند. منطقه بندی کاربری‌ها در سطح شهر سبب خواهد شد تا استفاده از وسایل نقلیه شخصی و یا عمومی در اولویت قرار گیرد و نتیجتا پیامدها و بحران‌های مختلف از جمله زیست محیطی را منجر خواهد شد.
- **کوچک زیباست** : فشرده سازی ، پرهیز از بلند مرتبه سازی از جمله مسائل دیگری است که باید مد نظر قرار گیرد.
- **مسکن قابل تهیه :** ساخت و در اختیار گذاشتن مسکن مناسب و نرمال برای شهروندان از دیگر مسائل مطرح در این باب می باشد .

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

- **تاکید بر فضای سبز و پارک‌ها :** سالهاست که در ارتباط با اهمیت فضای سبز و حفظ طبیعت در ارتباط با توسعه پایدار بحث می شود . از این‌رو حفظ فضای سبز و گسترش آن از رسالت‌های مهم برای مدیریت شهری محسوب می شود.
- **زیبا سازی مناظر و فضاهای شهری :** تاکید بر زیباسازی بر اساس فرهنگ بومی شهروندان رسالت مهم دیگری می باشد که در پیش روی مدیران شهری قرار دارد.

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

فصل چهارم : سیمای شهر در فرهنگ سنتی اسلامی

نخست لازم است که بدانیم شهر اسلامی چیست و به کدام نوع شهرها اطلاق می گردد . در این کتاب شهرهای دوره پس از ورود اسلام به ایران تا انقراض حکومت قاجاریه شهرهای سنتی اسلامی در نظر گرفته شده اند . البته بنای اکثر شهرهای ایران به دوره قبل از اسلام محدود می گردد . حال چرا شهر اسلامی می گوییم ؟

پس از ورود اسلام به ایران ، مردم ایران زمین با الهام از ایدئولوژی و جهان بینی اسلامی به تغییر و آفرینش فضاها و محل های سکونت خود مشغول شدند . این شهرها که در آنها می توان جنبه های اعتقادی به اسلام را به طور واضح یافت، شهر ایرانی – اسلامی نام گرفته اند که می‌توان آنها را سنتی نیز نامید. به این دلیل که قبل از دوره مدرنیزاسیون در ایران ، شکل و سیمای اکثر این شهرها پس از ورود اتومبیل به درون، بافت قدیمی شهر از بین رفت و تخریب شد. پس هنرمندان ایرانی این شهرها را با دست خویش و با الهام از اندیشه اسلامی آفریده اند . همانطور که قبلا نیز ذکر آن رفت ، هر اندیشه و فکری فضا را منطبق با اصول خود آرایش می دهد . بنابراین شهرهای این دوره نیز بر اساس بینش اسلامی آرایش می یابند که اوج این هنر را در سلسله صفویه و شهرهای این دوره می توان یافت .

سیمای شهر در فرهنگ سنتی اسلامی به چه صورت بوده است . یعنی یک شهر اسلامی تداعی گر عناصر بارز و قابل توجهی بوده که شهرهای غیر اسلامی از آن ویژگی برخوردار نبوده اند . در نگاه اول می توان اینگونه جواب داد که در شهرهای اسلامی عناصری مانند ، مسجد جامع ، بازار ، مدرسه ، ارگ ، محله و... وجود داشته که در شهرهای غیر اسلامی نظیر آن را نداشته ایم . به توضیح ویژگی‌های و خصوصیات مساجد و بازار در انتها خواهیم پرداخت .

از ویژگی مهم شهرهای اسلامی وجود موقوفات می باشد . برخی نظر دارند که وقف تجلی گر روحیه ایثار در مردم مسلمان مخصوصا ایرانی‌ها است . از یک نظر این موضوع درست است ولی دلیل مهم‌تر برای وقف ، نبود امنیت در مالکیت می باشد . هر کس در هر مقام و منصب و مسلکی در طول تاریخ ایران با نا امنی های متعددی از جمله عدم امنیت جان و مال مواجه بوده است . هر لحظه جان و ناموس و اموال یک شخص می توانست مورد تعرض شخص حاکم قرار گیرد . این عدم امنیت و اعتقادات شدید مذهبی به برخی اماکن مقدس ، سبب می شد که وقف در بسیاری از موارد رهاننده جان و مال مردم از تعرض حاکمان باشد .

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

در اینجا بررسی نظرات نادر اردلان و لاله بختیار در کتاب The Sense of Unity در خور توجه است . برای بررسی موضوع از دیدگاه ایشان نیاز به مقدمه‌ای عمیق در آشنایی با جایگاه پدیده ها در جهان بینی اسلام است، اما عصاره آن را در عباراتی چند از مقدمه‌ای که ولی الله نصر بر کتاب فوق الذکر نوشته می توان خلاصه نمود . وی می نویسد :

" توحید بنیادی ترین اصل اعتقادی اسلام است و معماری ایرانی دوره اسلامی کوشیده است تا در تمامی وجوه و ویژگی‌ها نیل به وحدت را دنبال کند . فضا در معماری اسلامی ، هرگز مستقل از فرم و به صورت انتزاعی فرض نمی شود؛ بلکه به واسطه فرم‌ها کیفیت مورد نظر را می‌یابد. به عنوان مثال یک مکان مقدس، قطبی است که فضای اطراف را بر گرد خود متمرکز می‌سازد . مفهوم کیفی فضا ، اصول و شرایط لازم را برای وصول به وحدت و جامعیت در اختیار معمار سنتی قرار می دهد تا ساختمان و شهری بنا نهد که انسان را در تنظیم حرکات و افعال روزانه خود گرد یک مرکز واحد یاری رساند . فضایی که در معماری سنتی شکل می‌گیرد ، این مرکز را یا به طور مستقیم ایجاد می‌کند و یا اینکه آنرا به گونه ای غیر مستقیم القا می نماید. فضا به گونه ای تقسیم می شود که نوعی اتحاد و تلفیق میان وجوه مختلف زندگی حاصل آید . فرم‌ها در توازن و هماهنگی خود گویی تجلی وحدت در کثرت و بازگشت کثرت به وحدت را بازگو می کنند. "

اردلان اعتقاد دارد در هنر ، معماری و شهرسازی اسلامی – ایرانی که هر پدیده و هر فرم نمود خارجی دارد، بوسیله یک حقیقت درونی که جوهره و اصل نهانی آن است ، کامل و تمام می شود . مثلا فرم‌های هندسی که نمایانگر مرکز و مرکزیت هستند ، نمودی از وحدت می باشند . انسان به کمک هنر و بیان‌های انتزاعی به یگانگی و وحدت هدایت می شود . (حمیدی و همکاران ، ۱۳۷۶، ۳۶) .

" اردلان در رابطه با ادراک انسان از موقعیت خود در این جهان و درک معانی کیفی فضا ، به ویژگی‌های فضا اشاره دارد و بر این باور است که در یک فضای دارای ساختار انسان می‌داند در کجا قرار گرفته است و جهت‌های مختلف برای او معنی و مفهوم دارد و فضا از این طریق ارزش کیفی لازم را می یابد . شش جهت شمال ، جنوب ، شرق ، غرب ، بالا و پایین یک نظام هماهنگ کننده اولیه و اصلی را شامل می‌شود که به کمک آن تمام موجودات در موقعیت خاصی قرار گرفته و مکان خود را ادراک می نمایند. این ادراک عمدتا بصری است، ولی وی مثال بارز آن را شهرهایی می‌داند که در فلات مجاور کوه‌ها قرار دارند و کوه‌ها به مثابه دیواری هستند که فضای منطقه ای آنها را تعریف می‌کنند. لذا شهر یک هسته مرکزی در یک فضای منطقه‌ای می‌شود . (حمیدی و همکاران ، ۱۳۷۶، ۳۶).

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

اردلان بسیاری از ویژگی‌های شهرهای ایرانی و عناصر شهری آن را در رابطه با این نگرش تحلیل می‌کند . به عنوان مثال وی اعتقاد دارد که ادراک مکان جغرافیائی گاه به کمک محوطه سازی‌ها و کنده کاری‌ها روی کوه (طاق بستان ، نیشابور) و ساختن دروازه های در دهانه یک معبر (دروازه قرآن شیراز) تسهیل می شود. در نزدیکی شهر ، پل‌ها و رودخانه ها نشانه های برجسته‌ای هستند که جهت دهی می‌کنند . حتی مسیر یک قنات با ردیف درختان ، خطوط راهنمایی هستند که چشم را به سوی شهر هدایت می کنند. در شهر ، انسان نیازمند آن است که خود را در فضا مکان یابی نماید و این کار توسط یک نقطه کانونی مثل مسجد یا خط مستقیم بازار انجام می پذیرد که روح انسان را به سوی خود جذب می نماید . در شهرهای محصور وجود دروازه ها ، جهات اصلی را معین می کنند. وی نتیجه می‌گیرد که این گونه فضاهای سامان یافته ، نظم و هماهنگی شناخته شده آن ، مکان یک فرد را به عنوان یک جهان کوچک مشخص می نمایند که همه آن چیزهایی که او را به سوی جهان بزرگ هدایت می کنند شامل می شوند ". (همان ، ۱۳۷۶، ۳۶).

" اردلان در خصوص استخوان‌بندی اصلی شهر به ویژه شهرهای ایران اعتقاد دارد که نظم شهر شبیه یک کریستال است که ذرات آن بوسیله یک مغناطیس پولاریزه شده است. در شهرهای سنتی این مغناطیس ، همان سیستم حرکتی بازار است و ذرات آن مغازه ها ، کاروانسراها ، مدرسه ها ، مساجد و حمام‌ها هستند . پیوند سلسله مراتبی فضاها در شهر یک سازمان منظم را بوجود می آورد که هم تداوم و هم تغییر را امکان پذیر می سازد . به طور نمونه بازار از یک دروازه شروع و به دروازه مقابل یا یک فضای کانونی مثل مسجد ختم می شود . مسیر راه‌ها نیز از این مسیر اصلی سرچشمه می گیرد . " (همان ، ۱۳۷۶ ، ۳۷).

" از نظر وی، شهر با استخوان‌بندی انسان مشابهت‌هایی دارد و شهر یک ساختار کلی را به نمایش می‌گذارد. در توسعه سکونتگاه‌ها بر اساس اصول اسلامی ، برای بیان وحدت از خلال سازماندهی کمی و کیفی فضاها و فرم‌ها، سه نظم قابل ملاحظه است . این سه الگوی نظام بخش ، نظم طبیعی ، نظم هندسی و نظم هارمونیک می باشند . هر یک از این نظام‌ها به یکدیگر وابسته هستند، اما از توسعه سایر نظام‌ها در طول زمان جلوگیری نکرده و نظم طبیعی در آنهایی که به طبیعت نزدیک‌ترند(مثل روستاها). نظم هندسی در شهرها برای آنکه آنها را به صورت یک کل واحد در آورند ، حاکم می شود و نظم هارمونیک ، کثرت را با وحدت همراه می‌کند .

در شهرهای ایرانی ، وحدت عمدتا از طریق وحدت در استفاده از مصالح ، رنگ‌ها و شکل‌ها حاصل آمده است که در یک نظام ارگانیک (اندامواره) توسعه یافته است . ایده مرکزیت همچنان باقی می ماند، اما مرکز به صورت یک نقطه منفرد در فضا نبوده؛ بلکه در زمان حرکت کرده و خط

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

را ایجاد می نماید که همان عنصر خطی بازار است . این الگو امکان رشد و تغییر را برای بقای شهر فراهم می آورد . در مقایسه چنین الگویی با موجود زنده ، بازار به طور سنتی از نقطه ای شروع می شود که حکم سر در بدن است و به صورت سلول وار و با یک الگوی طبیعی رشد می‌کند و به قلب شهر که نماد آن مسجد جامع است رسیده و سپس راه خود را تا دروازه های شهر ادامه می دهد . در این استخوان‌بندی، ارگان‌های حیاتی شهر مثل حمام ها ، مدارس ، کاروانسراها ، انبارهای غله ، نانوایی‌ها ، آب انبارها ، قهوه خانه‌ها ، مغازه های تجار و اصناف جای گرفته و رشد می یابند .

عناصر متنوع شهری با یکدیگر ارتباط یافته و وحدت در کثرت حاصل می آید . کل شهر یک توده سه بعدی است که معابر آن را تراش داده و حرکت را امکان پذیر می سازد . پدیدار شدن نشانه های شهری، گواه اهمیت فضاهای داخلی می شود . نظم هارمونیک و تکرار عناصر در فضا ، فضاهای متداوم ایجاد نموده و فرم‌های هندسی که در یک سیکل منظم تکرار می شوند، حرکت را القا می نمایند. با حرکت در این فضاها ، فضا و زمان به هم پیوند یافته و در این ائتلاف ، وحدت مورد نظر حاصل می‌آید که در فضا قابل گسترش است و در هر زمان کامل می شود (حمیدی و همکاران ، ۱۳۷۶ ، ۳۷).

دیدگاه‌ها و نظریات موجود در ارتباط با شهرهای اسلامی

در مورد شهرهای اسلامی نظرات متعددی داده شده است که در زیر به برخی از این نظرات اشاره می شود:

- مکتب چشم انداز فرهنگی :

در شناخت چشم اندازهای فرهنگی به دو مورد توجه بیشتری می شود این دو مورد عبارتند از :

۱- عوامل و نیروهای موثر در شکل‌گیری چشم اندازها (سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی) ، این عوامل در شکل‌گیری چشم اندازها بصورت پنهان عمل می کنند .

۲- عوامل تاریخی

حاصل بحث مکتب چشم انداز فرهنگی این است که از نگاه به ظاهر جامعه، پی به درون آن جامعه می برند. یعنی سعی در تبیین عوامل نامرئی دارند که باعث شکل‌گیری فرم‌ها شده است . از طرف دیگر عوامل تاریخی و سیر مراحل تاریخی را در نظر داشته اند.

برادران مارسی و دیدگاه آنها نسبت به شهر اسلامی

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

مفهوم شهر اسلامی را اولین بار برادران مارسی (ویلیام و ژرژ) مطرح می کنند . از نظر ایشان شهر اسلامی، شهری است که از جامعه ناهمگون تشکیل شده است . اما در این جامعه اصول اصلی اسلام (قرآن) جاری می باشد. در شهر اسلامی مسجدی برای نماز (جمعه) ، حمام برای غسل و مجموعه ای از فضاهای تجاری موجود است . ژرژ مارسی، می گوید که مرکزیت شهر اسلامی مربوط به مسجد می باشد و هر چه از مسجد دور تر شویم امور مربوط به آخرت کم رنگ تر می شود. شهر اسلامی رو به مرکز دارد و در این مرکز به اوج معنویت می رسد.

روبرت برونشویگ و دیدگاه او نسبت به شهر اسلامی

برونشویگ از جنبه حقوقی در مورد شهر اسلامی بحث کرده است. وی معتقد است شهر اسلامی شهری است که بر اساس حقوق عرفی شکل می‌گیرد . حقوق عرفی مبنای شرعی دارد. برای نمونه می توان به موارد زیر اشاره نمود :

۱. عدم اشرافیت خانه های غیر بر خانه های مسلمانان
۲. عدم باز شدن درهای خانه ها مقابل هم تا اندرون خانه ها دیده شود
۳. ورود و خروج به داخل کوچه های بن بست مخصوص ساکنین کوچه بن بست
۴. استفاده از خدمات شخصی
۵. عرفیات مربوط به تقسیم آب
۶. آلوده نکردن آب
۷. کنترل ساخت و سازهای اطراف مساجد
۸. ایجاد هشتی جلوی خانه ها
۹. تاسیس سقاخانه‌ها و شمع خانه ها

دیدگاه ژاک برگ نسبت به شهر اسلامی

ژاک برگ به دو کارکرد عبادی و اقتصادی در شهر اسلامی تاکید دارد. وی متوجه شد که شهرهای اسلامی دارای اندازه های مختلفی هستند ، بین قریه و مدینه تفاوت قائل می شود. از نظر برگ، ویژگی‌هایی که یک شهر را به صورت شهر اسلامی درمی‌آورد، جنبه های کارکردی می باشد. این جنبه های کارکردی بیشتر شامل کارکرد عبادی و کارکرد اقتصادی است.

دیدگاه لوقد نسبت به شهر اسلامی

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

از نظر لوقد، شهر اسلامی شهری است که جدایی گزینی اجتماعی در آن در حد بارزی دیده می شود. این جدایی گزینی را می‌توان در جدایی زنان از مردان و جدایی مسلمانان از غیر مسلمانان به وضوح دید.

دیدگاه ویرث نسبت به شهر اسلامی

ویرث، شهر اسلامی را نقد و بررسی کرده است . وی واژه شهر اسلامی را قبول ندارند و به جای واژه شهر اسلامی ، شهر شرقی را بیان می دارد. ویرث برای بررسی ویژگی‌های شهرهای اسلامی در ابتدا دنیا را به حوزه‌های فرهنگی مختلف تقسیم کرده و سپس با یکدیگر مقایسه می‌کند . این بررسی مقایسه‌ای ویرث را متوجه می‌کند که عناصر مشترک در شهرهای اسلامی و غیر اسلامی وجود دارد. وی عناصر مشترک را حذف نموده و تنها بازار با ملزومات و عناصر و پیرامون خودش به عنوان مشخصه بارز شهر اسلامی باقی می‌ماند که در شهرهای سایر ملل بدین صورت دیده نمی شود.

بازار در سایر حوزه‌های شهری محل خرید و فروش است، اما در شهرهای اسلامی بازار دارای عملکردها و کارکردهای مختلف می باشد. مثلا بازار عملکردهای سیاسی نیز داشته است .

ویژگی‌های اصلی مدل شهر اسلامی از نظر اکارت اهلرز

از نظر اهلرز شهرهای اسلامی دارای ویژگی‌هایی به شرح زیر می باشند :

۱- وجود سلسله مراتبی از کارکردها و ساختارها در مرکز شهر ، مرکز شهر اسلامی دارای کارکردهای سلسله مراتبی است. مانند : مسجد جامع ، حوزه علمیه ، بازار

۲- وجود سلسله مراتب بازرگانی و پیشه وری در درون بازار ، سلسله مراتب در بازار و اصناف نیز خودش را نشان می دهد . تیم و تیمچه ، سراها و کاروانسراها

۳- وجود محله های مسکونی مختلف ، محلات مسکونی شهرهای اسلامی نیز سلسله مراتبی است و کیفیت محله های مسکونی به ساکنان آن محله ها بر می گردد.

۴- وجود تاسیسات و استحکامات دفاعی و نظامی (برج و بارو ، دروازه و کهن دژ و...)

۵- قرارگیری گورستان‌ها و بازارهای دوره ای در خارج از شهرهای اسلامی

همانطور که قبلا نیز ذکر آن رفت، مهم‌ترین عوامل مشخصه شهر اسلامی ، شامل مسجد ، بازار و محله می باشد که اینک به شرح آنها می پردازیم :

الف) مسجد :

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

از آنجائی‌که دولت اسلامی برای بیان و ترویج اهداف خود نیاز به شهر دارد و همچنین به این دلیل که این دولت برای اولین بار در مسجد شکل گرفته است. بنابراین وجود مسجد جامع ، یکی از مشخصات شهردوره اسلامی است. اهمیت مسجد تا بدان حد است که در دوران اولیه دولت اسلامی، سکونتگاه‌هایی به مقام شهر می‌رسند که دارای مسجد جامع (برای اقامه نماز جماعت) باشند.

پس از حمله اعراب به ایران و اشاعه اسلام در کشور، نخستین مکانی که در شهر ساخته می شد، مسجد جامع بود، گاهی آتشکده‌ها و یا سایر عناصر مذهبی غیر اسلامی بدین منظور تغییر شکل داده می شد. با برپا شدن مسجد جامع ، سکونت‌گاه مورد نظر به عنوان شهر شناخته می شد. " اگر قبل از این شهر وجود می داشته ، نقش آن تقویت می‌گردد و اگر بیش از این شهری موجود نبوده است ،آن مکان ارتقای سلسله مراتبی می‌یابد و به عنوان شهر تلقی می گردد. اتلاق این عنوان به معنای حضور و تسلط دولت اسلامی بر منطقه ای است که به آن شهر – چه از نظر سیاسی و چه اقتصادی – وابسته می شود" (حبیبی ، ۱۳۷۵ ، ۴۲) .

علاوه بر نقش مذهبی ، مساجد جامع دارای نقش‌های سیاسی و اجتماعی بسیار قوی نیز بودند. در همین مساجد است که مشکلات و مسائل امت اسلامی با امت در میان گذاشته می شود و از فراز منابر همین مساجد است که دستورات مربوط به خلع و یا انتصاب مسئولان دولت اسلامی خوانده می شود و گاهی از همین منابر حکم خلع خلیفه وقت و سرپیچی از دستورات او صادر شده و خطبه به نام امرای محلی خوانده می‌شد. امت اسلامی نیز رضایت و یا نارضایتی خود را از حکومت اسلامی با شرکت و یا عدم شرکت در نماز جمعه نشان و اعلام می داشتند (همان ، ۴۲).

دگرگونی و تغییر شکل مساجد رابطه بسیار نزدیک و تنگاتنگی با مفهوم دولت در دوره های مختلف داشته و دارد . در دوره های اول که در صدر اسلام بوده است، مساجد به صورت ساده و بی پیرایه ساخته می شدند. نمونه این گونه مساجد مسجد النبی در شهر مدینه می باشد که با ساده ترین مصالح که بیشتر مصالح موجود در محل بوده و با معماری بسیار نزدیک به بافت پیرامون مسجد ساخته می شد. این مساجد که محل استقرار دولت اسلامی نیز هست، در پر رفت و آمد ترین نقطه شهر بر پا می‌گشت .

در دوره حکومت بنی امیه ، محل حکومت اسلامی از مسجد جدا گشته و در مکانی با نام دارالاماره قرار می‌گیرد که در جوار مسجد قرار داشت و در دوره سوم که منطبق با حکومت عباسیان است، مسجد جامع از دیدگاه شکلی خود را از بافت ساخته شده پیرامون خویش، جدا می سازد.

در دوره چهارم که مقارن با ظهور دولت‌های محلی در دل حکومت عباسی است ، مساجد بیش از آنکه محلی برای عبادت باشند، مکانی جهت خود نمائی دولت‌ها می‌گردند. ظاهر با شکوه و

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

معماری‌های یادمانی در مساجد نقش اصلی را ایفا می‌کند. به تبع این دگرگونی، شهر نیز دچار تغییرات عمده می گردد. محلات بر مبنای جدایی قومی ، نژادی ، فرهنگی ، مذهبی و... بر پا می گردند. هر محله ای مسجد خویش را دارد. ایجاد محلات جدید خارج از فضای موجود شهر به نوعی به خود نمایی حکومت‌ها تبدیل می شود. در این دوره شهر به مجموعه ای از محلات در خود و بیگانه از یکدیگر تبدیل می شود.

در این دوره مسجد و در جوار آن مدارس علمیه، مقر آن‌دسته از علما و مردمانی می باشد که با رجوع به صدر اسلام به عنوان نهادهای ضد قدرت در مقابل حکومت‌های محل به مبارزه می پردازند و در پی کسب قدرت سیاسی هستند (حبیبی ، ۱۳۷۵، ۴۵) .

" در این دوره مسجد به عنوان مرکز عقیدتی – سیاسی نقش عمده‌ای پیدا کرده و در جوار خود مدارس و مکاتب عمده ای را ایجاد می‌کند . از جامعه الازهر در قاهره تا جامعه الزیتون و تا مدارس نظامیه در ایران و ... همه و همه مکان‌هایی هستند برای تبلیغ و ترویج تفاسیر متفاوتی که دولت‌های محلی و متفکرین وابسته به آنها از شریعت اسلامی دارند. در همین مدارس و مکاتب است که برای اولین بار دول اسلامی به نظریه پردازی و مشروعیت بخشیدن به خود می پردازند" (همان).

ب) بازار

بازار تجلی‌گاه فرهنگی شهر اسلامی است که با توجه به بازار می‌توان برخی از رفتارهای اجتماعی مردم ساکن شهر ، نیازها و خواست‌های آنان را دریافت .

با توجه به سنتی که از زمان ساسانیان برجای مانده بود ، در شهرهای اسلامی – ایرانی ، بازار شهر از میدان اصلی شهر به سوی دیوار و بارو کشیده شده و سپس در ورای آن تا حدی معقول گسترش می یابد.

وجود مسجد جامع در نزدیکی بازار ، تغییرات مهمی را در سازمان کالبدی و تنظیمات فضائی و دگرگونی کاربری ها برقرار می سازد. بنابر وجود مسجد جامع در نزدیکی بازار ، نخستین بازار ، بازار شمع فروشان و عطاران ، مهر و تسبیح فروشان است که در محدوده بلافصل مسجد قرار دارند. اگر مدرسه و یا حوزه علمیه در کنار بازار قرار داشته باشد، پس از این بازار ، بازار کتابفروشان و صحافان قرار می‌گیرد. مدارس معمولا درهای خویش را در راسته های اصلی بازارها می‌گشایند. بعد از بازار کتابفروشان ، بازار پارچه فروشان و یا قیصریه قرار می‌گیرد که به دلیل اهمیت صنعت نساجی و نقش مهم اقتصادی آن پر اهمیت ترین مرکز بازرگانی شهر می باشد (همان ، ۴۷). البته در حال

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

حاضر در کشور ما صنعت نساجی به خاطر ورود بیش از حد پارچه های چینی از اهمیت زیادی برخوردار نمی باشد و رو به شکست است.

پس از بازار قیصریه بازار نجاران ، مسگران ، قفل سازان و پس از آن حلبی سازان و آهنگران قرار دارد. در دنباله این بازارها ، نعلبندان ، زین سازان و پالان دوزان در کناره و در داخل باروی شهر قرار می گیرند.

به خاطر آلودگی‌هایی که برخی مشاغل ایجاد می‌کرد، این قبیل مشاغل در کنار شهر و با فاصله ای مناسب از برج و باروی آن قرار می گرفت تا کمترین زیان و ضرر به شهروندان برسد. این قبیل بازار ها عبارت بودند از بازار دباغان و رنگرزان (حبیبی ، ۱۳۷۵ ، ۴۷).

بازار علاوه بر نقش تجاری و بازرگانی خود ، دارای نقش‌های مختلف سیاسی و اجتماعی در طول تاریخ بوده است . وجود اصناف در داخل بازار این امر را امکان پذیر می نمود که در مواقع ضروری بعنوان نهاد ضد قدرت عمل نمایند . با چند پارچه شدن بازار در طی اوائل سده حاضر، بازار آن انسجام گذشته خود را از دست داده است .

در طول تاریخ بازار از طرف دولت و حکومت اسلامی مورد تقویت قرار گرفته است. علت این امر در کشور ایران بخاطر مالک بودن حکومت می باشد. یعنی حکومت مالک اصلی تمام منابع و سرمایه ها و کالاها است . از این‌رو دولت اسلامی به این کار دامن می زند، تا برای خود در بین مردم پایگاه محکمی ایجاد نماید.



عکس هوائی از مجموعه بازار اردبیل در سال ۱۳۷۴ – سازمان نقشه برداری

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

ج) محله

در ابتدای تشکیل حکومت اسلامی، ایجاد هر گونه قشر بندی اجتماعی بر مبنای قوم ، نژاد ، سنت و ... نفی می‌گردید. در دوره حکومت سلجوقیان است که با ایجاد محلاتی بر حسب قوم و قبیله و نژاد ، مذهب ، زبان و فرقه مواجه هستیم . ساکنین این محلات پیوندی چند سویه و درهم تنیده با ساکنین روستاهای هم کیش، هم مذهب، هم زبان، هم قبیله و... خود داشتند. این محلات به طور جداگانه دارای مسجد ، مدرسه ، آب انبار ، بازارچه ، حمام و ... بودند. در برخی اوقات این محلات دروازهای ورود و خروج به داخل محله و بیرون شهر نیز داشتند. ارتباط درون گروهی در محلات بسیار بیشتر از ارتباط با محلات مجاور وجود بود.

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

فصل پنجم : عوامل تاثیر گذار بر شکل‌گیری فضاهای شهری در ایران

عوامل متعددی در شکل‌گیری فضاهای شهری در ایران دخالت داشته‌اند که در زیر به اختصار به آنها اشاره می شود :

۱- ارزش‌های فرهنگی و نقش آن در شکل گیری فضای شهری

ارزش‌ها و خصوصیات فرهنگی جزو اصلی‌ترین عوامل تاثیرگذار بر شکل‌گیری فضاهای شهری می‌باشند. البته این ارزش فرهنگی در هر دوره ای بر اساس دیدگاه حاکمان وقت نیز تعیین می شد. یعنی عوامل سیاسی دخالت زیادی در شکل‌گیری ارزش‌های فرهنگی داشته‌اند. برخی از این ویژگی‌های فرهنگی که در شکل گیری فضاهای شهری ایران و در نتیجه در هویت دادن به آنها تاثیر داشته اند عبارتند از :

- " احتراز زنان و مردان در مراسمی که در مکان‌ها و فضاهای عمومی اجرا می شده است، به عنوان یک ارزش فرهنگی ایرانی یکی از علل اصلی تفاوت‌های بهره گیری از فضاهای شهری در فرهنگ‌های ایرانی و تمدن‌هایی است که به این ارزش‌ها پای بند نمی باشند. "
- به خاطر ماهیت اعیاد و جشن‌های ایرانی در بسیاری از موارد نیاز به فضای عمومی شهر نبود. برای نمونه می توان از اعیاد مذهبی مانند نماز عید قربان و فطر نام برد که در مساجد و مصلی ها برگزار می شود. برخی دیگر از اعیاد مانند عید مبعث و عید غدیر نیز در مساجد ، حسینیه‌ها و تکایا و حتی خانه‌ها برگزار می شد . سایر اعیاد ملی مانند عید نوروز و چهارشنبه سوری یا در خانه ها و یا در فضاهای نیمه خصوصی بر گزار می شود و بنابراین نیاز به فضای عمومی را در شهرها منتفی می کنند.
- رعایت برخی ارزش‌های اخلاقی مانند احتراز از خودنمایی ، حیا ، پرهیز از تحریک نیازها و غرایز دیگران (به خصوص اقشار محروم جامعه) سبب می‌شده است که برخی رفتارها و فعالیت‌ها در فضاهای باز و قابل رویت انجام نشود. از این گونه فعالیت‌ها می‌توان به غذا خوری‌ها اشاره کرد که به خاطر رعایت برخی ارزش‌های اخلاقی (مانند پخش بوی غذا در فضاهای عمومی)، وجود غذا خوری‌ها در ملا عام و خیابان اصلی امری رایج نبوده است.

shahrsazi novin

NovinShahrsaz



بافت و محله بندی شهر اردبیل در سال ۱۳۴۵

۲- آداب و سنن و نقش آن در شکل گیری فضاهای شهری

ممنوعیت اختلاط زنان و مردان نامحرم سبب شده است که فضاهای شهری ایرانی به خرده فضاهایی تقسیم گردد. نمونه این مورد را می‌توان در ایجاد لژ خانوادگی در رستوران‌های جدید التاسیس مشاهده کرد.در حسینه‌ها و تکایا که مردان و زنان با هم در آن شرکت می‌جستند، طبقات پایین مسجد به مردان اختصاص می یافت و طبقات بالا به زنان اختصاص داده می شد.

۳- تمایز بین درون و بیرون و نقش آن در شکل گیری فضاهای شهری

مفهوم اندرونی و بیرونی در دو فرهنگ ایرانی و غربی بشدت باهم متفاوت است . این دو فضا در فرهنگ ایرانی کاملا از یکدیگر مجزا و تعریف شده است. در فرهنگ ایرانی فضای درون خانه (اندرونی) از اهمیت و ارزش بیشتری برخوردار می باشد و حالت تقدس به خود گرفته است.

در گذشته برای ورود افراد به حیاط خانه در درب ورودی خانه از دو نوع کوبه متفاوت برای تشخیص زن یا مرد بودن مهمان استفاده می شده است.

۴- نوع احساس مالیکت و تاثیر آن در شکل گیری فضاهای شهری

عموما مردم ایران نسبت به فضاهای عمومی احساس عدم مالکیت دارند؛ ولی این حس مالکیت در فضاهای نیمه عمومی و خصوصی مانند تکایا و حسینیه ها سبب شده تا این فضاها تمیز و پاکیزه نگه داشته شوند.

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

۵- رعایت حقوق دیگران و تاثیر آن در شکل گیری فضاهای شهری

احترام به حقوق دیگران مخصوصا همسایه ها سبب شده تا خانه‌ها و مساکن نسبت به هم اشراف نداشته باشند. این امر سبب شده که فضاهای شهری و عموما بطور عمده در بین دیوارها محصور باشند . علاوه بر این عامل یعنی عدم اشراف خانه ها نسبت به هم ، در گذشته ترس از حاکمان و آشوبگری ها نیز سبب می شده است که مردم ساکن در شهر ، فضاهای خانه را بصورت محصور در آورده و نسبت به نمای خارجی مساکن خویش بی توجه باشند تا مورد توجه قرار نگیرد (ر.ک: نقی زاده ، ۱۳۸۶ ، ۱۹۰-۱۹۵).

با توجه به مطالبی که گفته شد عوامل متعددی در شکل‌گیری فضاهای شهری ایران در گذشته دخالت داشته‌اند. با یک نگاه کلی همانطور که بارها بر آن تاکید شده است عامل فرهنگی ، اعتقادات و باورها در شکل گیری فضاهای شهری ایران در گذشته نقش عمده ای را بازی می کرده است .

همین پیروی از فرهنگ‌ها ، اعتقادات و باورها در خلق فضاهای شهری سبب می‌شده است که آن فضاها مورد پسند و مقبول عموم شهروندان قرار بگیرد. بخصوص که در اکثر فضاهای شهری ایران در گذشته مقیاس کار ، بر مبنای انسان استوار بوده است .

۶. سیاست و حاکمیت

یکی دیگر از تاثیر گذارترین عامل در شکل‌گیری فضاهای شهری در شهرهای اسلامی سیاست و حاکمیت و بطور کلی خواست نظام حاکم در شهر می باشد . در حقیقت آنچه که به عنوان آرایش فضائی عناصر کالبدی می‌نامیم در یک بستر سیاسی شکل می گیرد . عواملی فرهنگی و اجتماعی به نوعی از این عامل تاثیر پذیر هستند(مولف).

ویژگی‌های کالبدی فضاهای شهری ایرانی

مهم‌ترین ویژگی های کالبدی فضاهای شهری ایرانی عبارتند از :

- سلسله مراتب :

اصل سلسله مراتب از مهم‌ترین اصول حاکم بر فضاهای شهری ایرانی می باشد که به روش‌ها و درجات مختلف رابطه بین فضاهای مختلف را بر قرار می‌کند " معنا بخشیدن به فضا یکی از نتایج مترتب بر رعایت سلسله مراتب بود . عبور از فضایی به فضایی دیگر معمولا بدون واسطه و فقط با تغییر نام یا ویژگی‌های هندسی انجام نمی شد، غالبا فضائی واسط ارتباط فضاها را برقرار می‌نمود.

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

برای نمونه معابر به هنگام ورود و اتصال به میادین در بسیاری موارد سرپوشیده بودند. یا ارتباط بین گروه‌های مختلف فضاهای شهری (میادین و معابر یا صحن‌ها) کمتر به طور مستقیم و همراه با وحدت فضائی انجام می شد. در این گونه موارد از فضاهای رابطی استفاده می‌شد که امکان دید ناظر را مسدود و احساس وحدت فضائی را منتفی می نمود. البته این در حالی بود که وحدت کل مجموعه و به بیان دیگر وحدت در کثرت محفوظ می گردید "(نقی زاده ، ۱۳۸۶ ، ۱۹۶- ۱۹۷).

قبلا بحث سلسله مراتب در بازار و تغییرات کاربری های تجاری آن توضیح داده شد.

- **توجه به مفاهیم حریم ، قلمرو**

در ارتباط با تاثیر حریم و حرمت در شکل گیری فضاهای شهری و در نتیجه کالبد شهرقبلا توضیح داده شد. این عامل بارزترین مساله در ظهور سلسله مراتبی آشکار در تبیین رابطه فضاهای شهری (فضاهای عمومی) با فضاهای نیمه عمومی ، نیمه خصوصی و خصوصی بوده است.

- **درونگرایی**

از برجسته ترین ویژگی فضاهای سکونت ایرانیان بعد از ورود اسلام ، درون گرائی است. " این اصل در حقیقت بازتاب تفکری است که رجحان را بر روح و معنویت که اصل و مراد هر کالبد مادی است ، بر باطن که درون ظاهر و پوسته پوشیده شده است و بر غیب که در ورای عالم شهادت پنهان است ، داده است. به این ترتیب میادین و فضاهای شهری همچون حیاط خانه های ایرانی ، همچون صحن مساجد و مدارس ، همچون درون کاروانسراها و همچنین میانه باغ‌های مصفای ایرانی ، هم به عنوان مامن و پناهگاه شهروندان ایفای نقش می نموده و هم با تواضع و فروتنی خاص این فرهنگ ، کشش اصلی را به سوی درون فضاهای پیرامونی خویش ایجاد می نموده است "
(ر.ک : نقی زاده ، ۱۳۸۶ ، ۱۹۸).

- **ویژگی‌های هویتی**

هر فضا در شهرهای ایرانی دارای هویتی بوده است . هویت نهائی یک فضا نتیجه هویت‌های عملکردی ، کالبدی ، محیطی ، فرهنگی و معنایی آن می باشد. بدین ترتیب می توان تمایز فضاهای شهری ایرانی را با غیر ایرانی درک نمود.

احساس هماهنگی فضاهای شهری با فرهنگ شهروندان ، این قبیل فضاها را جزو جلوه ای از هویت فرهنگی شهروندان در می آورد. البته در صورتی که تحت تاثیر تهاجمات فرهنگی بیگانگان

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

فرهنگ وارداتی ، فرهنگ سنتی را که دست آورد سالیان دراز است تحت الشعاع قرار ندهد.

هماهنگی بناها و ساختمان‌های شهر با ویژگی‌های طبیعی محیط پیرامون مانند رنگ ، آب و هوا ، مصالح بومی ، به شهرهای ایران هویت محیطی بخشیده است . نمونه بارز و روشن این هویت محیطی را در شهر یزد می توان مشاهده نمود.

هویت معنایی فضاهای شهری، یادآور خاطره های جمعی و حوداث تاریخی است . این هویت شاید توسط افراد غربیه بطور کامل درک نگردد . برای نمونه می توان از خانه مشروطیت در شهر تبریز نام برد که یادآورد خاطره مبارزات مردم برای برقراری مشروطه در کشور است (تصویر خانه مشروطیت تبریز).

" فرم‌ها و اشکال و عملکرد فضا نیز یادآور معانی و مفاهیمی هستند که توسط مردم (تا حدی) قابل درک هستند و بیگانگان یا آن را درک نمی کنند و یا آن که آن را با معانی مورد نظر خود متمایز می یابند" (ر.ک : نقی زاده ، ۱۳۸۶ ، ۱۹۸).

جانمایی میدان " رات هاوس پلاتز" به گونه ای بود که بین دو ساختمان عمومی و مهم مرکز شهری وین- یعنی ساختمان شهرداری و تئاتر بورگ-قرار می گرفت و به عنوان فضای شهری عمومی بزرگ و یادمانی به وسیله‌ی پارک " رات هاوس" احاطه می شد. با اقداماتی نظیر پاکسازی بخشی از میدان از ترافیک به واسطه احداث پارکینگ زیرزمینی و بستن مسیرهای منتهی به میدان به روی خودروها- که در فاصله سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ انجام شد- تمام فضای میدان به پهنه‌ی فعالیتی شهروندان بدل گردید.

از اقدامات مهم صورت گرفته در طراحی مجدد میدان » رات هاوس پلاتز» یا میدان شهرداری، انطباق مبلمان شهری با هویت مکان و استفاده از گونه های گیاهی خاص و منطبق با سایر عناصر شهری و استفاده چندمنظوره از المان‌های شهری بوده است. این نحوه برخورد طراحان و برنامه ریزان شهری، روشی زیبایی خواهانه است که به جانمایی تعداد زیادی از کارکردهای شهری در فضایی هر چه کمتر می پردازد.

در واقع " میدان رات هاوس پلانز" نمونه خوبی از مکانی با کارکردهای متعدد است. این میدان در طول سال‌های اخیر، به الگویی برای ساماندهی سایر میدان‌های وین تبدیل شده است.

یکی از موارد مهم در احداث یا ساماندهی میدان‌ها، طراحی و اجرای انعطاف پذیر زیرساخت‌ها به منظور تعبیه تاسیسات مورد نیاز است. این مقوله خاص در کنار پرداختن به جداول پیاده روها از جمله نکاتی بودند که در بهسازی میدان رات هاوس پلانز مدنظر قرار گرفتند. در واقع قبلا این جداول موانع ناخوشایندی برای بازدیدکنندگان بودند که این مشکل با بالا آوردن سطح میدان تا

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

سطح زیرسازی شده پیاده رو و استفاده از آسفالت برای پوشاندن آن مرتفع شد.

اختصاص طیف متنوعی از کاربری‌ها در این میدان در بیشتر ایام سال، برگزاری جشن افتتاحیه فستیوال وین، راه اندازی بازارهای کریسمس، به همراه طراحی ساده و محتاطانه میدان موجب هرچه پویاتر شدن آن شده است.

در نگاه کلی به شیوه های جدید طراحی فضاهای عمومی و باز در وین می توان دریافت که این فضاها به لحاظ حقوقی، به راستی دارایی عمومی به شمار می روند و استفاده شخصی یا اجاره‌ی بخشی از آن به نفع اشخاص عملا امکان‌پذیر نیست.

روش طراحی فضای امن عمومی که کارکردهای مختلف شهری دارد، باید حتی الامکان بیطرفانه و منعطف باشد. استفاده کنندگان خصوصی باید موردتوجه قرار گیرند و با روشی هدف‌مند هدایت گردند. تنها در این صورت است که دسترسی به ترکیبی صحیح از تجارت و آزادی عمل استفاده کنندگان امکان‌پذیر است. این مصداق تجربه ای است که در میدان پرارزش و مهم رات هاوس پلاتز به شهر نشسته است. (شهرداری‌ها، ش ۵۸، ص ۵۵، ترجمه گلزار زندی از سایت www.planum.net).

پایان سخن

سیمای شهر به عنوان بعد فراموش شده‌ی طراحی و برنامه ریزی شهری، در این نوشتار مورد مطالعه قرار گرفته است. شاید از این پس طراحان و مدیران شهری با نگاه و اندیشه ای دیگر این مهم را مورد مداقه قرار دهند. در واقع این کتاب در پی آن است که بتواند سیمای شهر و هر آنچه را که به نوعی به سیمای شهر مرتبط می گردد، موردنظر قرار داده و به خصوص به روشن ساختن مفاهیمی ناملموس در این درگاه که کمتر در برنامه ریزی شهری مطرح گردیده، بپردازد.

در ابتدا سعی بر آن بوده که با طرح اصول، مفاهیم و تعاریف مربوط به سیمای شهر یا همان تصویر ذهنی، منظر شهر و شکل شهر به روشنی این سه مفهوم از یکدیگر منفک گردند. به ویژه که معنای دو مفهوم سیما و منظر شهر، همواره با ابهام همراه بوده است. کوین لینچ که " سیمای شهر" را اولین بار او به طراحی شهری معرفی نمود، اعتقاد دارد که سیما یا تصویر ذهنی کلیه برداشت‌ها، باورها، حدس ها و انتظاراتی است که فرد از محیط پیرامون دارد و ارزش، کیفیات، عملکرد و الویت های متفاوت را در وی ایجاد می کند. به طور ساده تر، آنچه به عنوان سیمای شهر نامیده می‌شود، برداشت های ذهنی شهروندان و بینندگان شهر از واقعیت های موجود می باشد که این تصویر ذهنی زاده‌ی سطح آگاهی های شهروندان و بینندگان شهر است. اما منظر شهر به تمام

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

جنبه‌های کالبدی و فضایی شهر و محیط پیرامون آن در مقیاس های مختلف گفته می‌شود که به عینیت فرد در می‌آید. در واقع شکل ظاهری و عینی ای که کالبد شهر دارا می باشد، جزء منظر شهر است. برخلاف سیمای شهر، منظر شهر یعنی آنچه که بدون هر گونه ذهنیتی، به چشم ناظر دیده می شود و در واقعیت موجود است. سه عامل نما، فضا و مبلمان شهر را می توان عوامل اصلی پدیدآورنده و سازنده منظر شهر نامید. در این بخش شش عامل موثر در نما شامل طرح نما، شیوه ساخت و ساز، سازه ساختمان، مصالح ساختمان، رنگ و نسج و نیز تبحر ساخت مطرح شده است. سپس انواع فضاهای شهر (عمومی و نیمه عمومی)، همچنین ویژگی‌های عمومی مبلمان شهری شامل جانمایی مناسب، طرح و شکل مبلمان شهری، مصالح، رنگ، نسج و تبحر ساخت شرح داده شده است.

مفاهیم شکل شهر و فضای شهر نیز در این بخش روشن گردید. شکل شهر عبارت از همان جنبه‌های کالبدی محیط با تمام ویژگی های فضایی و غیر فضایی محیط می باشد. فضای شهر به عنوان مکان آمد و شد میان گذشته، حال و آینده، دربردارنده چهار عنصر اساسی شامل ساکنان یا عابران، عناصر انسان ساخت، روابط و زمان می باشد و دارای سه ویژگی اصلی است:

۱- شالوده شهر که استخوان‌بندی اصلی شهر را می سازد.

۲- نماد شهر که نقشی موثر در انتقال مفاهیم واقعی و انتزاعی دارد.

۳- مرکز شهر که در هر مقیاس، مکانی برای بروز و حضور حیات مدنی در عرصه های کالبدی، فضایی، مکانی و زمانی بوده است.

انواع فضاهای عمومی شهر عبارتند از ورودی ها، میادین و فلکه ها، مسیرها، لبه آب و پله.

در بخش بعدی، نظریه‌های مربوط به پیدایش شهر شامل انقلاب شهری و نظریه آب و سکونتگاه‌ها، همچنین نظریه‌های مربوط به رشد و تکامل شهر شامل رشد شهر به صورت دوایر متحدالمرکز، توسعه قطاعی شهر و نیز مدل توسعه چند هسته ای شهر مورد بررسی قرار گرفته است.

اصول علمی زیبایی شناختی محور بعدی مورد بحث در این نوشتار بوده است. در واقع آن دسته از معیارهای زیبایی شناختی که مقبولیت عام دارد، اساس طراحی شهر و سیمای شهر در آینده و حال را شکل می دهد. در این بخش دیدگاه هیوم، کانت و ساموئل الکساندر در رابطه با معیارهای زیبایی مورد بحث قرار گرفت. هیوم در این رابطه، به الگوها و اصولی اشاره می کند که از طریق توافق و تجربه مشابه ملل در طول قرون و اعصار رواج یافته است.کانت زیبایی را به عنوان چیزی تعریف می‌کند که جدا از هر مفهومی لذت و خرسندی به وجود می آورد. ساموئل الکساندر

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

ارزش‌های زیباشناختی را غیرشخصی معرفی می کند. در ادامه ارزش های کلاسیک زیبایی شناسی شامل خلاقیت و نوآوری، ترکیب، وحدت و هماهنگی و توازن، ریتم، شفافیت، تضاد، ابهام، پیچیدگی و شگفتی بررسی گردیده و برای فهم بهتر چیستی زیبایی، نظریه زیبایی شناختی مارکوزه بیان شده است.سپس در مباحث مربوط به ادراک و مراتب زیبایی شناسی که در میان عرفا و حکمای مسلمان از سابقه ای طولانی برخوردار است، به این نتیجه رسیدیم که زیبایی شناسی به دریافت تناسبات هندسی و رنگ‌ها و اشکال و حدود ظاهری و منافع و لذت مادی یک منظر برای انسان منحصر نمی‌گردد. بلکه فراتر از آن به مکاشفه زیبایی معنوی و لذت معنوی و سرور روحی را نیز شامل می شود.

با توجه به اینکه بررسی عقاید و دیدگاه های شهرسازان بزرگ دنیا کمک خواهد نمود تا از نحوه برخورد آنها با شهر آگاهی کسب کنیم، در ادامه، نظرات جان راسکین (پایه گذار دو نظریه منظرسازی و نظم انداموار) و نیز ویلیام موریس در رابطه با زیباسازی و طراحی شهری مطرح شده است. راسکین در معماری و طرحی شهر بر اصول کلی زیر تأکید می کرد:

۱- تنوع

۲- ارتباط و هماهنگی اجزا با هم

۳- تکرارناپذیری

۴- بی تقارنی

۵- الگوی خیابان های قرون وسطایی

۶- گرایش

اصول زیباسازی شهرها از دیدگاه موریس نیز عبارتست از:

- بازگشت به شهر قرون وسطایی
- صنعت و صنعت دستی
- شهرهای بزرگ
- بسیار محدود و متراکم
- ارزش شهرهای کوچک
- بازگشت به روستا
- حذف تفاوت بین شهر و روستا
- شادی
- اندوخته های طبیعت

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

در ادامه زیبایی شهر از دیدگاه پیش شهرسازان فرهنگ گرا و ترقی گرا و تعابیری نو از این الگوها مطرح گردیده است. سپس اصول و نظریه های مهم سیت در زیباسازی شهری به قرار زیر بررسی گردید:

۱- نفی شبکه شطرنجی.

۲- تأکید عمده بر خیابان و میدان به عنوان عنصر مهم در حیات شهری

۳- نفی اصل تقارن

۴- تأکید بر استفاده از فضای سبز طراحی شده

تنها استناد به این دلیل ساده و واضح که جمعیت شهری ایران در سال ۱۳۸۵، نزدیک به ۷۰ درصد از کل جمعیت کشور را شامل می شد، برای بیان ضرورت و اهمیت زیباسازی شهر در این نوشتار کفایت می کند. همچنین امروزه، با رشد شتابان شهرنشینی و در نتیجه توسعه ناموزون، شهرها را با خطرات زیست محیطی فراوانی مواجه ساخته است و مسئله ی پایداری شهر را با چالش روبرو کرده است. در نتیجه برنامه ریزی و طراحی شهری در قالب زیباسازی می تواند و باید از طریق بهبود ساخت و شکل شهر به توسعه شهری و زندگی پایدار کمک نموده و در نتیجه شهر را به مکانی صمیمانه برای مردم تبدیل ساخته و آثار زیست محیطی آن را کاهش دهد.

بنابراین نتیجه زیباسازی از طرفی می تواند به بالا بردن امتیازات شهر کمک نماید و از طرفی تنگناهای شهر را تقلیل و یا حذف کند. نکته قابل توجه اینکه، همزمان با زیباسازی محیط شهری، لازم است از مشکلات شهری شهروندان کاسته شود تا زیباسازی شهر باعث ایجاد تأثیرات روحی و روانی مثبت در بین شهروندان گردد. ضمن اینکه، امر زیباسازی نباید به ظواهر بصری شهر اکتفا کند ؛ چراکه زیبایی دارای دو بعد بصری و معنوی است. زیبایی بصری به قرارگیری فرم ها، مناظر شهر و عناصر به کار رفته در آن بستگی دارد و زیبایی معنوی در شهرها بر رفتار شهروندان، شهروندمداری، روحیه مشارکت پذیری و ارتباطات اجتماعی، نوع دوستی و ... دلالت دارد.

طراحی فضای سبز براساس اصول زیباسازی، عنوان بعدی است که در این نوشتار بررسی شده است. در این بخش مشخصات زیبایی شناسانه منظر با الهام از حکمت و فلسفه حیات مورد شناسایی قرار گرفته است. این مشخصات عبارتند از گرایش به سمت تجرد، تعادل، یادآوری و هدایتگری، توجه به معنا، هماهنگی، هویت، وحدت و احساس امنیت.

در بخش بعدی کتاب، تنظیف معابر و گذرگاه‌ها، به عنوان یکی از روش های زیباسازی مناظر شهری که علاوه بر مزایای زیست محیطی دارای ابعاد روانی، اجتماعی و فرهنگی نیز می باشد،

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

مطرح گردیده است. در این قسمت، اهداف طراحی و معماری فضای سبز شهری و نیز ایمن سازی پیکر خیابان و نکات اساسی در رابطه با تنظیف معابر آورده شده است.

عنوان بعدی کتاب، همان " سیمای شهر" است که البته این بار با آگاهی بیشتر و به صورتی مشروح تر به سیمای شهر بازمی گردیم که این امر تأکیدی بر اهمیت سیمای شهر به عنوان بعد فراموش شده‌ی برنامه ریزی، طراحی و مدیریت شهری در ایران می باشد. سپس عناصر سیمای شهر یا همان تصویر ذهنی شهر آورده شده است. این عناصر در پنج عنوان مسیر، حوزه، گره، لبه و نشانه خلاصه شده است.

از آنجا که یکی از اهداف اصلی از مطالعه سیمای شهر، جلب مشارکت شهروندان می باشد، بخش بعدی این نوشتار، مشارکت مردم در زیباسازی سیمای شهر مورد بررسی و مداقه قرار گرفته است. کوین لینچ نیز به همین منظور " جلب مشارکت شهروندان" سیمای شهر را وارد دنیای مطالعات شهر نمود. در این بخش مشارکت شهروندان در امر زیباسازی شهر از ابعاد مختلف بررسی گردیده است. اشکال و روش های مشارکت در شهرسازی نیز که به سه نوع اصلی مشارکت علمی و فنی، مشارکت اقتصادی و مشارکت اجتماعی تقسیم می گردد، آورده شده است.

با توجه به اینکه عملکرد سازمان ها و نهادهای دولتی و غیردولتی دخیل در امر مدیریت شهری، به نوعی در سیما و نیز منظر شهر تأثیرگذار است، نقش نهادها و ارگان ها در سیمای شهر به عنوان بخش بعدی کتاب آورده شده است. در این بخش به این نتیجه کلی رسیدیم که سازمان‌هایی که در عمران شهری دخیلند، باید با مجموعه یکپارچه اقدام به فعالیت نمایند، تا ناهماهنگی سبب تخریب مناظر شهری و یا موازی کاری در عمران شهر نگردد و شایسته آنکه تمامی سازمان های مربوط به امر شهر و مدیریت شهر، زیر نظر شهرداری عمل کنند و نقش هر یک از سازمان ها کاملاً مشخص گردد.

سیمای شهر در فرهنگ اسلامی عنوان بعدی این نوشتار بوده است. در این بخش که شهرهای دوره پس از ورود اسلام به ایران تا انقراض حکومت قاجاریه را شهرهای سنتی اسلامی در نظر گرفته ایم، ویژگی ها و سیمای شهرهای اسلامی بررسی گردیده است. وجود فرهنگ وقف در نتیجه ی اعتقادات مذهبی و نیز عدم امنیت حاکم در شهرها از جمله ویژگی هایی است که بررسی شده است. همچنین نمود وحدت در معماری و شهرسازی اسلامی- ایرانی و نیز نقش هدایت گری کانون های شهرهای اسلامی- ایرانی همچون مسجد یا بازار که انسان را در مکانیابی کمک می رسانند، وجود دروازه ها برای تعیین جهات اصلی و نیز نظم، سلسله مراتب و مرکزیت موجود در این شهرها و... مطرح شده است. همچنین برخی از نظرات مرتبط با شهرهای اسلامی، همچون مکتب چشم

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

انداز فرهنگی، نظرات برادران مارسی، روبرت برونشویگ، ژاک برگ، لوقد، ویرث و اهلرز در این بخش آورده شده است.سپس مهم ترین عوامل مشخصه شهر اسلامی شامل مسجد، بازار و محله شرح داده شده است.

در بخش بعدی، به عوامل موثر بر شکل گیری فضاهای شهری در ایران، اشاره گردیده است. این عوامل عبارتند از ارزش های فرهنگی، آداب و سنن، تمایز بین درون و بیرون، نوع احساس مالکیت و رعایت حقوق دیگران. در پایان این بخش نیز مهم‌ترین ویژگی‌های کالبدی فضاهای شهری ایرانی (سلسله مراتب، توجه به مفاهیم حریم و قلمرو، درونگرایی و ویژگی های هویتی) مطرح گردیده است.

با توجه به نمود آشکار آشفتگی‌ها و بی قوارگی‌ها در سیمای شهرهای کشورمان، اهمیت و ضرورت نگارش کتاب هایی از این دست بر کسی پوشیده نیست. بنابراین در تمامی بخش های این نوشتار تلاش گردید " سیمای شهر" و هر آنچه که به سیمای شهر مربوط است، با زبانی ساده نگاشته شود و نیز در جایگاه درخور، پیشنهادهای لازم ارائه گردد.

اگرچه کوین لینچ سیمای شهر را سال‌ها پیش از این (۱۹۶۰) عنوان نمود، اما سیمای شهر به عنوان بعد رهاشده‌ی علوم طراحی شهری، برنامه ریزی شهری، مدیریت شهری، جغرافیای شهری، جامعه شناسی شهری، روانشناسی شهری و... همواره با بی مهری و کم توجهی مواجه بوده است. البته با توجه به اینکه از زمان لینچ تاکنون تحولات زیادی در زمینه نظریه های مربوط به سیمای شهر صورت گرفته است، در این نوشتار علاوه بر لینچ از نظرات و دستاوردهای نظری بسیاری دیگر از متخصصان امر شهر در جایگاه درخور خود بهره گرفته شد.

بازگردانیدن سیمایی مطلوب به شهر، آنچنان‌که بتوان با نگاه به شهر خاطراتی خوش را بازخوانی و احساس نمود، کاری بس دشوار و مستلزم گذر زمانی دراز و مطالعاتی بس عمیق است، اما امید آن داریم که این کتاب به عنوانی گامی در جهت افزایش توجه مدیران شهری برای بهبود " سیمای شهر" موثر واقع گردد و آرام آرام و با راهکارهای مشارکتی شهروندان، سیمای مغشوش شهر به سیمایی مطلوب مبدل شده و در جهت حل بحران هویت شهری چاره اندیشی گردد تا شهروندان با تداعی خاطرات خود سیمای شهری نازیبا در ذهنشان منقش نگردد.

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

فهرست منابع

۱. امین زاده ، بهناز ، تاثیرات برجسازی در محیط شهری : محله الهیه تهران ، محیط شناسی ، شماره ۲۶ ، سال ۱۳۷۹ .

۲. انتظاری ، بهزاد و جمالی ، فیروز و حسین زاده دلیر ، کریم : درآمدی بر اثرات فضائی سیستم صنعتی فوردیزم در توسعه شهر و مکان یابی شهرکهای صنعتی مورد نمونه تبریز ، پژو هشاهای جغرافیائی ، شماره ۶۱ ، پاییز ۱۳۸۶.

۳. اوجاقی ، بابک ، هنر به مثابه پراکسیس ؛ گذری بر نظریه زیبایی شناسی مارکوزه ، ماهنامه دانشجوئی نیمه تاریک- دانشکده علوم اجتماعی – دانشگاه تهران ، شماره دوم وسوم ؛ فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۷ .

۴. اوستروفسکی ، واتسلاف : شهرسازی معاصر – از نخستین سرچشمه ها تا منشور آتن، ترجمه : لادن اعتضادی ، مرکز نشر دانشگاهی ، تهران ،چاپ اول ۱۳۷۱ .

۵. بحرینی ، سید حسین : تجدد ، فراتجدد و پس از آن در شهرسازی ، دانشگاه تهران ، ۱۳۷۸ .

۶. بحرینی ، سید حسین : فرایند طراحی شهری ، دانشگاه تهران ، چاپ دوم ۱۳۸۲ .

۷. بهرام سلطانی ، کامبیز : مبانی معماری فضای سبز ، وزارت مسکن و شهرسازی – دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران ، ۱۳۸۴ .

۸. بهزاد فر ، مصطفی : هویت شهر : نگاهی به هویت شهر تهران ، نشر شهر ، ۱۳۸۶ .

۹. بیکن ، ادموند : طراحی شهرها ، ترجمه : فرزانه طاهری ، شهیدی ، چاپ دوم ۱۳۸۶ .

۱۰. پاپلی یزدی ، محمد حسین و رجبی سناجردی ، حسین ، نظریه های شهر و پیرامون ، سمت ۱۳۸۲ .

۱۱. پاکزاد ، جهانشاه : سیمای شهر ؛ آنچه کوین لینچ از آن می فهمید، مجله آبادی ، شماره ۵۴ ، زمستان ۱۳۸۵ .

۱۲. پاکزاد ، جهانشاه : مبانی نظری و فرایند طراحی شهری ، وزارت مسکن و شهرسازی – دبیرخانه شورایعالی شهرسازی ، چاپ دوم ۱۳۸۶ .

۱۳. پاکزاد ، جهانشاه : مقالاتی در باب طراحی شهری (کتاب اول) ، شهیدی ، ۱۳۸۶ .

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

۱۴. پاکزاد ، جهانشاه : مقالاتی در باب مفاهیم معماری و طراحی شهری ؛ کتاب دوم ،انتشارات شهیدی ، ۱۳۸۶ .

۱۵. پاکزاد، جهانشاه : راهنمای طراحی فضاهای شهری ، وزارت مسکن و شهرسازی – دبیر خانه شورایعالی شهرسازی و معماری ، چاپ سوم ، ۱۳۸۶ .

۱۶. پیرنیا ، محمد کریم : آشنائی با معماری اسلامی ایران ، تدوین : غلامحسین معماریان ، دانشگاه علم و صنعت ، ۱۳۷۱ .

۱۷. پیش بین ، اسماعیل : باید ها و نبایدها در ۱۰۰ طرح منظر (باغ – پارک – ویلا) ، آییژ ، ۱۳۸۴ .

۱۸. توسلی ، محمود و بنیادی ، ناصر : طراحی فضای شهری ؛ فضاهای شهری و جایگاه آنها در زندگی و سیمای شهری ، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران ، ۱۳۷۱ .

۱۹. حاجی پور ، خلیل : برنامه ریزی محله – مبنا ؛ رهیافتی کار آمد در ایجاد مدیریت شهری پایدار ، نشریه هنرهای زیبا ، ۲۶ ، تابستان ۱۳۸۵

۲۰. حبیبی ، محسن : از شار تا شهر (تحلیل تاریخی از مفهوم شهر و سیمای کالبدی آن تفکر و تاثر) ، دانشگاه تهران ،۱۳۷۵ .

۲۱. حبیبی ، محسن و مقصودی ، ملیحه : مرمت شهری ، دانشگاه تهران ، چاپ اول ۱۳۸۱ .

۲۲. حمیدی ، ملیحه و همکاران ، استخوانبندی شهری تهران (جلد اول شناخت مفاهیم و نمونه ها ؛ ایران – جهان) ، معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران، ۱۳۷۶ .

۲۳. داندیس ، دونیس إ : مبادی سواد بصری ، انتشارات سروش ، چاپ پانزدهم ، ۱۳۸۶ .

۲۴. دانشگاه هنر ، مجموعه مقالات دومین همایش بین المللی معماری مسجد – افق آینده ، دانشگاه هنر ، ۱۳۷۹ .

۲۵. دانشگاه هنر ، مجموعه مقالات همایش معماری مسجد ؛ گذشته ، حال و آینده ، دانشگاه هنر ، پردیس اصفهان ، جلد اول و دوم ، آذر ماه ۱۳۷۶ .

۲۶. دفتر امور اجتماعی وزارت کشور : خلاصه مقالات همایش شوراهای اسلامی و مشارکت مردمی ، بهمن ۱۳۷۷ .

۲۷. دی کی چینگ ، فرانسیس : معماری : فرم ، فضا و نظم ، ترجمه: علیرضا تغابنی و سیده صدیقه قویدل ، کتاب آراد با همکاری اندیشه خلاق ، چاپ دوم ۱۳۸۵ .

۲۸. رهنمایی، محمدتقی، مجموعه مباحث و روش های شهرسازی(جغرافیا)، مرکز مطالعات و تحقیقات معماری و شهرسازی ایران، ۱۳۸۳.

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

۲۹. سعید نیا ، احمد ، کتاب سبز شهرداری – جلد اول شهرسازی ، سازمان شهرداریها، ۱۳۷۸ .

۳۰. سلطانزاده ، حسین : فضاهای شهری در بافت های تاریخی ایران ، تهران – دفتر پژوهشهای فرهنگی ، ۱۳۸۵ .

۳۱. سلیم حکیم ، بسیم : شهرهای عربی – اسلامی ؛ اصول شهرسازی و ساختمانی ، ترجمه : محمد حسین ملک احمدی و عارف اقوامی مقدم ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ؛ سازمان چاپ و انتشارات ، ۱۳۸۱ .

۳۲. شفر برده ، کلاوس : سرعت ۳۰ – آرامسازی خیابانهای محلی ، ترجمه : جهانشاه پاکزاد ؛ سازمان شهرداریهای کشور ، ۱۳۸۲ .

۳۳. شکوئی ، حسین : دیدگاههای نو در جغرافیای شهری ، سمت ، ۱۳۷۶ .

۳۴. شوای ، فرانسواز : شهرسازی تخیلات و واقعیات ، ترجمه : محسن حبیبی ، دانشگاه تهران ، چاپ اول ۱۳۷۵ .

۳۵. شیخ ، ابراهیم : شورا و مشارکت ، فرهنگ و اندیشه ، ۱۳۸۱ .

۳۶. شیعه ، اسماعیل : مقدمه ای بر مبانی برنامه ریزی شهری ، دانشگاه علم و صنعت ، چاپ دهم ، ۱۳۸۰ .

۳۷. شیعه ، اسماعیل ، بحران بافت‌های مسکونی جدید در شهرهای بزرگ ایران ، رفاه اجتماعی ، سال چهارم شماره ۱۶ ، ۱۳۸۴

۳۸. عبدالله خان گرجی ، بهرام : سیمای شهر بعد رها شده سیاست‌های شهری در ایران ، مجله آبادی شماره ۵۴ ، زمستان ۱۳۸۵ .

۳۹. علی ، اکبری اسماعیل : دولت مداری در اقتصاد شهری ایران ؛ مطالعه موردی ایلام ، مجله تحقیقات اقتصادی ، شماره ۶۶ ، پاییز ۱۳۸۶

۴۰. فریادی ، شهرزاد ، روش شناسی برنامه ریزی محیط زیستی محلی با مشارکت مردم ، محیط شناسی ، شماره ۳۷ ، بهار ۱۳۸۴

۴۱. کپس ، جئورگی : زبان تصویر ، ترجمه : فیروزه مهاجر ، سروش ، چاپ سوم ۱۳۸۶ .

۴۲. کنف لاخر ، هرمان : اصول برنامه ریزی (طراحی) تردد پیاده و دوچرخه ، ترجمهٔ : فریدون قریب ، دانشگاه تهران ،۱۳۸۱ .

۴۳. کورت گروتر، پورگ ، زیبایی شناسی در معماری ، ترجمه: جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون ، دانشگاه شهید بهشتی ، ۱۳۸۶ .

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

۴۴. گلکار ، کورش : مفهوم منظر شهری ، مجله آبادی ، شماره ۵۴ ، زمستان ۱۳۸۵ .

۴۵. لطفی ، سهند : نگاهی به تجربه مدرنیته در شهر و شهرسازی – نشریه هنرهای زیبا ، شماره ۲ ، زمستان ۱۳۸۳.

۴۶. لینچ ، کوین: سیمای شهر ، ترجمه : منوچهر مزینی ، دانشگاه تهران ، چاپ چهارم ۱۳۷۴ .

۴۷. مدنی پور ، علی : طراحی فضای شهری (نگرشی بر فرآیندی اجتماعی و مکانی) ، ترجمه : فرهاد مرتضایی ، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری ، ۱۳۷۹ .

۴۸. مرتضایی، سید رضا: رهیافت‌هایی در طراحی مبلمان شهری ، سازمان شهرداری‌ها ،۱۳۸۱ .

۴۹. مزینی ، منوچهر :سیمای شهر تهران ، مرکز مطالعات شهرداری تهران ، ۱۳۷۷ .

۵۰. موریس ، جمیز : تاریخ شکل شهر تا انقلاب صنعتی ، ترجمه : راضیه رضا زاده ، دانشگاه علم و صنعت ، چاپ چهارم ۱۳۸۵ .

۵۱. موگتین ، کلیف و شرلی ، پیتر : ابعاد سبز طراحی شهری ، ترجمه : کاوه مهربانی ، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری ، ۱۳۸۶ .

۵۲. مهدیزاده ،جواد و همکاران : برنامه ریزی راهبردی توسعه شهری (تجربیات اخیر و جایگاه آن در ایران) ، وزارت مسکن و شهرسازی – معاونت معماری و شهرسازی ، تهران شرکت طرح و نشر پیام سیما ، ۱۳۸۶ .

۵۳. میرزا آقائی ، حمید : خلاقیت در زیباسازی شهری – سایت اینترنتی فکر نو ؛ آذر ۱۳۸۶

۵۴. نظریان ، اصغر : جغرافیای شهری ایران ، دانشگاه پیام نور ، ۱۳۷۹ .

۵۵. نقی زاده ، محمد : ادراک زیبایی و هویت شهر در پرتو تفکر اسلامی ، شهرداری اصفهان ، ۱۳۸۶ .

۵۶. نقی زاده ، محمد : مبانی فلسفی زیبایی شناسی طراحی محیط و منظر ایرانی ، محیط شناسی – ویژه نامه طراحی محیط ، سال بیست و نهم ، بهار ۱۳۸۲.

۵۷. نوریان ، فرشاد و رضایی ، محمود ، برنامه مداخله مردم محله در برنامه ریزی و طرالحی شهری با به کار گیری ICT ، نشریه هنرهای زیبا ، شماره ۲۸ ، زمستان ۱۳۸۵

۵۸. وبر ، ماکس : شهر در گذر زمان ، ترجمه : شیوا کاویانی ، شرکت سهامی انتشار ، ۱۳۷۳.

۵۹. وزارت مسکن و شهرسازی : برنامه ریزی شهری در پروژهای آماده سازی زمین ، وزارت مسکن و شهرسازی – معاونت امور مسکن ، ۱۳۶۶.

۶۰. هیلن براند ، رابرت : معماری اسلامی ، ترجمه : ایرج اعتصام ، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری ، ۱۳۷۷.

shahrsazi novin

NovinShahrsaz

61. P.G. Mackintosh : (31-2005), The development of higher urban life and the geographiuc imagination : beauty , art and moral environmentalism in Toronto ,1900-1920, Journal of Historical Geography

62. M.Edwards(1-2001) City design: what went wrong at Milton Keynes ? Journal of urban design

63. Speek , Jeff : Making Better Places :Ten city Design Resolutions : www.planetizen.com

64. Street Scape design : Bellingham City center master plan

65. An-Seop Choi and Others (47-2007) Rational –design process and evaluation of street –lighting desingn for apartment complexes , Building and environmental

shahrsazi novin